

کارگران جهان متحد شوید!

۱۱۰

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بهاء ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۶۰

در صفحات دیگر این شماره:

- اعتصاب کارگران شرکت حمل و نقل! صفحه ۹
- درباره حزب طبقه کارگر (۲) صفحه ۱۳
- چند قلم از دزدیهای سرمداران رژیم جمهوری اسلامی در استان گیلان صفحه ۱۶
- درباره تعرض وسیع حزب جمهوری اسلامی به آزادیهای دموکراتیک به مقابله برخیزیم! صفحه ۲۶

درآمدهای "موقوفات" بکجا می رود؟

بررسی پوینده نیست که بخش بزرگی از درآمد دولت را، درآمد های مربوط به اموال موقوفه تشکیل میدهد و با زحمتهای سازمان ما مداند که رژیم شاه جلاد از طریق درآمد های "استان قدس رضوی" و موقوفات دیگر هر ساله میلیاردها تومان از دسترنج زحمتکشان ما را به غارت میبرد و

درآمد سازمان اوقاف از منابع مختلف، از زمینهای کشاورزی وقف شده تا کارخانجات و سود حاصل از سفر مسافرتی مکه و... به یکباره در اختیار رژیم شاه قرار میگیرد و امروز همان درآمدهای شراب و بلکه بسیار بیشتر در اختیار "ولایت خقیبه" قرار داشته و موسسات موقوفه زیر نظر رژیم جمهوری اسلامی اداره میشوند. بقیه در صفحه ۲۱

بیانیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیرامون اوضاع و تحولات سیاسی جدید

از همان لحظه ای که قیام مهمن ماه، قدرت سیاسی را به نیروهای جدید حاکم سپرد، بحران موجود در جامعه تنها خاسته نیست بلکه در متن اوضاع جدید کماکان ادامه یافت. خصلت اساسی این بحران، که تاکنون بسزای ما ندارد، کشاکش میان انقلاب و ضدانقلاب، منظور تعیین مسیر حرکت آتی جامعه، موافق یا اهداف طبقاتی معین هر یک از آنها بوده است. این کشاکش و نبرد، تنها میان حبه انقلاب و حبه ضد انقلاب متمرکز در ائتلاف قدرت - یعنی لیسرالها و حزب جمهوری - بحران نداشت، بلکه جنبه بورژوازی نیز خود سرشار از یک مبارزه و نبرد ضد انقلابی، میان جناحهای مختلف بورژوازی بر سر تعیین تکلیف قدرت و نتایج آن، بود. در واقع در قدرت سیاسی حاکم، علیرغم وحدت طبقاتی بر سر سرکوب انقلاب و ناسازی نظام سرمایه داری حاکم، هنوز تکلیف شکل تحقق این عمل، روشن نگردیده بود و از آنجا که گرایشهای مختلف درون بورژوازی حاکم، یعنی لیسرالها از یک سو و حزب از سوی دیگر، دارای اختلافات مشخص بر سر شکل مغایله با بحران بودند، لذا از همان ابتدا جنبه قدرت سیاسی مواجها درگیری میان جناحها برای تعیین این شکل مغایله، گردید. اما آنچه که واقعیت بقیه در صفحه ۲

توطئه های رژیم بر علیه نیروهای انقلابی را درهم شکنیم!

رژیم جمهوری اسلامی با سرمداری حزب مرتجع جمهوری اسلامی، که رشد فزاینده جنبش اعتلائی زحمتکشان، خواب راحت از سران متجع آن ریبوده است، بغا طرشدید سرکوب نیروهای انقلابی اعم از کمونیست و دمکرات، با یکارستن مغز علیل متفکرین خود، راهی جز توطئه چینی نمیاند. سران "مکتبی" رژیم برای سرکوب جنبش نقشه های خائنه میبریزند و برای تثبیت موقعیت شان حتی مغالفتهای ضد انقلابی را رودسته - های خائن و ضد انقلابی را نیز تحمل نمی کنند. بقیه در صفحه ۵

لایحه قصاص: نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم

صفحه ۱۷

بود چه ۱۳۶۰:
بود چه ورزشکستگی
و وابستگی

صفحه ۱۱

حزب خائن توده تثبیت حداقل دستمزد کارگران را تأیید میکند

۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

شعبه ۱ زحمه ۱

بیانیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیرامون اوضاع و تحولات سیاسی جدید

ما این ائتلاف را به معنای خود می‌کنیم. این حزب با حرکت از این موضع که آلترناتیو جوشود را بهترین شکل حساب حساب نظام حاکم می‌داند، در پی تصرف تمام قدرت در دست خویش، ایجاد مرکز قدرت و تکوین یک صد انقلاب فشرده در آنجا، برآمد. تحقق این امر، نیازمند نیروی راننده ندرجی لیبیرالها از رژیم سیاسی و تسلط بر همه‌ی قدرت از جانب حزب بود.

بر اساس درک این ضرورت و در راستای تحقق این هدف، حزب به سمتی حرکت نمود که در پایان آن، حذف کامل لیبیرالها را گردوند قدرت قرار داشت.

ظنمی بود که در چنین شرایطی لیبیرالها به مقابله با این سیاست تعرضی حزب گنا شده می‌شدند و چنین هم بود. لیبیرالها که البته از مدت‌ها قبل از این سیاست عملاً در موضع مغلوب و ابوزیسیون حکومت قرار گرفته بودند؛ در برابر این تعرضی جدید حزب برای کسب کامل قدرت به مقابله پرداختند و صورت مبارزه ابوزیسیون فعال درآمده در برابر حزب صف - آراشی کردند. این عمل، لیبیرالها را ندرجاً تبدیل به یک ابوزیسیون غیرقابل تحمل در قدرت تبدیل نمود. از این پس سیاست به معنی این ارایش چهره‌مان داد و در کارگردان و سیاست‌های اختلال وین سیاست پدید آورد. این سیاستی است که ما در آنجا یکدیگر به وحدت سیاسی او - و طبقه‌های آنان غلبه کرده است و این یک سیاست واقعی بود. بر اساس تغییرات، لیبیرالها عملاً در کار پیکار سیاسی تا آن حد که سیاست به کد سیاست تغییرات مهمی پدید آمد. در گذشته لیبیرالها با حزب در سرکوت مستقیم خویش، فعالیت‌های نقش می‌کرد. اکنون به اعزاز این نهاد، و تغییر سیاست نیروها در حکومت، یک نیروی ابوزیسیون تبدیل شده و عوام‌فریبانه به هم - سوئی با چنین می‌پردازد. و از این هم‌سوئی برای مبارزه قدرت با حزب، یکدیگر عملاً نفس اصلی سرکوت را در رژیم بر عهده گرفته است. به بهره‌گیری می‌کند. چنین وضعی نمی‌توانست تحمل گردد. حکومت نمی‌توانست هم‌سایب سرکوت متمرکز و هجومی را مان تا به سر آمده

تعارفات گمابیش آشکار در عرصه‌های مختلف حاکمیت بورژوازی نسلور یافت و سندیج در تکامل خود، به یک بحران سیاسی جدی تبدیل گشت که ائتلاف حکومتی را عملاً در یک سین سین ناقص آمیزش گرفتار ساخت.

این سین سین، نشان‌هایی با فتن عمر ائتلاف و ضرورت تکستی آن بود. از این پس، شکل ائتلافی قدرت، سین آرایش در ناقص با ملزومات و مقتضیات بورژوازی و قدرت سیاسی آن، برای ادامه مقابله با بحران اقتصادی - سیاسی و رسیدن به مرحله طبعی فرار مگرقت - بورژوازی بیش از گذشته نیازمند آنحان شکلی ارایش سیاسی قدرت بود که نتوانست بطور فشرده و متمرکز به چنین ملزومات و مقتضاتی پاسخ گوید. هم‌بحران دریا شن و مبارزه بوده‌ها اوج یافته بود و هم‌بکار مل روش - های مختلف جناح‌های حاکم به نقطه‌ای رسیده بود که در امر جاری تا حد تک شکل معین سیاست بورژوازی، در همه عرصه‌ها احتلال ایجاد می‌کرد. ائتلاف قدرت لیبیرالها و حزب، در تکامل موجود، دیگر نمی‌توانست به شکل گذشته، به رویارویی با اوضاع بپردازد. مسئله این بود که با پدید آمدن برای فروپاشی مبارزه و جگر نوده‌ها و بحران رندیا شده موجود سرکوت و خفگی تندمندی گشت و بعدها تفکیر می‌شد و تا سباً، این عمل با یک سیاست و روس میسر.

بدون تعارض با روس دیگران را می‌گیرد. و این هردو سندیج با واقعیت ائتلاف، با درگیری‌های شدید میان جناح‌ها بر سر قدرت در تعارض قرار داشت.

ائتلاف به این حد رسیده بود و با تکمیل می‌شد و صد انقلاب فشرده‌ای قدرت را بدست می‌گرفت. دیگری با سیاست یکی از جناح‌ها، نظام قدرت را در دست گرفته و سیاست خود را در مقابله با اوضاع موجود، جاری نماید؛ حزب یا لیبیرالها. این نقطه عطفی در تغییر اوضاع بود. این واقعیت گنا گشت قدرت در بالا را فرونی بخشید و دو جناح را بطور جدی در برابر یکدیگر قرار داد.

درست دریا سب به همین تناقض وین سین بود که حزب جمهوری اسلامی، که از امکانات بالفعل و بالقوه برتر در حینه سیاسی جامعه و در قدرت سیاسی برخوردار بود، به حرکت درآمد

داشت و موضوع در تجربه دو ساله خود را نشان داد. این بود که همه جناح‌ها خواهان یک چیز بودند: به نمرساندن این دوران گنا گشت طبقاً به نفع صد انقلاب بورژوازی و سرکوت فطمی انقلاب. این چیزی بود که هم لیبیرالها و هم جناح حزب و خمینی بر سر آن وحدت‌انسانی و طبقاتی داشتند. و از این موضع، از همان ابتدای انقلاب، شروع به سرکوت مبارزات و اعتراضات نوده‌ها کردند. خیزش انقلابی در کردستان و تنها هم‌زمان با فتنه ائتلاف قدرت برای سرکوت آن، برجسته‌ترین نمونه این وحدت طبقاتی دو جناح در برابر انقلاب بود. دست لیبیرالها، هم‌اکنون در خون خلق کرد فرورفته است که حزب، و این قانون در همه عرصه‌های دیگر جاری بود. لیکن علیرغم این تلاشها، صد انقلاب حاکم نتوانست بر بحران غلبه نماید و نظام را به نفع خویش تثبیت کند. با انعکس بحران موجود، هر چه بیشتر گسترش و عمق یافت و رژیم جمهوری اسلامی پایه‌های بیترقیات این بحران، هر چه بیشتر آن را در درون خویش نیز با زتاب می‌نمود.

قدرت سیاسی، از همان ابتدا، ائتلافی از دو جناح لیبیرالها و حزب جمهوری را تشکیل میداد که در آن خمینی، به مثابه مظهر حکومت اسلامی، در ظاهر در یک موضع ماوراء دو جناح اما در واقع با گرایش نیرومند به جناح حزبی قرار داشت.

علیرغم اینکه، لیبیرالها و حزب دو روش سیاسی کاملاً متفاوت را برای مقابله با اوضاع ارائه می‌دادند، لیکن در چهارچوب تناسب قوای موجود و میزان گنا گشت انقلاب و صد انقلاب از ابتدای قیام تا دوره معینی که نقطه عطف آن را توضیح خواهیم داد، این ائتلاف تنها شکل ممکن در نظام قدرت برای رویارویی با انقلاب بود. هر چند این شکل، از نقطه نظر منافع اساسی طبقه بورژوازی و سرمایه‌داری انحصاری وابسته شکل مطلوب نبود.

بموازات تندید بحران اقتصادی - سیاسی و او جگریری مبارزه طبقاتی، گرایشات درونی بورژوازی حاکم، که بصورت عینی وجود داشت در شکل تضاد میان لیبیرالها و حزب جمهوری اسلامی، آشکارتر شد و این تضاد به گسترش و فرونی نهاد. این تضاد در ابتدا، در شکل

زنده باد سوسیالیسم!

همسویی در اذهان ناآگاهان توده‌ها چنین تصور توهم‌آلودی را پدید آورد که گویا لیبرال‌ها، سخنگویان تمايلات دموکراتیک آنها هستند. و این خود باعث گردید که توده‌های معترض به شدیدخفقان و سرکوب، ناآگاهانه، به زیر پرچم لیبرالیسم پیوسته و فدا انقلابی - بورژوازی لیبرال، کشانده شوند.

شکل گیری چنین کیفیت از آرایش قوای سیاسی در صحنه جامعه، نقطه عطف این تغییر در اوضاع بود، تغییری که حوادث روزهای اخیر نه سرآغاز آن، بلکه جلوه‌هایی از دوران تکامل و نضج سیاسی نهایی آن است. که بر اساس آن حزب جمهوری می‌رود تا بطور کامل ائتلاف حکومتی را در هم شکسته و آخرین گام‌های حذف کامل لیبرال - ها را از قدرت تحقق بخشد و بدین ترتیب یک فدا انقلاب فشرده در هر مظهر سیاسی بوجود آورد. و به موازات آن (و نیز در پی آن) سیاست تشدید سرکوب متمرکز انقلاب و آزادیهایی دموکراتیک را تحقق بخشد. حوادث اخیر، که هم‌اکنون لیبرال‌ها را در آستانه حذف کامل از قدرت قرار داده است، چنین خطوی را در سیمای خویش دارد.

بدین ترتیب مختصات اساسی دوره کنونی، در پی تغییر پیرامون شده در اوضاع سیاسی را، میتوان چنین تراز بندی نمود:

۱- تداوم و گشایش انقلاب و فدا انقلاب، بحران اقتصادی و سیاسی و گسترش مبارزه طبقاتی پس از قیام، از یکسو، ضرورت تشدید سرکوب و خفقان را در جامعه ضروری اجتناب ناپذیر برای بورژوازی تبدیل نمود. تحقق عملی این امر نیازمند ایجاد یک فدا انقلاب فشرده، در شکل اعمال یک سیاست واحد در قدرت سیاسی بود. تکامل دوگرایش‌ها در درون بورژوازی از لحاظ نحوه مقابله با این اوضاع، یعنی روش - های سیاسی متفاوت حزب و لیبرال‌ها، سبب درج به مانعی در برابر تحقق این هدف یعنی تشکیل یک صف فشرده و واحداً فدا انقلاب، تبدیل شد. بدین ترتیب، ائتلاف حکومتی که تا پیش از قیام، تنها شکل ممکن سرکوب انقلاب بود، به بن بست رسیده و روند اوضاع، تمرکز گانه قدرت را در دست این یا آن جناح ضروری نمود.

۲- حزب جمهوری اسلامی به مثابه نماینده قشر معینی از بورژوازی، با بهره‌گیری از امکانات و شرایط مساعد موجود، در کنار اجرای سیاست تشدید سرکوب و خفقان، برای تمرکز گانه قدرت در دست خویش نیز حرکت نمود و تلاش کرد تا گشایش انقلاب و فدا انقلاب را به نفع فدا انقلاب و گشایش خود و لیبرال‌ها را به نفع خود خاسته دهد. حزب جمهوری اسلامی، با موضع گیری جدید لیبرال‌ها و با توجه به نقش مسلط خود در حکومت هم‌اکنون (و پس از آن نقطه تغییر) در هیئت نیروی اصلی سرکوب بورژوازی، خویش را به نمایش گذاشته است. این حزب با ندسیاهی، در روند تکوین فدا انقلاب فشرده در بالا، در دور آستانه

حزب جمهوری اسلامی، یعنی جناح مسلط بر حکومت، به دموکراسی انقلابی و مظاهر مختلف آن یعنی مطبوعات، احزاب و نیروهای انقلابی و نهادهای دموکراتیک، در دوره اخیر نشاندهای این سیاست فدا انقلابی حزب است. با این وصف حزب، در این دوره و از نقطه عطف فوق - الذکر، در هیئت نیروی اصلی و تعیین کننده سرکوب رژیم سیاسی حاکم در صحنه سیاسی جامعه عمل می‌کند.

و اما لیبرال‌ها، آنها که از همان نقطه تغییر، عمدتاً موضع سیاسی خویش را تغییر داده و به یک اپوزیسیون غیر قابل تحمل برای حزب تبدیل شده بودند. در برابر این تعرض حزب جمهوری به خود به مقابله برخاستند و با فاصله گرفتن هر چه بیشتر از حزب، عوام فریبانه به همسویی با امواج نازمانی توده‌ها و تمايلات و خواسته‌های دموکراتیک آنها پرداختند و کوشیدند تا در ستان خون آلود خویش را در سرکوب انقلاب به همراه حزب از قیام به بعد، از دیده‌ها پنهان سازند. آنها برای مقابله با آنها جم حزب - مواضع قدرت خویش و برای کسب ابزارهای لازم جهت تسخیر مواضع از دست رفته قدرت، ناچار بودند که به این همسویی تن دهند. و به عبارت دیگر به این همسویی عوام فریبانه نیاز داشتند، تا جنبش را وجه المانع بندهیست - های فدا انقلابی و با نهایی تسخیر حساب خویش با حزب بر سر قدرت بنمایند.

این تغییر در عملکرد سیاسی لیبرال‌ها، به مثابه یک تغییر عمیق، نشانده روشنی از تغییر در اوضاع سیاسی و آرایش سیاسی نیروهای موجود بود. لیبرال‌ها اینک در موضع اپوزیسیون حکومتی و با همسویی مزورانه با خواست‌های دموکراتیک جنبش عمدتاً در هیئت یک رهبری رهبری جنبش اعتراضی توده‌ها در برابر نیرو - های ناآگاه انقلابی، عرض اندام نمودند. و این خصیصه اصلی موضع و مکان لیبرال‌ها را در صحنه سیاسی جامعه تشکیل می‌داد. لیبرال‌ها از این موضع و با این تغییر شکل در صورت سیاسی خود، به مقابله با تعرض حزب پرداختند، تا لیبرال‌ها نیز فدا انقلابی خویش را از گزند ایمن تعرض مومن داشته و به دفاع از مواضع تسخیر شده خود در نظام قدرت بپردازند.

دو نیروی مختلف از لحاظ ماهیت طبقاتی، یکی انقلابی و دیگری فدا انقلابی، به دفاع در برابر سیاست تشدید تعرض حزب در دو جنبه پرداختند. یکی (لیبرال‌ها) برای حفظ موجودیت سیاسی و حقوق فدا انقلابی خویش در قدرت و جلوگیری از انحصار آن توسط حزب و دیگری (انقلاب) برای تحقق آرمانهای انقلاب و مقاومت در برابر بورژوازی انقلابی حزب به آزادی‌های دموکراتیک و خنثی کردن سیاست ارتجاعی حزب در سرکوب دموکراسی انقلابی. این سمتگیری معین تضادها، یک نوع همسویی میان لیبرال‌ها با انقلاب بوجود آورد، که اساساً از دو موضع متفاوت صورت میگرفت. همی -

انقلاب تحقق بخشد و همچنین کیفیت سیاسی از آرایش نیروهای سیاسی را که در آن اپوزیسیون لیبرال‌ها، عملاً در رژیم سیاسی تحت سیطره حزب، اختلال ایجاد می‌کرد، در درون خویش تحمل نماید. و این معنای واقعی بن بست بود. دخالت خمینی در مقاطع مختلف برای رفع این بن بست، در چهار چوب ائتلاف نیست، علیرغم وقوف کوتاه در بحران، دیگر عملاً بی‌اثر گشته بود. اکنون دیگر نشاندهای این تغییر و نقطه عطف در اوضاع را میتوان تشخیص داد: از همان زمان که حزب بعنوان نیروی مسلط حکومت، سیاست تشدید سرکوب متمرکز و سازمان - یافته به انقلاب، و در بر ستان، تشدیدتها جم به آزادی‌های دموکراتیک را در دستور قرار داد، از همان زمان که چنین بن بست - ی در حکومت ائتلافی شکل گرفته و حزب جمهوری اسلامی در جهت شکستن این بن بست به نفع استقرار کامل قدرت خویش و حذف کامل امواج تدریجی لیبرال‌ها از رژیم حرکت نمود، و بالاخره از همان زمان که با تشدید در کارکرد عمده سیاسی لیبرال‌ها (از یک نیروی بالفعل سرکوب و همدست حزب، به یک نیروی اپوزیسیون خواهان رهبری جنبش اعتراضی توده‌ها برای مطالبه با حزب و تبدیل به ارتجاع ایدئولوژیک) این نیروی تبدیل به یک اپوزیسیون غیر قابل - تحمل برای حزب در حکومت گردید، تغییری در اوضاع سیاسی و در آرایش قوای سیاسی - و نه طبقاتی - جامعه پدیدار شد که متناسب با همین تغییر، تا کتیک نوینی نیز از جانب پرولتاریا و انقلاب ضروری بود. نشاندهای روشن این چرخش در اوضاع را، در حوادث ۱۴ اسفند و حوادث بعدی در سال جدید میتوان مشاهده نمود. حوادث روزهای اخیر، تنها نمودهای خارجی و مظاهر تکامل یافته این تغییرات حاصله در اوضاع سیاسی جامعه را نشان میدهند و نه چیزی بیشتر از آن، بدین ترتیب، در پیکار و جنگی به بحران موجود، حزب جمهوری در دو سو حرکت نمود. از یکسو تشدید سرکوب و خفقان و تعرض شدید تر به آزادی‌های دموکراتیک را در دستور گذاشت و از دیگر سو، به لیبرال‌ها و حقوق بورژوازی آنها در قدرت، هجوم آورد و گام به گام به سلب مواضع قدرت از دست آنها و تحدید ادای بره آزادی و عملکرد آنها، بمنظور حذف کامل شان از قدرت، پرداخت. حزب خواهان آن بود که بعنوان یگانگی نیروی هیئت حاکمه یجای ائتلاف قبلی، نقش و رسالت تشدید سرکوب انقلاب را بر عهده بگیرد.

در جنبه اول، حزب اولین گام در تشدید سیاست سرکوب را، در بازی گرفتن آزادی‌های دموکراتیک، دستاورد های قیام مبارزه توده - ها در این زمینه یافت، و در جنبه دوم، محدود کردن حوزه قدرت و آزادی سیاسی رژیم حکومتی خویش، یعنی لیبرال‌ها را. توسعه بی‌سابقه حملات و تهاجمات فدا انقلابی

حرکت نموده است؛ از یک سو هم خود به انقلاب را تشدید نموده است تا برای غلبه بر بحران کنونی و خواباندن جنبش هر جلوه و مظهر آزادی های دموکراتیک را سرکوب و نابود نماید. و از سوی دیگر، گام به گام، در بیشتر عمیق تفاصیل با لیبرالها، این جناح را به موضع مغلوب در قدرت رانده و عزیمت حذف کامل را از قدرت نموده است. روزهای اخیر، آخرین پرده های نما پیش تسخیر قدرت در بالا توسط جناح حزب را به نمایش می گذارد.

حزب جمهوری، برای غلبه بر این بحران، و بدلیل ویژگی این بحران، نخستین گام در اجرای تاکتیک نوین خویش را، در تشدید تعرض به آزادیهای دموکراتیک یافته است. حزب جمهوری در اجرای این سیاست تاکنون، مهمترین ابزارهای قدرت را در دست خویش متمرکز کرده و لیبرالها را در ضعیف ترین نقطه ممکن در قدرت قرار داده است. حزب جمهوری اسلامی، بدون شک در آینده این سیاست را همچنان در دو جنبه ادامه خواهد داد، تا خود را به یگانگی نیروی قدرت سیاسی تبدیل کرده و روند سرکوب و خفقان را بیش از پیش تشدید نماید.

۲- خمینی، که تاکنون میگوید حتی الامکان، خویش را به متابله مظهر حکومت اسلامی، در هیئت ظاهر آما و راه دوجناح قرار دهد، با تشدید تفاصیل دوجناح، بیش از پیش پرده ظاهری ما و راه دوجناح خود را در دیده و عریان تر ساز گذشته به عرصه مبارزه آنها گام نهادن گریز خویش به جناح خزی را، در هفته های اخیر به روشنی بر ملا ساخته و با جسبه گیری آشکار به نفع حزب و به زیان لیبرالها پرده را ترا از روی اتحاد خویش با حزب، با وضوح بیشتر به کناره رزده و به یاری حزب در تسلط کامل بر قدرت آمده است. خمینی هم اکنون، به متابله عنصر تعیین کننده سر نوشت کشتار دوجناح در حکومت (با تکیه بر اصل ولایت فقیه)، لیبرالها را به تیرد آشکارا خوانده و گام به گام حزب را در تسخیر مواضع جدید خود در قدرت، به یاری نموده است. ورود آشکار خمینی به صحنه مبارزه دوجناح و جسبه گیری آشکار بر علیه لیبرالها، به تعبیری، نشانها یان یافتن دوران حیات سیاسی آنها در قدرت سیاسی است.

۳- لیبرالها، که از قیام به بعد، به متابله همدستان واقعی حزب، در وحدت طبقاتی و سیاسی با حزب و در اشتغال با آنها، به رویا روشی با انقلاب، و سرکوب مبارزات توده ها پرداختند و بدین ترتیب از جانب حزب به مواضع مغلوب رانده شدند و تشدید تفاصیل آنها و با بهین بصورت رسیدن اشتغال، به یک نیروی اپوزیسیون غیر قابل تحمل در حکومت تبدیل شدند. در جریان این کشتار و تغییرات، تدریجاً وحدت سیاسی - وحدت در چگونگی مقابله با انقلاب و بحران سرما به داری - تحت الشعاع تفاصیل قرار گرفت، و علیرغم آنکه کماکان متحدین طبقه

آنها بودند. غلبه تفاصیلی میان دوجناح بروحدت سیاسی آنها در حکومت، لیبرالها را به یک نیروی اپوزیسیون فعال در برابر حزب تبدیل کرد. لیبرالها به موازات این تغییر در کارکرد سیاسی خویش، شروع به مخالفت با "انحصار" قدرت حزب در جنبه بورژوازی کرده و در همه عرصه ها به اراشه و شوا و راه حل های سیاسی متفاوت با حزب پرداختند. از این پس لیبرالها از صورت یک نیروی عمدتاً همدست با حزب در سرکوب انقلاب، به یک نیروی عوام - فریب و مدعی آزادی و "مدافع" منافع مردم، تبدیل شدند و کوشیدند که نقش ارتجاعی خود را در این شکل متظاهرانه، به وضوح آنها در برابر حزب در حکومت، آنان را مزورانه به همسوئی و هم آوازی با انقلاب و ضدیت با حزب، که دیگر ابزارهای اصلی سرکوب را در دست خویش متمرکز کرده بودند، سوق داد. لیبرالها، بر پایه این کارکرد سیاسی و نقش عوام فریبانه و ضد انقلابی خویش، در هیئت یک رقیب سیاسی برای رهبری جنبش در صحنه ظاهر گشته و با تکیه بر این همسوئی ظاهری بر فریب خویش، بر فنر از جلب افکار وسیع تر بورژوازی به سمت خویش، امکان یافتند که توده وسیعی از مردم را نیز به زیر پرچم ضد انقلابی خویش گرد آورند. توهमत و سیاست لیبرالی دموکراتهای انقلابی جامعه نیز، از ابزارهای اساسی لیبرالها در گسترش توهم در اذهان توده ها، نسبت به خود و گردآوری نیروی توده ای به گرد خویش بود.

تاکتیک نوین حزب جمهوری اسلامی، در تعرض به لیبرالها، که با تعرض آشکار به مواضع لیبرالها توأم می باشد، موج وسیعی از دفاع متقابل لیبرالها را برای باز پس گرفتن حقوق از دست رفته و حفظ حقوق برجای مانده خویش از گزند تعرض حزب، برانگیخته است در حال حاضر، رابطه اصلی سیاسی میان حزب و لیبرالها - علیرغم وحدت طبقاتی آنها - در این تعرض و دفاع متقابل نهفته است. هیچ چشم اندازی از فروکش این مبارزه آشکار بر سر حقوق سیاسی بورژوازی لیبرال، علیرغم فرازونشیب های احتمالی آن، در افق سیاسی آینده به چشم نمی خورد. لیکن هرگز نباید خطم و ویژه لیبرالها را در زبونی و تسلیم، در توقف در نیمه راه مبارزه بر سر حقوق ضد انقلابی خویش در راه حفظ منافع اساسی تر بورژوازی نیز از یاد برد. لیکن چنین تسلیمی در برابر یما ی حقوق بورژوازی خود، به معنای مرگ سیاسی رهبران لیبرالها در نزد توده های متوهم مردم خواهد بود.

۵- تشدید تعرض حزب جمهوری اسلامی به انقلاب، بی تردید با صدی از مقاومت توده ای و انقلابی و تعرض متقابل آن (با توجه به خطم دوران کنونی) که سرعت و دامنه آن از هم اکنون قابل پیش بینی نیست، روبرو خواهد گردید. همچنان که در طی این دو سال ضد انقلاب حاکم، در شکل اشتغالی آن نتوانست بر بحران کنونی فائق آمده و انقلاب را سرکوب قطعی

نماید، در حال حاضر نیز حزب جمهوری اسلامی، که نقش اصلی سرکوب مستقیم را بر عهده گرفته است، نخواهد توانست، سیاست خویش را بدون برانگیختن و وسیع تر مبارزه توده ای، صورت تحقق بخشد. این مبارزه و مقاومت توده ای در برابر تشدید تعرض حزب، با توجه به روند رشد و گسترش مبارزه طبقاتی، بدون شک، از هم اکنون چشم اندازی از تحقق موفقیت آمیز این سیاست ارتجاعی تشدید سرکوب را ترسیم می کند. حزب جمهوری اسلامی نخواهد توانست ثبات و انتظام را به قدرت سیاسی بورژوازی باز گرداند و بر بحران سیاسی و بحران اقتصادی، غلبه نماید. این واقعیتی است که بدون توجه به آن در ارزیابی از چشم اندازاتی و تاکتیک کژگونیت ها بدون شک در جا را تحریف خواهیم گشت حزب جمهوری اسلامی، زنجیر سیاست تشدید تعرض خود را به انقلاب، از حلقه اصلی آن در شرایط کنونی، یعنی تشدید تعرض به آزادیهای دموکراتیک به حرکت در آورده است. و اولیسن گام در تحقق اهداف ارتجاعی خود را در سرکوب این آزادیها یافته است. حزب در این مسیر همه ابزارها، نهادها و شیوه های سرکوب عریان و خشن را، که در روزهای اخیر نمونه های آن را بوضوح تا هدهستیم، بکار گرفته است. و از آنجا که نقش عمده را در این سرکوب ایفا می نماید، با جهت گیری ضد انقلابی خویش، شور و شوق مبارزه بر علیه این سیاست ارتجاعی جناح مسلط بر رژیم جمهوری اسلامی، یعنی حزب جمهوری اسلامی، را برانگیخته است. توده های مردم، هم اکنون، مبارزه خویش را برای دفاع و کسب آزادیهای دموکراتیک، در مبارزه بر علیه حزب متسلط و سخته اند؛ چرا که حزب اکنون، به حرکت در آورنده زنجیر سرکوب و اختناق در شرایط کنونی است.

۶- بدین ترتیب در برابر سیاست تشدید تعرض حزب در دو جنبه، از یک سو به حقوق دموکراتیک توده های مردم و نیروهای انقلابی و از سوی دیگر به مواضع بورژوازی لیبرال در قدرت، دو موج مبارزه در برابر حزب اما با دو ماهیت و هدف متفاوت، برخاسته است. یکی از جانب بورژوازی لیبرال ضد انقلابی، برای دفاع از بقای خویش در نظام قدرت و دفاع از حقوق ضد انقلابی لیبرالها در جامعه، و دیگری از جانب جسبه انقلاب، که خواهان دفاع از دموکراسی انقلابی برای گسترش امر انقلاب و سرنگونی نهائی کل بورژوازی هستند.

این جهت گیری تفاصیل، در شرایط حاضر، یک همسوئی میان لیبرالها و اردوگاه انقلاب، بوجود آورده است. این همسوئی را نه تنها بل و اراده این یا آن نیروی سیاسی بلکه روند عینی حرکت تفاصیل و آرایش سیاسی نیروها در مقطع کنونی شکل داده و بوجود آورده است. هر دو نیرو، در شرایط فعلی، حزب را مانع و سدی در برابر اهداف خود می یابند.

توطئه‌های رژیم بر علیه نیروهای انقلابی را در هم شکنیم!

رژیم جمهوری اسلامی در دو سال و چهار ماه گذشته، با رها و پاره‌پاره شدن داده‌است که بیش از هر چیزی از آگاهی بوده‌های زمینکش و فعالیت نیروهای کمونیستی و انقلابی هراس دارد. سردمداران رژیم در این مذبذبه توطئه‌های برای سرکوب و مقابله با نیروهای انقلابی و کمونیست‌فروگذار کرده‌اند. البته رژیم در کنار سرکوب نیروهای انقلابی، با خاطر تشبیه موقعیت حزب جمهوری اسلامی، جناح حاکم در قدرت سیاسی و نیز تدبیر یافتن تضادهای درون جبهه ارتجاع حاضر به تحمل فعالیت همپا لگی‌های خودش یعنی نیرو - های سیاسی عدالت‌طلبی نظیر جبهه ملی و... نیز نیست. همچنین با طرقتنادهای ارتجاعی که بین نیروهای سیاسی عدالت‌طلبی و حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی وجود دارد، رژیم برای فریبکاری و گمراهی افکار توده‌ها، با این سازمانها و گروهها نظیر بناد و ایستگاه زرگاری و... را در کنار نیروهای کمونیست و انقلابی می‌آورد. رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب نیرو - های کمونیست و دمکرات علاوه بر روشهای رایج سرکوب نظیر تشبیه، دستگیری، زندان و... توطئه‌ها و وسیله‌های گوناگونی نیز دست می‌زند که از جمله آنها ایجاد "کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی" از طرف حزب جمهوری اسلامی است که با یکسال پیش در بیگانه‌ها آنرا بر ملا کردیم. یکی از اهدافی "کمیته" پلیسی مریز و جلوكوگری از ورود تشریات کمونیستی و از جمله "بیگانه‌ها" شهرهای مختلف می‌باشد. در همان شماره سدی را بر ملا کردیم که در آن آمده بود: "جناحه در شرایطی به افراد مسلح بیشتر احتیاج شد، حزب جمهوری مسئول ادغام کردن سپاه پاسداران منطقه - نیوز، در برابر گروههای سیاسی می‌باشد." و اکنون سدی از طرف رفقای فدائی (اقلیت) انشاده است که حاکی از سرگزاری "جلسه - ها هکی" سردمداران رژیم در روزهای به - م و یا زدهم بهمن ماه ۵۹ برای طرح ریزی توطئه جدیدی بر علیه نیروهای کمونیست و انقلابی و نیز مقابله با گروههای سیاسی عدالت‌طلبی مخالف رژیم می‌باشد.

افشای این سازجکونگی سازماندهی گروههای حقای دست و مسلح حزب اللهی و پاسداران ارتجاع و زمینه‌چینی برای سرکوب بیشتر نیروهای انقلابی و... برده بر میدارد. در زیر اهل سندومس آنرا به نقل از کار (اقلیت) ۱۱۲ می آوریم:

متن اسناد

بسم الله الرحمن الرحيم
صورتجلسه کلی، جلسه هماهنگی مقابله با احزاب و گروههای ضد انقلاب، حاضرین در جلسه اول ۵۹/۱۱/۹ - ساعت ۱۶ الی ۲۰/۳۰.
آقای مهدوی کنی، وزیر کشور و سرپرست کمیته
آقای باقری کنی، مسئول کمیته مرکز
آقای موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور
آقای مرتضی رضائی، فرمانده سپاه پاسداران
آقای قدوسی، دادستان انقلاب
آقای رنگنه، معاون وزیر ارشاد
آقای میرعلیم، سرپرست شهرسازی
آقای بهزاد نسوی، وزیر ارشاد و در امور اجرائی
آقای محسن سازگارا، معاون سیاسی وزیر مشاور
آقای علی قوچ کانیو، مسئول واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور
آقای نصرالله جهانگرد، مسئول بخش تحقیقات واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی.
حاضرین در جلسه دوم ۵۹/۱۱/۱۱ ساعت ۱۶ الی ۱۹.
آقای مهدوی کنی، وزیر کشور و سرپرست کمیته
آقای باقری کنی، مسئول کمیته مرکز
آقای موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور
آقای صفرا لاهی، فرمانده سپاه پاسداران
آقای قدوسی، دادستان انقلاب
آقای رنگنه، معاون وزیر ارشاد
آقای حسن غفاری، عضو شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
آقای لاجوردی، دادستان انقلاب تهران
آقای کحوشی، مسئول زندان اوین
آقای خروستهرانی، معاون اطلاعات و امنیت نخست وزیر
آقای جزائری، مدیرکل سیاسی وزارت کشور
آقای بهزاد نسوی، وزیر ارشاد و در امور اجرائی
آقای علی قوچ کانیو، مسئول واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور
آقای جهانگرد، مسئول بخش تحقیقات احزاب و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور
در ابتدای جلسه، دستور جلسه توسط آقای سبوی مسئول جلسه اعلام شد و بنا به تصویب اعضای جلسه قرار شد مذاقیق، دسته چهارم (گروههای) متخاصم، گروههایی که خواهان سرنگونی رژیم

جمهوری اسلامی هستند (دسته سوم (گروههای) مخالف گروههایی که با این رژیم مخالف هستند ولی خواستار سرنگونی رژیم از راههای مسلحانه در حال حاضر نیستند) بحث شد.

طبق تصویب جلسه دسته چهارم و دیگر بخش گروههای متخاصم مسلح بالفعل (کلیه گروههایی که خواهان سرنگونی رژیم هستند و برای این منظور دست به اسلحه برده اند و علیه نظام مبارزه مسلحانه میکنند) و گروههای متخاصم بالقوه (کلیه گروههایی که در حال حاضر بنا به عللی هنوز علیه نظام جمهوری اسلحه بکار نبرده اند ولی بهر جهت در صورت لزوم چنین کاری را خواهند کرد) تقسیم شدند که مذاقیق آن به این ترتیب مورد تصویب جلسه قرار گرفت:

- دسته چهارم گروههای متخاصم:
- الف - گروههای متخاصم بالفعل عبارتند از:
- ۱- حزب دمکرات (جناح قاسملو)
 - ۲- کومله
 - ۳- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
 - ۴- زرگاری
 - ۵- چریکهای فدائی (اقلیت)
 - ۶- فدائیان خلق (اشرف دهقانی)
- ب - گروههای متخاصم بالقوه عبارتند از:
- ۱- سازمان محاهدین خلق ایران
 - ۲- چریکهای فدائی مستقل
 - ۳- رزمندگان راه کارگر
 - ۴- آرمان مستضعفین
 - ۵- راه کارگر (علی اصغر ایزدی)
- و مذاقیق دسته سوم به این شرح تصویب گردید:
- ۱- حزب توده
 - ۲- سازمان چریکهای فدائی (اکثریت)
 - ۳- رنجبران
 - ۴- حزب دمکرات طرفداران کنگره چهارم (جناح علی بلوریان)
 - ۵- جبهه ملی
- سپس جلسه در مورد چگونگی برخورد با این گروهها وارد بحث شد.

پس از دو جلسه بحث مواذیر به تصویب رسید:

- ۱- طی اطلاعیه‌ای که از سوی دادستان انقلاب صادر میگردد به کلیه گروههای مسلح که علیه نظام جمهوری اسلامی اسلحه کشیده اند مهلت داده میشود که اسلحه‌های خود را به مراکز سپاه و کمیته تحویل دهند و متعهد گردند تا پس از این در چهار رچوب قانون اساسی و قوانین جاری مملکت به فعالیت خود ادامه دهند.
- ۲- در صورت عدم تحویل سلاح گروههای مسلح، غیرقانونی اعلام و با آنان شدت مقابله خواهد شد.
- ۳- قبل از اعلام بنده روزه سپاه و کمیته تحت سرپرستی برادرتهرانی معاون اطلاعاتی نخست وزیر کلیه سران گروههای متخاصم مسلح

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

الهی " و... خوابیده است بر می دارد .
اما همچنانکه در گذشته رژیم جمهوری اسلامی ، تمام تلاشتای ارتجاعی ارکانهای سرکوبگری و فعالیتهای مذبوحانه "کمیتة" های "مبارزه با سازمانهای سیاسی" نتوانسته حتی اندکی خلل در اراده استوار فرزندان انقلابی و کمونیست زحمتکشان و توده های انقلابی وارد آورد ، توطئه اخیر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نیز با هشاری نیروهای کمونیست و دموکرات و با تلاش روزافزون آنان در آگاه ساختن توده های تحت تسلط و استثمار

نده در جلسه مزبور جدا خودداری کنند .
۱۴ - دفتر روزبرنا و موقوف گردید که موصبات جلسه را جهت اما کلیه شرکت کنندگان ارسال و حرکت کلی عملی را تشعبیت نماید .
۱۵ - کلیه مطالب مطروحه در جلسه محرمانه تلفی میگردد و کلیه شرکت کنندگان موظف به رعایت آن میباشند .
والسلام

۵۹/۱۱/۱۱

سند بالا ، برده از توطئه ای که در پشت بیانیه ده ماهه ای " دادستان انقلاب اسلامی " و با اصلاح تهدیدات امندهای ارتجاعی " حزب "

با لفعل سیاسی و دستگیری و توهین در زندان خواهند داشت تا رسماً اعلام نمایند که دیگر دست به اسلحه نخواهند برد .
۴- قبل و بعد از اعلام داستانی فعالیت تبلیغاتی وسیع تحت مسئولیت برادرزنگنه معاون ویرایش دجهت به منظور به شرح ذیل انجام خواهد شد :
الف - فراهم شدن زمینه اجتماعی جهت برخورد با این سازمانها و گروهها .
ب - مشخص کردن گروههای متخاصم مسلح با لفعل .

ج - معانعت از هرگونه برخورد گروههای مردمی با این سازمانها و گروهها در مدت ۱۵ روزه مهلت (جلوگیری از برخورد حزب الله با گروههای مسلح و واگذاری آن به مسئولین) .

۵ - بلافاصله پس از اعلام داستانی موج وسیع حمایت دولت و کلیه نهادها و گروههای خط امامی از این حرکت (طی مصاحبه و اعلامیه و جمع و ...) تحت مسئولیت آقای زنگنه معاون وزیر ارشاد .

۶- پس از سرآمدن مدت مهلت ، با شدت تمام کلیه سران و کادری سازمان دستگیر و محاکمه و به اشد مجازات برسد و حتی کلیه سمپاها که در حین فروش روزنامه ، بخش اعلامیه و بیلاکارت و با هرگونه فعالیت به نفع این گروهها دستگیر و در جهت ارشاد دجا زات شوند .

۷- محاکمات اینها با عدلنی باشد .
۸- طی اطلاعیه ای وزارت کشور اعلام نماید به علت شرایط فعلی جامعه (مسئله جنگ) هیچ حزب و گروهی اجازه نظهرات و میتینگ ندارد .

۹- طی برنامهموسیع تبلیغاتی تحت مسئولیت برادرزنگنه شدیداً با احزاب متخاصم مسلح بالقوه (چون سازمان مجاهدین خلق) برخورد و روشنگری سیاسی نماید پس از مدتی کوتاه آنها را دعوت به مناظره نماید (بخصوص از طریق رادیو و تلویزیون) .

۱۰ - طی برنامه های وسیع روشنگری مردم از هرگونه برخورد با این سازمانها (بخصوص مجاهدین خلق) بجز در اردن و روشن کنند که حفظ موجودیت اینها در این گونه برخوردها است و عمدتاً خود این گروهها خواهند چنین برخوردی هستند (در صورت لزوم از نیروی مردم استفاده خواهد شد) .

۱۱ - وزارت ارشاد اعلام نماید کلیه سازمانها و احزاب جهت داشتن روزنامه و نشریه آزادند منوط به داشتن اجازه از سوی وزارت ارشاد

۱۲ - دادستان انقلاب سعی کند حتی المقدور کمتر مبارزات به دستگیری سمپاها ای این سازمانها بخصوص (مجاهدین خلق) بنماید و زندانیان فعلی هم کماکثر در رابطه با روزنامه فروشی و بخش اعلامیه و ... دستگیر شده اند به نحوی آزاد نماید (البته پس از تکمیل پرونده) .

۱۳ - کلیه شرکت کنندگان در جلسه متعهد شده اند از هرگونه اقدام خارج از راجوب تصویب

۱- سازمان پیکار برای ایجاد ...
۲- ...
۳- ...
۴- ...
۵- ...
۶- ...
۷- ...
۸- ...
۹- ...
۱۰- ...
۱۱- ...
۱۲- ...
۱۳- ...
۱۴- ...
۱۵- ...
۱۶- ...
۱۷- ...
۱۸- ...
۱۹- ...
۲۰- ...
۲۱- ...
۲۲- ...
۲۳- ...
۲۴- ...
۲۵- ...
۲۶- ...
۲۷- ...
۲۸- ...
۲۹- ...
۳۰- ...
۳۱- ...
۳۲- ...
۳۳- ...
۳۴- ...
۳۵- ...
۳۶- ...
۳۷- ...
۳۸- ...
۳۹- ...
۴۰- ...
۴۱- ...
۴۲- ...
۴۳- ...
۴۴- ...
۴۵- ...
۴۶- ...
۴۷- ...
۴۸- ...
۴۹- ...
۵۰- ...
۵۱- ...
۵۲- ...
۵۳- ...
۵۴- ...
۵۵- ...
۵۶- ...
۵۷- ...
۵۸- ...
۵۹- ...
۶۰- ...
۶۱- ...
۶۲- ...
۶۳- ...
۶۴- ...
۶۵- ...
۶۶- ...
۶۷- ...
۶۸- ...
۶۹- ...
۷۰- ...
۷۱- ...
۷۲- ...
۷۳- ...
۷۴- ...
۷۵- ...
۷۶- ...
۷۷- ...
۷۸- ...
۷۹- ...
۸۰- ...
۸۱- ...
۸۲- ...
۸۳- ...
۸۴- ...
۸۵- ...
۸۶- ...
۸۷- ...
۸۸- ...
۸۹- ...
۹۰- ...
۹۱- ...
۹۲- ...
۹۳- ...
۹۴- ...
۹۵- ...
۹۶- ...
۹۷- ...
۹۸- ...
۹۹- ...
۱۰۰- ...

۱- ...
۲- ...
۳- ...
۴- ...
۵- ...
۶- ...
۷- ...
۸- ...
۹- ...
۱۰- ...
۱۱- ...
۱۲- ...
۱۳- ...
۱۴- ...
۱۵- ...
۱۶- ...
۱۷- ...
۱۸- ...
۱۹- ...
۲۰- ...
۲۱- ...
۲۲- ...
۲۳- ...
۲۴- ...
۲۵- ...
۲۶- ...
۲۷- ...
۲۸- ...
۲۹- ...
۳۰- ...
۳۱- ...
۳۲- ...
۳۳- ...
۳۴- ...
۳۵- ...
۳۶- ...
۳۷- ...
۳۸- ...
۳۹- ...
۴۰- ...
۴۱- ...
۴۲- ...
۴۳- ...
۴۴- ...
۴۵- ...
۴۶- ...
۴۷- ...
۴۸- ...
۴۹- ...
۵۰- ...
۵۱- ...
۵۲- ...
۵۳- ...
۵۴- ...
۵۵- ...
۵۶- ...
۵۷- ...
۵۸- ...
۵۹- ...
۶۰- ...
۶۱- ...
۶۲- ...
۶۳- ...
۶۴- ...
۶۵- ...
۶۶- ...
۶۷- ...
۶۸- ...
۶۹- ...
۷۰- ...
۷۱- ...
۷۲- ...
۷۳- ...
۷۴- ...
۷۵- ...
۷۶- ...
۷۷- ...
۷۸- ...
۷۹- ...
۸۰- ...
۸۱- ...
۸۲- ...
۸۳- ...
۸۴- ...
۸۵- ...
۸۶- ...
۸۷- ...
۸۸- ...
۸۹- ...
۹۰- ...
۹۱- ...
۹۲- ...
۹۳- ...
۹۴- ...
۹۵- ...
۹۶- ...
۹۷- ...
۹۸- ...
۹۹- ...
۱۰۰- ...

۱- ...
۲- ...
۳- ...
۴- ...
۵- ...
۶- ...
۷- ...
۸- ...
۹- ...
۱۰- ...
۱۱- ...
۱۲- ...
۱۳- ...
۱۴- ...
۱۵- ...
۱۶- ...
۱۷- ...
۱۸- ...
۱۹- ...
۲۰- ...
۲۱- ...
۲۲- ...
۲۳- ...
۲۴- ...
۲۵- ...
۲۶- ...
۲۷- ...
۲۸- ...
۲۹- ...
۳۰- ...
۳۱- ...
۳۲- ...
۳۳- ...
۳۴- ...
۳۵- ...
۳۶- ...
۳۷- ...
۳۸- ...
۳۹- ...
۴۰- ...
۴۱- ...
۴۲- ...
۴۳- ...
۴۴- ...
۴۵- ...
۴۶- ...
۴۷- ...
۴۸- ...
۴۹- ...
۵۰- ...
۵۱- ...
۵۲- ...
۵۳- ...
۵۴- ...
۵۵- ...
۵۶- ...
۵۷- ...
۵۸- ...
۵۹- ...
۶۰- ...
۶۱- ...
۶۲- ...
۶۳- ...
۶۴- ...
۶۵- ...
۶۶- ...
۶۷- ...
۶۸- ...
۶۹- ...
۷۰- ...
۷۱- ...
۷۲- ...
۷۳- ...
۷۴- ...
۷۵- ...
۷۶- ...
۷۷- ...
۷۸- ...
۷۹- ...
۸۰- ...
۸۱- ...
۸۲- ...
۸۳- ...
۸۴- ...
۸۵- ...
۸۶- ...
۸۷- ...
۸۸- ...
۸۹- ...
۹۰- ...
۹۱- ...
۹۲- ...
۹۳- ...
۹۴- ...
۹۵- ...
۹۶- ...
۹۷- ...
۹۸- ...
۹۹- ...
۱۰۰- ...

۱- ...
۲- ...
۳- ...
۴- ...
۵- ...
۶- ...
۷- ...
۸- ...
۹- ...
۱۰- ...
۱۱- ...
۱۲- ...
۱۳- ...
۱۴- ...
۱۵- ...
۱۶- ...
۱۷- ...
۱۸- ...
۱۹- ...
۲۰- ...
۲۱- ...
۲۲- ...
۲۳- ...
۲۴- ...
۲۵- ...
۲۶- ...
۲۷- ...
۲۸- ...
۲۹- ...
۳۰- ...
۳۱- ...
۳۲- ...
۳۳- ...
۳۴- ...
۳۵- ...
۳۶- ...
۳۷- ...
۳۸- ...
۳۹- ...
۴۰- ...
۴۱- ...
۴۲- ...
۴۳- ...
۴۴- ...
۴۵- ...
۴۶- ...
۴۷- ...
۴۸- ...
۴۹- ...
۵۰- ...
۵۱- ...
۵۲- ...
۵۳- ...
۵۴- ...
۵۵- ...
۵۶- ...
۵۷- ...
۵۸- ...
۵۹- ...
۶۰- ...
۶۱- ...
۶۲- ...
۶۳- ...
۶۴- ...
۶۵- ...
۶۶- ...
۶۷- ...
۶۸- ...
۶۹- ...
۷۰- ...
۷۱- ...
۷۲- ...
۷۳- ...
۷۴- ...
۷۵- ...
۷۶- ...
۷۷- ...
۷۸- ...
۷۹- ...
۸۰- ...
۸۱- ...
۸۲- ...
۸۳- ...
۸۴- ...
۸۵- ...
۸۶- ...
۸۷- ...
۸۸- ...
۸۹- ...
۹۰- ...
۹۱- ...
۹۲- ...
۹۳- ...
۹۴- ...
۹۵- ...
۹۶- ...
۹۷- ...
۹۸- ...
۹۹- ...
۱۰۰- ...

اخطار به حزب ...
قابل توجه گروهکهای فدائیان ...
بدانید و آگاه باشید ، تمام لشکرها و تشبها و نیروهای "بزرگ" حزب ... در حال آماده شدن است تا با شما برخورد کند و دستگیرتان نماید .
فان حزب ... ما لغا لبون

معرفی کتاب

دیدگاه‌های انحرافی در مورد وحدت

چند مقاله از بوگدان کنونیانتس درباره مسائل تشکیلاتی، مربوط به کنگره دوم حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه

جنبش کارگری کمونیستی روسیه، کنجمنه گرانپهائی از آموزشهای (مارکسیستی-لنینیستی) را برای انقلابیون کمونیست سر جهان به جای گذارده است. آموزشهای که حاصل آمیختگی عمیق تئوری راهنمای (مارکسیسم - لنینیسم) با پراتیک گسترده جنبش کارگری می باشد.

از همان زمانی که کمونیستها بطور جدی به کار در میان کارگران و زحمتکشان بپردازند و بکوشند تا وظیفه اساسی خویش را که همانا بردن آگاهیه سوسیالیستی به میان سوده های طبقه کارگر و سازماندهی و هدایت جنبش کارگران و زحمتکشان است، به پیش ببرند، مسائل متعددی در پیش پای آنان قرار میگردد. مسائلی که پاسخگویی بدان ضرورت مرموم پیشبرد انقلاب است و تنها در پاسخگویی خلاقانه بدین مسائل است که ثنوری انقلاب در هر کشور، شکل میگردد. کتاب (دیدگاههای انحرافی درباره وحدت) بخشی از اینگونه آموزشها را در بر دارد. این کتاب که دستنویس برخی از نطقهای رفیق بوگدان کنونیانتس یکی از رهبران برجسته بلشویک در کنگره دوم حزب سوسیال دمکرات کارگری در روسیه است. علاوه بر آن که شیوه برخورد انقلابی به مسائل موجود در جنبش کارگری را می آموزد، به برخی از مسائل مهمی می پردازد که هم اکنون در جنبش انقلابی کشور ما نیز مطرح می باشد؛ امر مهم تبلیغ و ترویج کمونیستی و سازماندهی جنبش کارگری که مسئله تبلیغ و ترویج و سازماندهی در میان کارگران و زحمتکشان خلقهای تحت ستم نیز جزئی از آن است.

بخشی از نطقهای رفیق بوگدان در کنگره دوم حزب، به مسئله سازماندهی منطقه ای و ملی و نقش آنها، اختصاص دارد. مدتی در آن در زندگی حزب، مسئله ایجاد حزب واحد، مسئله مرموم جنبش بود. در مبارزاتی که حول این مسئله در کنگره صورت گرفت، مسئله سازماندهی منطقه ای و ملی یکی از مهم ترین مسائل مطرح می رفت. در متن این مبارزه نظریات ناسیونالیستی و اشعاب طلبانه ای تبلیغ می شد که استقلال این سازمانها را عنوان می نمود. ارگان بوند (اتحادیه عمومی کارگران یهودی لیتوانی، لهستان و روسیه) برجسته ترین مبلغ این نظریات بود.

رفیق بوگدان در نطقهای خود در کنگره، قاطعانه ما هیت انحلال طلبانه این نظریات را

افشا نموده و نشان می دهد که مسدا حرکت کمونیستها در برخورد به جنبش کارگری همواره و در هر شرایطی، جنبه، طبقاتی این جنبش است و نه جنبه ملی و باید که جوانب آن، در این صورت هر گاه جنبه ملی اساس قرار گیرد، مسلما حرکت کمونیستها با همبستگی منافع طبقاتی بیرونلاریا که اساس سوسیالیسم بین المللی است، در تضاد قرار خواهد گرفت.

رفیق بوگدان کنونیانتس در نطقهای خود با افشای این نظریات، راه حل لنینی مسئله



را ارائه می دهد: شرایط مشخص ملیتها، زمینه های تبلیغ و ترویج همه جانبه ای را فراهم می سازد که هر انقلابی حساس بساینداز آن هوشیارانه استفاده کند. علاوه بر این پیشبردمر مقدس انقلاب بیرونی را بی ضرورت منازره با انواع انحرافات ناسیونالیستی بورژوازی را که زمینه های مساعدی در جنبش خلقهای تحت ستم دارد، در دستور کار کمونیستها قرار میدهد. "هدف از ایجاد سازمانهای منطقه ای در مناطقی با شرایط استثنائی باید تبلیغ و ترویج همه جانبه باشد، اما در این صورت باید چنان نوعی از سازمانها را ایجاد نمود که جنبه تفرقه اندازی و خرده کاری محلی را به خود نگیرند."

بحث جالب توجه دیگری که رفیق بوگدان در خلال نطقهای خود به آن می پردازد، برخورد های انفرادی با نه و سوزوئی در مسازرات

درون حزبی است. در بحثهایی که حول مسئله انتخابات و ایجاد نهادهای مرکزی حزب در می گیرد، اینگونه نگرشهای بورژوازیستی و خرده بورژوازی خود را کاملاً نمایانند. بر خورد ها نشان می دهد که بجای حرکت از منافع جنبش، منافع خود و گروه خود را محور قرار میدهد. رفیق بوگدان به این گرایشات انحرافی حمله می کند و قاطعانه بیان می کند که انقلابیون می باید اینگونه گرایشات بورژوازی را از درون خود طرد کنند. آنچه که همواره می باید بنقطه حرکت کمونیستها در مبارزات درون حزبی باشد، فقط و فقط منافع جنبش کارگری است که با منافع حزب پیوندی عمیق دارد.

گزارش فعالیت کمیته، با کوبه کنگره، دوم حزب که رفیق بوگدان کنونیانتس ارائه میکند نیز در سهای گرانپهائی را می آموزد. در این گزارش تصویر درختانی از حاسیت و دمتم کمونیستی در کار تبلیغ و ترویج و سازماندهی جنبش کارگران به نمایش گذاشته شده است. رفیق بوگدان تصویر می کند که چگونه کمیته با گوا ز گروه کوچکی آغاز شد، در حرکت انقلابی خویش با گرفت و به کمیته، قدرتمندی تبدیل گشت. مهم ترین مسئله ای که در این گزارش برجستگی دارد، تکلیف بر اهمیت ارتباط کمونیستها با جنبش کارگران و زحمتکشان است. کمونیستها کمیته با کوبه برای پیوندیابی با جنبش از هر مکانی سود می جستند و با تمام انرژی خویش می کوشیدند تا کانهای ارتباط با توده را ایجاد نمایند: "کمیته باید سعی کند که در تمام تشکیلاتی که بطور اتفاقی وجود بخودی شکل می گیرند عم از تشکیلات صنعتی صندوق های بودجه ای خود آموزی وغیره، نفوذ پیدا کنند. و اما در نقاطی که هیچ تشکیلاتی وجود ندارد، کمیته محلی سعی می کند صندوق بودجه و یا گروه های کوچک تبلیغاتی ایجاد کرده و بدین وسیله کارگران را با جنبش مربوط کند. هم اینک در محدوده ای کارگران شهری هیچ سازمانی نیست که بوسیله کمیته محلی به جنبش مربوط نشده باشد...."

گزارش رفیق بوگدان نمونه درختانی از کار سوسیال دمکراتیک در تمام زمینها، می باشد. این گزارش بیان می کند که چگونه کمیته با کوبه با توجه متحرک و زنده ای با جنبش کارگری برقرار نموده و می کوشد که کوچکترین جنبش اعتراضی را سازمان داده و ارتقا دهد. و مهم تر از این، گزارش نشان می دهد که چگونه در متن این ارتباط، کمیته با کوبه سعی نموده که بر اساس شرایط جنبش سراسری روسیه و شرایط مشخص محلی تاکتیکهای زنده ای را اتخاذ نماید که به جنبش سمت دهد. برخورد بلشویکیهای کمیته با کوبه برپائی نظا هرات نمونه ای از اینگونه برخورد فعال و حسیلاق کمونیستی است. در سال ۱۹۰۲ همراه با رشد و فتح گیری نهضت کمیته با کوبه برپائی

بقیه در صفحه ۲۲

رفقای معلول حادثه دانشگاه و مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر

(ادامه از شماره پیش)

رفیق م . در اشراعات ترکش های نارنجک با چمدان کهدست ارتجاع دربین نظاره کنندگان روز ۳۱ فروردین مقابل دانشگاه منفجر شد بدست زخمی است . رفیق در نظاره های که از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان به کار رفته است اولین سالگرد مقاومت حماسه آفرین دانشجویان در برابر بیورش انقلاب فرهنگی برپا شده بود شرکت نموده بود . در شماره گذشته سخنان دوست از رفقای معلول را آوردیم اینک از رفیق دیگر خاطراتی را می نویسیم . او همرا ما حدود ۲۰ تن از رفقای مجروح ، در بیمارستان بستری بوده و نیز زیر کنترل پاسبانان قرار داشته و با وجود این علیرغم بیماری شدید روحیه کمونیستی و انقلابی خود را حفظ کرده ، از هر فرصتی برای افتخاری رژیم استفاده نموده و سرانجام از دست آنان فرار کرده است . با ساداران جهل و سرما به منتظر بوده اند بسا آنرا به بهیودنسی دروغ آنان ، آنها را به زندان اوین تحویل دهند . به خلاصه ای از صحبت های رفیق گوش میکنیم

بعد از این حادثه عشقم به کارگران و زحمتکشان بیشتر و ایمانم به آرمان سرخ آنها محکمتر شد!

روز نظاره های وقتی به جلوی دانشگاه رسیدم . هنگامی بود که فالانژها سنگ پرتاب میکردند و رفقا مقاومت میکردند . من هم در صف رفقا قرار گرفته و به مقاومت ادامه میدادم که ناگهان نارنجک پرتاب شد . در آن لحظه من ندیدم که چه کسی آنرا پرت کرد . ما چمدان های نارنجک به تنگ و کیبویا های ما را با ما بردند . من در آن لحظه دردی احساس نمیکردم و خواستم بدون امیدم بایم بی حواس است . از وسط درگیری خود را کشتان کشتان به پشت یک پیکان کشیدم و نفسم شدت بند آمده بود . سی - هوش بزمین افتادم از این لحظه به بعد همه چیز را منبهم به خاطر می آورم ، گویا هنگامی که میخواستمند مرا برای حمل به بیمارستان سوار وانت نمایند ، عده ای مزدورمانه میشوند . بهر حال بعد از رسیدن به بیمارستان مورد جراحی قرار گرفتم . هنگامی که به هوش آمدم با مشت گره کرده شمار زنده را کمویسم ، زنده باد سوسیالیسم و شعارهای دیگری را که به آن معتقد بودم میدادم . بیمارستان و وسایل را ندانم

کمکم نمیکردند . بخاطر اینکه رژیم به تنم وصل بودند تا چند روز از حال دیگر رفقای زخمی بستری اطلاع برسد . روزیکه توانستم راه بروم ، تصمیم گرفتم که به اتاقهای دیگر سرزده و از حال رفقا با خبر شوم . با ساداران تمام بخش را کنترل میکردند و یکی از آنها جلوی مرا گرفته و گفت : " شما ممنوع الملاقات هستید و نمیتوانید دیدن دیگران بروید " . پرسیدم : " طبق کدام قانون " . وی گفت : " قانون جمهوری اسلامی " . من پاسخ دادم : " ما از این قانون حرکت نمی کنیم " و راهم را ادامه دادم . و هنگامیکه با سادار میخواست دیگر همکارانش را با خبر کند ، چند تن از پرستاران به وی گفتند که چرا با مریض سروکله میزنید ؟ همتی که شما اینجا هستید ، باعث وحشت مریضهای دیگر شده است .

هدف ما تنها خبر گرفتن از حال یکدیگر بود ، بلکه میخواستیم با مریضهای دیگر تماس گرفته و برای آنان افتخاری نمائیم . ما برای بیمارانی که عموماً از افتخار زحمتکش بودند افتخاری های موشی علیه رژیم میکردیم و هدفهای خودمان را برای آنها می گفتیم . ما برای سایر مریضها و ملاقات کنندگان آنها افتخار میکردم که نارنجکی که به میان نظاره کنندگان انداخته شد ، علامت و جاج رژیم چه لیسرا لیا و چه حزب جمهوری بر آن مهرنا شد زده اند . با ساداران مزدور ، در مورد کسانی که به ملاقاتمان می آمدند ، ما را سوال بیخ و بشیدا کنترل میکردند . این مزدوران یک لحظه از جاسوسی کردن ، کوتاهی نمیکردند . مثلاً یک روز یکی از ساداران سرش را از بالای دروازه ای که بستری بودم توأورده و با گفتن " بچه ها بشاید این از بچه های خود سونه " میخواست خودش را کمونیست جا بزند ! و با دونه فردی گروا ردا تپان شدند و بالای سرم آمدند ، یکی از آنها پرسید : " رفیق ! چی شدی " و من که از همان اول فهمیده بودم این ها با سادار هستند گفتم : " سادار دولت در میان نظاره کنندگان ، نارنجک انداخته و منم زخمی شدم " مزدوران که متوجه شده بودند چنان باز شده ، از اتاق بیرون رفتند . کلاً در مدتی که من در بیمارستان بودم ، کمیته جی ها و با ساداران مدام از بخش محافظت میکردند ، بطوریکه یک شب آنها مسلحانه به داخل بخش ریخته و باعث وحشت مریضها شدند . پرستاران گفتند که با یک سلاح ها با ما را بیرون بگذارید و بعد داخل بیمارستان شد .

از دادستانی " انقلاب " هم دستور جدی بار از وزارت کشور برای تهیه گزارش و گرفتن اسم و آدرس و شماره تلفن آمدند که من در پاسخ

پیام عده ای از رفقای مجروح به کمیته پزشکی سازمان

به رفقای کمیته پزشکی بیاسرحمانی که جهت مداوای رفقای مجروح کشیده اند :
رفقا ! با دروهای کمونیستی !
زحمتکشها روزی که ما را راج می -

تیم .
محبت های فراوان شما و سرخورد های مسئولانه و رفقا هتان با ردیگری است نمود که تشکلات کمونیستی یک کمون و یک خانواده بزرگ کمونیستی است

و فکر میکنیم آن جبری که میخواند با ج -
گوی زحمتکشها با شایسته ، هر رفیق زحمتی با با زحمتکشها ، همصدا به ترویر و ترویر در راه تحقق آرمان طبقه کارگر کام سردارد .

به امید پیروزی آرمان سرخ طبقه کارگر
عده ای از مجروحین فاجعه دانشگاه
اردیبهشت ۶۰



پیام تشکر رفقای زخمی به پرسنل آگاه و مترقی بیمارستانهای شریعتی و خمینی

دوستان مبارز !
ما مجروحین واقعه خونین دانشگاه اردیبهشت ۶۰ که در صف نظاره های سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار ، بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با اشغال نارنجک به خون کشیده شده و زخمی گشته ایم ، با قدر دانی از زحمات بی دریغ و آگاهانه شما پرسنل بیمارستانهای شریعتی و خمینی که علیرغم فشارها و تهدیدات با ساداران رژیم و فحاشی این مزدوران به کمک فرزندانش کمونیست خود شتافتند ، بیکار و دیگره همراه همه کمونیستها و انقلابیون با کارگران و زحمتکشان میهمانان بیمارستان می شدیم که با آخرین قطره خون سرمان در راه ما بودی سرما به جهانی و رژیم های مرتجع سکونیم !
مجروحین فاجعه دانشگاه ۱۳۶۰

سئوال آنان کنیم : تمام کارها را خودتان می کنید و ما می آنگذاریم عملگردان گسارین نهه کنید ؟ !

با ساداران مزدور که از فرار رسمی از رفقا از بیمارستان با خبر بودند سعی نمیکردند با گفتن اینکه ما آنها را دستگیر کردیم ، روحه ما بقیه در صفحه ۲۲

جنبش کارگری



علیرغم تبلیغات ضد کمونیستی هیئت
مدیره شرکت واحد :

کارگران از اخراج نماینده مبارز خود جلوگیری میکنند

در تاریخ ۶۰/۳/۳، هیئت مدیره مکتبسی شرکت واحد دنبال سیاست فدکا رگری خود، حکم اخراج یکی از نمایندگان شورای کارگران تعمیرگاه شماره ۲ شرکت واحد (واقع در نارمک) را که کارگری مبارز و مذهبی است، صادر میکند. دنبال انتشار خبر اخراج این نماینده مبارز، زمزمه‌های اعتراض در میان کارگران شروع میشود. کارگران که میدانستند هیئت مدیره شرکت از نماینده‌شان، بجا طرفدای وی از منافع کارگران است، پس از مشورت تصمیمی گیرند با اجتماع در سالن غذاخوری حضور هیئت مدیره را جهت دادن توضیح خواستار شوند. در ساعت ۱۲/۵ با آمدن زرین زلف عضو هیئت مدیره و رئیس امور مالی شرکت واحد، کارگران خشمگین از وی میخواهند که علت صدور حکم اخراج را بگوید. وی پس از مدتی مقدمه چینی و بیان حرفهای عوامفریبانه‌ای چون ما همه مسلمانیم و در مقابل خون شهدا مسئول و... میگوید: "حال با توجه به صحبت‌های که کردم و اینکه نماینده شما کمونیست است، آیا با رهم میخواهید که او برگردد؟"

کارگران یکبار چه فریاد میکنند: "بله، بله، بله". کارگری فریاد می‌کند: "قای زرین زلف اگر ما ۳۰۰ نفر ما را نخواهیم چه کسی را با بدبینیم؟" کارگران در تاشد حریف وی فریاد می‌زنند: "تمیخواهیم، تمیخواهیم، تمیخواهیم". در همین حین نماینده مبارز اخراجی شروع به صحبت کرده و در آخر خطاب به کارگران میگوید: شما بهترین و صالح ترین کسی هستید که میتوانی بدر باره من قضاوت کنید، اگر من حرکتی کرده‌ام که بر ضد شما بوده، این شما و اینهم کردن من!

سخنان نماینده مزبور خشم انقلابی کارگران را شعله‌ور تر ساخت بطوریکه نماینده دولت در مقابل قدرت همبستگی کارگران عقب نشینی کرده و میگوید: من دومرتبه گزارش شما را که در مورد نماینده شما رسیده مطالعه میکنم و پس از آن نظر شما را اعلام میکنم. عده‌ای از کارگران فریاد می‌زنند: ساواکیها و جاسوسها را معرفی کن، بگو چه کسانی گزارش داده‌اند؟ جاسوسها و افراد انجمن اسلامی که از آگاهی و یکبارگی کارگران بوخت افتاده بودند، پسته خود را روی آب انداخته و زیوتان را از عهت هیئت مدیره کردن من!

حزب خائن نژاده تثبیت حداقل دستمزد کارگران را تأیید میکند

اشاره نمود عیارت است از: وضع اقتصادی مملکت، آثار جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی کارگران دندان روی جگر میگذارد و معمولاً وزارت کار و امور اجتماعی را میپذیرند. اما این پذیرش بهیچوجه به آن معنی نیست که گویا افزایش دستمزدها ضرورتی نداشته است و گویا دولت فاقد امکانات لازم برای بهبود وضع معیشتی زحمتکشان است، که در اثر تورم و گرانی به معنی واقعی کلمه دچار اختلال گردیده است. درست بعکس، کارگران و زحمتکشان بدرستی معتقدند که اگر چه دولت فعلاً فاقد امکان افزایش دستمزدها به صورت پولی است، لیکن امکان بهبود وضع معیشتی آنان را از طریق بالا بردن قدرت خرید دستمزدها که ملا در اختیار دارد. ..."

آنچه در این نقل قول مشاهده میشود تا باید دوبله و وزیر کار نه این تصمیم رژیم است: از یکسو خائنین بوده‌ای حداقل دستمزدها تعیین شده از جانب دولت را با توجه به میزان تورم و افزایش قیمتها در سال گذشته، "برای" تا مین هزینه میخوانند و از سوی دیگر در تائید تصمیم وزارت کار کارگران را به "دندان روی جگر گذاشتن" و پذیرفتن تصمیم مذکور دعوت مینمایند. از یکسو محبت از "ضرورت افزایش دستمزدها" میکنند و بقیه در صفحه ۱۹

در شماره ۱۰۸ پیکار به بررسی تصمیم فدکا رگری رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر تثبیت حداقل دستمزد کارگران به میزان سال گذشته پرداختیم و دیدیم که با توجه به رشد سرسام آور تورم، این تصمیم تنها منجر به تثبیت سطح زندگی کارگران همچون سال گذشته (که آن هنگام هم کارگران در شرایط دشواری زندگی میکردند) نمیکرد، بلکه عملاً بمعنی کاهش با زهم بیشتر سطح زندگی کارگران میشود، بطوریکه این زحمتکش ترین طبقه جامعه را در آستانه فلاکت ندیدی قرار میدهد. اما آنچه که بی‌آمدنا گزیر این اقدام فدکا رگری رژیم است، او گیسوری میازات کارگران برای افزایش دستمزد میباشد. از اینروست که رژیم و تمامی نوکرانشان بدست و پا افتاده اند تا با فریب کارگران موجب انحراف مبارزاتشان گردند.

در این میان خائنین بوده‌ای پیشقدم تر از سایر روزبویونیستها، با و قاحت تمام به دفاع از تصمیم رژیم پرداخته و فراتر از آن در جهت تظلم و توجیه آن به رژیم "رهنمود" میدهند. آنها در روزنامه خود مینویسند:

"این البته در مقایسه با میزان تورم و افزایش قیمتها در سال گذشته بسیار ناچیز و حتی از نظر تا مین هزینه زندگی کارگران و زحمتکشان دستمزد بیکر غیر قابل تحمل است با اینحال با توجه به همان سه نکته‌ای که در ابتدای اطلاعیه وزارت کار به آن

اعتصاب کارگران شرکت حمل و نقل!

بر اثر اعتصاب کارگران مدیران کارخانه فقط پرداخت ۲۰ روز سود ویژه را قبول کرده و در مورد بقیه خواستها جواب سر با امیدهند. کارگران سپس بسر کار بازمیگردند. کارگران مبارز! فقط شوراها و واقعی متضمن حفظ منافع شما در مقابل سرما به داران ز الوصف است. جهت حفظ دستاوردهای مبارزاتی خود و تداوم مبارزاتتان، شوراها و واقعی را تشکیل دهید!

- در تاریخ ۶۰/۳/۹ کارگران شرکت حمل و نقل بزرگ ایران جهت تحقق خواستهای خود، یکبار چه دست از کار می‌کشند، خواستهای کارگران به شرح زیر است:
- ۱- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل.
 - ۲- اما ف حقوق.
 - ۳- پرداخت ۲۰ روز سود ویژه که تا کنون پرداخت نشده است.
 - ۴- دوروز تعطیل در هفته.
 - ۵- افزایش پول ناهار

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



مبارزات کارگران جهت دریافت ۲۰ روز سود ویژه!

میکنند. کارگران آگاه و مسازم میگویند: انجمن اسلامی و کارفرما هم اکنون در مقابل ما بوده و بر علیه ما توطئه جینی میکنند، ما با بدآت آن سه مبارزه بر خیزیم. مبارزه کارگران این کارخانه ادامه دارد.

کارخانه نساجی فرزانه - اصفهان:

کارگران کارخانه نساجی فرزانه سزاحیر: برای دریافت باقی مانده عیدی و پاداش خود یعنی دریافت ۲۰ روز حقوق، مبارزات خود را شدت بخشیده و موفق شدند کارفرما را به عقب نشینی وادارند.

جران بدین فرار است که کارفرما ابتدا عیدی و پاداش کارگران را معادل هفت روروسم حقوقشان تعیین میکنند که با اعتراض کارگران روبرو میشود. کارگران برای مجبور نمودن کارفرما تولید را کاهش میدهند. بطوریکه کارفرما مجبور میشود هفت روز و نیم را نا دوارده رورسالا سرد. اما کارگران هم کارگران برپرداخت ۲۰ روز پای فشرده و تولید را همچنان پائین نگه میدارند و ۱۲ روز را به ۱۵ روز میسرانند. کارگران همچنان برای تحقق خواستشان تولید را پائین نگه میدارند اما شورای فلابی کارخانه که مانند سایر شوراهای فلابی حنجره اراشت بر کارگران وارد آورده و به دنبال کارکنی هایش موفق میشود کارگران را فریب داده و آنان را راضی به دریافت همان ۱۵ رورسما بد.

کارگران مبارز! برای مقابله با توطئه های سرما به داران شورای فلابی را محمل و شورای واقعی را اتحاد نمائید!

مبارزات کارگران در بسیاری از کارخانه ها برای بیرون کشیدن ۲۰ روز سود ویژه که بخشی از دستمزدهای آن است، از حلقوم سرما به داران و رژیم حا می آنان همچنان ادامه دارد:

کارخانه نساجی شماره (۱) قاشق شهر:

در تاریخ ۶۰/۳/۴ از طرف مدیرعامل کارخانه بخشنامه ای صادر میشود مبنی بر اینکه فقط ۶ روز حقوق بعنوان سود ویژه پرداخت میشود. ابتدا قسمت "با فنده" کارخانه جهت اعتراض به این بخشنامه دست از کار میکشد و سپس تمام قسمتها یکبار جهت دست از کار میکشید و خواهان پرداخت ۲۰ رورسود ویژه میشوند. مدیرعامل ضد کارگر در رویارویی با اعتماد کارگران از وزارت کار کمک خواسته و به اتفاق معاون اداره کار سحانی چون: "وقت جنگ چرا اعتماد میکنید؟" یا "کارخانه ضرر کرده است و ۶ روز بیشتر به شما تعلق نمیکرد" و... سعی در فریب کارگران داشتند. اما کارگران افشاکری کرده و میگفتند: "فقط در سال ۵۶ کارخانه ۱۴ میلیون تومان سود داده، چگونه حال که با رچه کلی گران شده سود نداده است؟" با افشاکری فعال عناصر مبارز کارگران روی پرداخت ۲۰ رورسود ویژه تأکید داشته و با: سخا - سما بید - زهر سم - آنا سرا جهت بررسی سود و ضرر کارخانه میفرستند.

سرما به داران خود بخوار با آوردن فرمائید و چند پاداش به کارخانه و با کمک مزدوران انجمن اسلامی و با استفاده از آگاهای بعضی از کارگران با امفای ۲۰۰ نفر از ۸۰۰ کارگر کارخانه، ۲۷ نماینده انتخاب کرده و به وزارت کار معرفی

میخواهند که علام کند گزارشها کار آنها نبوده! او هم مزورانه "قسم" یا میکنند که گزارشهای رسیده از طرف آنان نبوده است.

زین زلف ما ندر رژیم حا می خودش از کمونیستها که آگاهترین و فداکارترین و پیگیرترین انسانها هستند که در راه آزادی طبقه کارگر از بند سیستم سرما به داری مبارزه میکنند و حتی از گذشتن از جان خود نیز دریغ ندارند، وحتی در دو سهمین دلیل برای رها نشی از محصمه، عوام مغربها به علام میکنند که اگر چند کارگر قدیمی بگویند که نماینده شما کمونیست نیست من می پذیرم. کارگران قدیمی علی رغم آنکه نماینده شان کمونیست هم نبود، بدون توجه به تاکید مدیر مزدور برای کشاندن کارگران به موضعگیری ضد کمونیستی، به تاید و حمایت از نماینده مبارشان می پرداختند.

بالاخره دستان متحد و پر قدرت کارگران رژیم را وادار به عقب نشینی نموده و تسلیم در مقابل خواست انقلابی خود می نمایند. کارگران نماینده خود را همچون پرچم پیرویشان بر سر دست گرفته و بدور سمیرکا هر: می امفند کارگران سمیرکا شماره ۲ شرکت واحد، مبارز دیگر نمونه ای از قدرت طبقاتی کارگران را در عرصه مبارزه با سرما به داران و نمایندگان آنان نشان دادند.

قدرت و همبستگی شان افزون تر باد!

طرح انقلابی کارگران و کارمندان شرکت نفت فلات قاره و نوطئه های رژیم!

۲- حق استفاده از مسکن، غذای کامل، وسایل رفاه و آمدوسا بیرومالی را می موجود.
۳- اجرای طرح ۱۴ روز کار و یک هفته استراحت. ضمناً خواست کارگران تحت پوششی رسمی شدن بود. هیئت مدیره ارتجاعی که بنا بر ما هیئتسنا عا جزا پنا سخ دادن به خواستهای کارکنان بود جلسه فوق را ترک میگوید. کارکنان که ایس حرکت را توهینتی نسبت به خود تلقی میکنند، درخواست بعدی هیئت مدیره جهت مذاکره با نمایندگان کارکنان را رد نموده و هیئتسنا مدیره در ۶۰/۳/۳، جزیره را ترک میگوید.
حرکت هیئت مدیره، برای کارگران و کارمندان روشن ساخت که سیاست هیئت مدیره حذارسناست ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی نمیباشد. در حال حاضر کارکنان مبارز، طرح انقلابی خودمسی بریک همه کار، یک هفته استراحت را پیا پیاده کرده و خود را برای مقابله با توطئه های بعدی آماده میازند.

خواستهای خود را توسط نماینده "کمیته پیگیری" به شرح زیر اعلام می کنند.
الف: خواستهای کارکنان رسمی:
۱- رسمیت یافتن طرح اقماری یک هفته کار، یک هفته استراحت.
۲- برقرار نمودن پرواز هلیکوپترترین جزیره و سکوها به بهره برداری.
۳- برگرداندن نمایندگان شوراهای مشمول با کساری مغرنا به هیئت با کساری قرار گرفته اند.
۴- بازپرداختن مزایای (طرح اقماری و سکوها) که بدون دلیل بعد از جنگ از کسل دستمزد دریافتی کم شده است.
ب: خواستهای کارکنان جنگ زده عمدتاً عبارت بود از:
۱- پرداخت هزینه رفاه و آمدوهتل.
۲- پرداخت وام ضروری (بلعوض).
ج: خواستهای کارگران موقت:
۱- لغای قانون ناهنناهی اخراج کارگران بعد از ۷۵ روز کار.

در شرایطی که فشارهای شدید اقتصادی که حاصل سیستم سرما به داری ایران و جنگ ارتجاعی دور رژیم ایران و عراق است مستقیماً بر دوش کارگران و زحمتکشان ما وارد میشود، آنان را هر چه بیشتر به مبارزه بر علیه این سیستم میکشاند. کارگران در شرایط فعلی یکی از راههای مبارزاتی که برای مقابله با این فشارها در برابر رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی در پیش گرفته اند، مبارزه جهت کم کردن ساعات کار میباشد. کارگران و کارمندان شرکت نفت فلات قاره واقع در جزیره سری ولوان، طی جلساتی که با افشای رژیم همراه بوده، طرح یک هفته کار، یک هفته استراحت را در مقابل قانون ناهنناهی دو هفته کار، یک هفته استراحت، به تصویب میزنانند.

دنبال این تصمیم کارکنان، در تاریخ ۶۰/۳/۴، هیئت مدیره شرکت نفت فلات قاره به اطلاع جهت رسیدگی به وضع و در واقع جهت جلوگیری از پیاده شدن این طرح انقلابی، وارد جزیره لاوان میشوند. کارکنان رسمی تحت پوشش جنگ زده و موقت طی یک مجمع عمومی با شرکت هیئت مدیره،

(قسمت دوم)

بودجه ۱۳۶۰: بودجه ورشکستگی و وابستگی

در بخش اول این مقاله، مفهوم بودجه، دولت و ماهیت طبقاتی آن را روشن ساختیم. اضافه بر این در برخورد مشخص به بودجه سال ۶۰ رژیم جمهوری اسلامی، برخی از منافع درآمدان نظیر مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم را مورد بررسی قرار داده و نشان دادیم که منشاء این درآمدها کجاست و چگونه تامین درآمد بودجه تا ثیری برای زندگی کارگران و زحمتکشان بجای نهد. حال به بررسی قسمت دیگری از منافع درآمد بودجه می پردازیم:

۲- نفت:

در لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ دولت، درآمدی معادل ۲۴۱۲ میلیارد ریال از محل استخراج و فروش نفت پیش بینی شده است. این رقم ۷۷ درصد کل درآمد بودجه دولت تشکیل داده و نسبت به سال گذشته حدود ۶۶ میلیارد تومان افزایش نشان میدهد. کسب چنین درآمدی مستلزم صدور روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت در طول سال می باشد و با توجه به سیری شدن مدتی از سال که طی آن چنین مقدار نفتی صادر شد، و نیز محاسبه کاهش قیمت بازاری در نتیجه افزایش عرضه، که هم اینک نیز وضع چندان مساعدی ندارد، این رقم تا انتهای سال بیش از ۳ میلیون بشکه در روز باید باشد.

ما در بخش معارج دولت نشان خواهیم داد که چگونه این بودجه در خدمت تشدید وابستگی است، چگونه فقر و فلاکت توده ها را بیش از پیش تشدید میکند و چطور ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را آشکارا میسازد.

همانطور که گفتیم ساخت رشته های یعنی تناسب میان رشته های مختلف تولید در کشور ما منطبق بر تقسیم کار جهانی امپریالیستی و در خدمت آن است. بخش عمده درآمد ملی در کشور ما از استخراج و صدور نفت تشکیل میگردد که رابطه ای با تولید داخلی نداشته و برای صدور است. سلطت رشدنازل بخش های دیگر تولیدی تا مین اقلام فراوانی از کالاهای مصرفی و همچنین مواد و کالاهای سرمایه ای مثل مواد خام و ماشین آلات منگی به درآمدهای حاصل از فروش نفت است. لذا اقتصاد ما در مقابل تغییراتی چون کاهش مقدار مورد تقاضای بازار جهانی، کاهش قیمت

نفت و افزایش قیمت های انحصاری کالاها در بازار جهانی، بحران های اقتصادی و جنگ و نیز فشار تحریم کشورهای امپریالیستی شدیداً آسیب پذیر بوده و این گونه تغییرات در بازار جهانی به سرعت بحران عمیقی را در اقتصاد ما ایجاد خواهد کرد. شدت یافتن انکاه اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی و کاهش مداوم تولیدات صنعتی و کشاورزی در سال های اخیر نشان دهنده تداوم و عمق بحران اقتصادی سرمایه داری وابسته ایران است. البته ممکن است حتی یک دولت انقلابی تحت هژمونی پرولتاریا که که نمابنده اراده کارگران و توده های خلق است سبب باز انقلاب و در مدت زمانی که بنیاد های اقتصادی و تولیدی کشور در گون نشده و خود را از قبدا لگویی که توسط بازار جهانی تحت نفوذ و سلطه امپریالیسم بر کشور تحمیل گشته خلاص نکرده، مجبور شود بیش از حد متعادل برود -

آمدهای نفتی برای سامان دادن به اقتصاد مستثنی بر منافع کارگران و زحمتکشان تکیه نماید. ولی اولیایست اقتصاد - اجتماعی چنین دولتی ما هبناً با سیاست یک رژیم ارتجاعی مثل رژیم جمهوری اسلامی متغایرت بوده و هم انطور که گفتیم در جهت نفی سلطه امپریالیسم و حرکت بسوی سوسیالیسم است و ثانیاً تکیه کوتاه مدت بر درآمد نفت فقط جای معینی را در سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت اشغال کرده و در رابطه با مجموعه سیاست های وی یعنی کنترل تولید و توزیع در جهت منافع توده های خلق رهائی از سلطه امپریالیسم قابل توجیح است.

و تداوم بحران عمیق و فزاینده اقتصادی و فقر و فلاکت توده های مردم در طول بیست و دو سالی که از قیام میگذرد و عجز و ناتوانی رژیم کنونی در مقابل با آن - که خود بسیار نگر دفاع رژیم کنونی از منافع بورژوازی و وابستگی به امپریالیسم و تبعارت دیگر ما هیت آن است - خود به تنهایی برای توضیح ماهیت سیاست های اقتصادی و اجتماعی رژیم کافست. این رژیم سلطت ما هیت ارتجاعی خود را در مقابل با بحران اقتصادی کنونی را نه در سرکوب قاطعانه سرمایه داران و اعمال ترور علیه آنان، برقراری کنترل خلقی بر تولید و توزیع و سازمان دادن تولید اجتماعی در جهت رهائی از وابستگی به امپریالیسم و حرکت بسوی سوسیالیسم، بلکه در سرکوب توده ها، فشار بر سطح معیشت آنان و

۳- "سایر درآمدها" و "درآمدهای اختصاصی"

در ستون درآمدهای عمومی بودجه سال ۱۳۶۰ مبلغ ۱۵۲/۳ میلیارد ریال تحت عنوان "سایر درآمدها" و مبلغ ۱۲۹ میلیارد ریال تحت عنوان "درآمدهای اختصاصی" منظور گشته است. این درآمدها روی هم برشته حدود ۹ درصد درآمد ها را تشکیل داده ۴/۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش نشان میدهد.

ما قبل از بحث پیرامون درآمد نفتی دولت بطور کلی از سودهایی که از محل فعالیت های مستقیم دولت در صنعت، بازرگانی و بانکداری عاید میگردند سخن گفته و سپس از میان این فعالیتها نفت را بعنوان مهمترین رشته و منبع درآمد دولت مشخص کرده و جا به جا عظیمی را که در بودجه سال ۱۳۶۰ اشغال میکند مورد بررسی قرار دادیم. ولی همانطور که گفتیم دولت توسط شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به خود در زمینه های مختلف صنعت، کشاورزی، مخابرات، ارتباطات، موریانگی و تجارت

فنان، مسکن، آزادی

نفت به میزان بیش بینی شده (بعلمت عدم گشش با زاوعدم امکان راه اندازی و صدور بیشتر در کوتاه مدت) دولت مجبور به ادا ماه استقرار سیستم بانکی خواهد گردید و این نکته را مقامات دولتی نیز صریحاً اعتراف کرده اند.

یکی از دلایل سیاست نفت فروشی دولت نیز تا مین پشتوانه ارزی برای اسکناس های رایج و باانتشار اسکناس های جدید و حفظ اعتبار

● بوزوازی میگو شد با هجوم بردن بر سطح دستمزد کارگران، تعدید روزانه کار، افزایش استتار و اخراج کارگران تمامی بار بحران را به دوش آنان میاندازد. سرمایه داران چنین وانمود می کنند که گویی علت بحران کار نکردن و افزون طلبی آنانست. تبلیغات رژیم نیز دائماً کارگران را به کار بیشتر و توقع کمتر دعوت کرده و به تهدید و سرکوب متوسل می شود.

سیستم بانکی و جلوگیری از ورشکستگی آنست. بگفته دبیر کمیسیون بودجه هیئت دولت در میزان نیاز ارزی کشور در کل حدود ۲۷ میلیارد دلار است. در صورت تحقق فروش نفت بمیزانی که پیش بینی شده است، دولت ۲۳ میلیارد دلار کسب میکند که ۲۷ میلیارد آن را جهت معارف ضروری و لازم ارزی خود بکار برده و بقیه را بعنوان پشتوانه جهت اسکناس های رایج و با احتمال انتشار اسکناس های جدید مصرف خواهد کرد. (کپهان ۶۰/۳/۳)

ولی تا مین پشتوانه ارزی برای ادا ماه انتشار اسکناس با وضعیت کنونی تولید مسئله ای را حل نکرده و انتشار اسکناس های جدید فشاری را که دولت ارتجاعی بر توده های مردم وارد میکند تشدید خواهد کرد. بولهای جدید متکی بر قدرت تولید داخلی نبوده و تنها میتوانند بر واردات سنگی باشد. این امر نیز بعلت محدود بودن امکان واردات و همچنین افزایش قیمت کالاهای وارداتی، تورم را افزایش خواهد داد. تازه افزایش واردات به وابستگی هر چه بیشتر کشور به امپریا - لیسمن منجر خواهد گشت. در نقل قولی که آورده شد دیدیم که میزان درآمد ارزی دولت در صورت فروش نفت بمیزان بیش بینی شده ۲۳ میلیارد دلار و ملی میزان نیاز ارزی کشور طبق محاسبات دولت ۲۷ میلیارد دلار است و دولت قصد دارد که رزافه ای را که امکان خرج آن و خرید کالا از خارج وجود ندارد به پشتوانه برای صدور اسکناس جدید و فشار بیشتر بر توده های مردم بدل نماید. به این ترتیب حتی نگاهی کوتاه به منابع و بگوئی تا مین درآمد رژیم و نتایج آن بخوبی ما هیت ارتجاعی رژیم نشان داد و همچنین ثابت میکند که با وجود چنین رژیم های، کارگران و زحمتکشان هیچگاه نخواهند توانست از قفسد استتار و ستم و فقر و فلاکت رها شوند. با بند بودجه دولت بخوبی نشان میدهد که چرا بدون از میان برداشتن سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم، رهایی کارگران و زحمتکشان از استتار و سرکوب و بندگی، از فقر و فلاکت و از زنجیر ستم امکان ناپذیر است.

ادامه دارد

مقاومت آنان منجر خواهد گشت. گذشته از منبع فوق، دولت از طریق ارائه انحصاری با راهی "خدمات" مثل صدور گذرنامه و پروانه (کسب و مسافرت) و غیره درآمدهای کمی کسب میکند که با هزینه انجام این امور تفاوت فاحش داشته و نوعی مالیات محسوب میگردد. این درآمدها منبع مهمی را در درآمدهای دولت تشکیل میدهد.

۴- انتشار پول و استقرار سیستم بانکی

دولتها برای جبران کسر بودجه خود به ایجاد پول از طریق انتشار پول و با استقرار سیستم بانکی و منابع خارجی توسل میجویند. معمولاً دولتها در شرایط بحرانی و جنگ به ایجاد پول با حجمی بیش از ظرفیت اقتصادی و قدرت تولید کشور اقدام میکنند. ایجاد پول چه از طریق انتشار اسکناس (با پشتوانه و یا بدون پشتوانه) و چه از طریق استقرار سیستم بانکی که آن نیز معمولاً در گردش را افزایش میدهد، در شرایط ثابت ماندن قدرت تولیدی موجب تورم و افزایش قیمتها و کاهش ارزش پول گشته و لذا نوعی مالیات است که از توده مردم وصول میشود. تزریق این پولها به اقتصاد در شرایط رکود اقتصادی موجب افزایش قیمتها و هزینه های تولید، کاهش قدرت خرید مردم و تقاضا گشته و رکود بیشتر اقتصادی را موجب خواهد گشت. ایجاد پول در این شرایط وسیله ایست برای سرکشی کردن مخارج دولت سرمایه داری بردوش توده های کارگرو زحمتکش. تورم قیمتها که از جمله در نتیجه انتشار پولی رویه پول است، دستمزد واقعی کارگران را کاهش داده و سطح معیشت توده های مردم را پایین میآورد. در سال گذشته بهیسی دولت به بانک مرکزی به ۲۶۴۲ میلیارد ریال بالغ گردید که نسبت به میزان آن در پایان سال ۵۸، ۵۸٪ افزایش داشته و این در شرایطی است که سپرده های بانکها نزد بانک مرکزی ۳۰۰۰ میلیارد ریال است و بانک مرکزی بنا به گفته دبیر کمیسیون بودجه هیئت دولت "هر چه توانسته است اسکناس چاپ کرده و در گردش انداخته و بدلیل شرایط سیاسی و اقتصادی کشور مسئله پشتوانه اسکناس را مسکوت گذاشته است." (کپهان ۶۰/۳/۳)

در بودجه سال ۶۰ منابع تا مین کسری بودجه که ۵۸ میلیارد ریال است، برگشتگی از برداشتهای مالیاتی قبل و با اعتبارات مصرف نشده در بودجه سال قبل ذکر شده و ظاهراً و انمود شده که دولت قصد استقرار سیستم بانکی را ندارد. در حالیکه با روشن بودن عدم امکان فروش

فعالیت مینماید. با راهی از این مؤسسات سود آور نبوده و همه ساله دولت کمکهای بیشتن اختتامی میدهد. مادر با راه ایندسته از مؤسسات و سبستی که دولت از طریق عملکرد آنها به پیش میبرد بعداً هنگام بحث در مورد معارج دولت صحبت کرده، نشان خواهیم داد که چگونه این زبان های مالی دولت در واقع سودی است که بشکل غیر مستقیم به طبقه سرمایه دار تسلط میگیرد. دسته دیگری از این مؤسسات سود آور بوده و بویژه در مواردی که فعالیت این مؤسسات جنبه انحصاری داشته و دولت در زمینه تولید کالاهای مزبور حق انحصار دارد، درآمدهای زیادی نصیب دولت مینماید. در اینجا ذکر این نکته لازمست که شرکت های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت بخش اعظم درآمدهای خود را از محل بودجه عمومی (جاری و عمرانی) دریا فست میکنند و در مقابل مبالغ کلانی بعنوان مالیات و سودها - که در واقع چیزی جز ارزش افزایی ناشی از استتار روحشانه کارگران نیست - به دولت پرداخت میکنند که در هزینه های آنها منظور میگردد. به عبارتی دیگر بخشی از درآمدهای دولت که در واقع حاصل سرمایه گذاریهای مستقیم است، به شکل دریافت مالیات از این شرکتها نمودار میشود. در خاتمه این قسمت لازمست نکته مهمی را مورد بررسی قرار دهیم.

یکی از عوارض تداوم و گسترش بحران اقتصادی در دوره پس از قیام کاهش تولید و کاهش بخش بزرگی از کارخانه ها با ظرفیت کامل بوده است. کارخانجات و منابع دولتی و ملی شده بویژه از این حیث در شرایط بدتری قرار دارند. طبق گفته راجا شی در سال ۵۹ میزان صنایع ملی شده ۱۶۰ میلیارد ریال بوده است. میزان سالانه شرکت های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع بهرگز ۲۰۰ میلیارد ریال رسیده است. ریشه های این بحران در وابستگی اقتصادی کشور با غنای منابع تولید و وابستگی صنایع از لحاظ فنی و مواد خام، فشارهای امپریالیستی فرا رسماً به وابستگی اعتمادی سرمایه داران و نتزل اعتبارات در شرایط تداوم انقلاب و مقاومت کارگران در مقابل تسلیم بورژوازی به تحمیل تمام بار بحران بر گردن آنان میباشد. بورژوازی میگوید با هجوم بردن بر سطح دستمزد کارگران، تعدید روزانه کار، افزایش استتار و اخراج کارگران، تمامی بار بحران را بدوش آنان میاندازد. سرمایه داران چنین وانمود میکنند که گویی علت بحران، کار نکردن کارگران و افزون طلبی آنانست. تبلیغات رژیم نیز دائماً کارگران را به کار بیشتر و توقع کمتر دعوت کرده و به تهدید و سرکوب متوسل میشود. دولت اعلام کرده است که در سال جاری ۲۰٪ صنایع دولتی را به سوددهی خواهد رسانید. در اجرای این هدف با توجه به ناتوانی رژیم در مقابل بله با بحران اقتصادی، فشار اصلی گماکان متوجه کارگران بوده و این امر به گسترش مبارزات و

درباره حزب طبقه کارگر (۲)

۵- حزب طبقه کارگر چه مشخصاتی دارد؟

الف - حزب پیشاهنگ طبقه کارگراست
استالین درآموزه های خود، خصوصیات یک حزب آهنگ طبقه کارگر را مشخص میکند. او می گوید حزب باید پیشاهنگ طبقه کارگر باشد. این به چه معنای است؟ این بدان معناست که حزب برای اینکه به معنی واقعی پیشاهنگ باشد، باید به تئوری انقلابی مسلح باشد. همانطور که لنین می گوید:

"نقش ما را زیربشور و آشوبگر می توانست بازی کند که تئوری پیشرو را بهر آن باشد (۵)"
طبقه کارگر در پیروان تئوری انقلابی است که می تواند به قواستین نگام و حرکتت جا معی برده، دوستان و دشمنان خویش را به درسی بشناسد و در هر لحظه با توجه به شرایط مشخص، عمل مناسب را در پیش بگیرد. این تئوری انقلابی، به حزب طبقه کارگر این امکان را میدهد که در پیشاهنگ طبقه کارگر حرکت کرده و بدینسان آن را نیافتد. فقط چنین حزبی است که می تواند ندیکشته استالین "توده ها را تا سطح درک منافع طبقاتی پیروان را ارتقا دهد" (۶) حزب در واقع پیشوای ساسی طبقه کارگراست.

حزب طبقه کارگر آنچنان سازمان کارگری است که هم چون ستادیک ارتش جنگی میدانده کی باید حمله کرد و کی باید عقب نشست. در فلان لحظه مشخص کجای دشمن را مورد حمله قرار داد و چگونه او را درهم کوبید. در حقیقت طبقه کارگر بدون حزب سیاسی خود مثل یک لشکر بی فرمانده است. طبیعی است که چنین لشکری از عهده هیچ جنگ عظیمی که بر علیه استشارگران در پیش است، بر نخواهد آمد. حزب در واقع ستاد جنگی پیروان است.

اما اگر چه حزب، ستاد پیشاهنگ طبقه کارگر و متشکل از عناصر پیشرو است، اما به هیچ وجه جدا از طبقه و توده های کارگر نیست. حزب بدون پیوند عمیق و ناگسستن با طبقه کارگر در دست مثل یک فرمانده بدون لشکر است. در چنین صورتی نمی توان حتی سخن از رهبری توده های کارگر به میان آورد. حزب در واقع حیزه جدائی نا پذیر از طبقه است.

ب - حزب دسته متشکل طبقه کارگراست
اینکه حزب میبایست به تئوری انقلابی یعنی مارکسیسم-لنینیسم مجهز و مسلح بوده و پیشاهنگ طبقه کارگر باشد تنها کافی نیست. بعمل در آوردن تئوری انقلابی نیازمند تشکیلات استوار و آهنگین است، تشکیلاتی که پیشروترین و فداکارترین عناصر طبقه کارگر

را بسوی خود جلب نموده و مظهر ایستادگی و قدرت پیروان را باشد. حزب طبقه کارگر در سیر عظیم خود بر علیه سرمایه داری راه دشوار و پریچ و خمی را در پیش دارد. حزب طبقه کارگر که طی کردن پیروانند این راه را هدف خود قرار میدهد، باید کاملاً متشکل و با انضباط باشد. کارها و اعضای ورزیده و کاردان که در مکتب حزب و در سترنما رزده طبقاتی پرورش یافته باشند، برای حزب اهمیت فراوانی دارند. بهمین دلیل است که حزب طبقه کارگر بدون پرورش کادر و تربیت عناصر آگاه و پرولسری و حفظ انضام و هماهنگی تشکیلاتی، قادر نخواهد بود ادا مکاری خود را حفظ نموده و در نتیجه به حیات سرمایه داری خاتمه دهد.

ج - حزب طبقه کارگر عالیترین شکل سازمانی طبقه کارگر است

همانطور که قبلاً هم توضیح دادیم، طبقه کارگر در مبارزه بر علیه سرمایه داری از سازمانها و تشکیلات مختلفی استفاده میکند. حزب طبقه کارگر که عالیترین سازمان طبقاتی پیروانها است، تنها سازمانی است که طبقه کارگر را در تمام جنبه های کارگری، سندیکاها، تعاونیها، شوراهای غیره همگی از سازمانهای طبقه کارگر ندیکه اگر چه با بدت هدایت حزب باشد، اما خودشان سازمانهای غیر حزبی هستند. حزب طبقه کارگر بدون پیوند عمیق با اینگونه سازمانهای توده ای قادر نیست طبقه کارگر را بعنوان یک نیروی عظیم به حرکت در آورده سرمایه داری را نابود و سوسیالیسم را برقرار نماید.

رابطه حزب با سازمانهای توده ای چگونه تنظیم میشود؟

گفتیم که طبقه کارگر در مبارزات خود بخودی اش قادر نیست به آگاهی سوسیالیستی دست یابد زیرا سوسیالیسم نتیجه مبارزه خود بخودی پیروانها نیست، بلکه به موازات آن و بطور جدا از جنبش های خود بخودی کارگری و سایر به تکامل عالیترین اندیشه های بشری به وجود آمده و سپس آنگاه در مرحله معینی از تکامل سرمایه داری وارد مبارزه طبقاتی پیروانها شده و با این مبارزه خلط و مضمون سوسیالیستی می بخشد. مبارزات خود بخودی کارگران تا وقتی که اندیشه های سوسیالیستی (مارکسیسم-لنینیسم) چراغ راه آنها را این مبارزه نباشد، در همان محدود و نظام بورژوازی باقی خواهد ماند.

بنابراین اگر حزب طبقه کارگر نخواهد بیا نتواند سندیکاها و اتحادیه های کارگری را تحت

رهبری ایدئولوژیک خود بکشد در حقیقت میدان را بسف بورژوازی خالی کرده است و سازمانهای توده ای را درست در اختیار پیروان قرار میدهد. چرا که مسئله اصلی اینست: آیا ایدئولوژی پیروانها را با ایدئولوژی بورژوازی و در اینجا حد وسطی وجود ندارد. بنا بر این اهمیت ندادن به ایدئولوژی پیروانها، یعنی بی سلاح گذاشتن توده های کارگر در مقابل بورژوازی، لنین میگوید:

"هرگونه کاهش از اهمیت ایدئولوژی سوسیالیستی و هرگونه دوری از آن، بخودی خود به معنی نقیض ایدئولوژی بورژوازی است" (چه با بدکرد)

بهمین جهت است که حزب طبقه کارگر هیچگاه میدان را برای ایدئولوژی انارت با بورژوازی سازمانی گذارد و در هر زمینه ای برچم بر افتاد ایدئولوژی کارگری را مینماید. بر خورد حزب طبقه کارگر به سازمانهای توده ای نیز در این چهارچوب قرار میگیرد. حزب از طریق ایجاد دهته ها و اتحادیه های کمونیستی در درون اینگونه سازمانهای توده ای، رهبری این سازمانها را بدست میگیرد و آنها را بعنوان اهرمهایی برای مبارزه علیه استشارگران و طبقات حاکم مورد استفاده قرار میدهد. لنین می گوید:

"حزب عالیترین شکل تجمع طبقاتی پیروانهاست و نامی دیگر سکیلات کارگری میبایست تحت رهبری حزب قرار بگیرند"

د - حزب طبقه کارگر، میانگسار اراده واحد طبقه کارگراست

آیا با هدفها و برنامه های گوناگون می توان حرکت واحدی داشت و آیا در انصورت این حرکت در صورت انجام، به پیروزی خواهد رسید؟ این امر نه تنها در حزب طبقه کارگر بلکه در هیچ گونه گارد اجتماعی هم میسر نیست. حزب طبقه کارگر بدون وحدت اراده و عمل قادر نیست به هدفهای طبقه کارگر دست یابد. همانطور که نشنت و پراکندگی موقوف طبقه کارگر رسیدن به پیروزی طبقه را بسیار دشوار و حتی ناممکن می سازد، پراکندگی و نبودن وحدت اراده در حزب که عالیترین ابزار مبارزاتی طبقه کارگر است، قدرت عمل را از حزب میگیرد و مانع از آن میشود که حزب بطور سریع و قاطع با سخوی مسائل جا معی باشد.

انضباط آهنگین و یکپارچگی در حزب، شرط استحکام و قدرتمندی حزب است. بدون رعایت انضباط حزبی، وحدت اراده و عمل میسر نمی شود و حزب نخواهد توانست همچون تن واحد انجام وظایف انقلابی خود بپردازد. این انضباط به منظور تحکیم وحدت حزب و برای رسیدن به آرمان والای کمونیسم است و کوچکترین شائبه بی انضباط، سرراخانه ای ندارد. انضباط حزب، انضباط توأم با دموکراسی است و این دو ارتباط ناگسستی با یکدیگر دارند.

← **انضباط حزبی** - بورژوازی و بطور کلی تمامی مرتجعین میگویند چنین وانمود کنند که گویا کمونیستها میخواهند آنها را به مهره - هائی تبدیل کنند که هیچ شعور و اراده ای از خود نداشته باشند. آنها همواره تبلیغ میکنند که کمونیستها پیرو انضباط مطلق هستند و هیچ اختلاف نظری را هم تحمل نمی کنند و بسیاری مزخرفات دیگر از این قبیل اما بهیچوجه اینطور نیست. حزب طبقه کارگر هیچ احتیاجی به انضباط سر با زحانه ای ندارد. هیچ کدام از طبقات و هیچ حزب سیاسی دیگری با اندازه طبقه کارگر و حزب او از دانش و آگاهی توده ها سود نمی برند. انضباط حزب طبقه کارگر دقیقاً بر اساس آگاهی کامل اعضای حزب بوده و بطور داوطلبانه پذیرفته میشود. رعایت انضباط حزبی بدان خاطر ضرورت دارد که حزب بدون آن، نتواند رزمندگی خود را از دست بدهد و نمی تواند در مقابل حوادث و وقایع جاری در جامعه عکس - العمل سریع و مناسب داشته باشد. در زندگی احزاب کمونیست لحظاتی پیش می آید که تصمیم گیری فوری و قاطع، ضرورت حیاتی دارد. طبیعی است که حزب بدون برخورداری از یک انضباط آهنگین نتواند مسائل یا سخوی مسائل باشد. حزب باید بتواند همواره چون تن واحد آما در رویا روشی با مشکلات و مسائل پیچیده باشد و این میسر میشود مگر با رعایت دقیق انضباط حزبی و تبعیت تمامی ارگانهای حزب از تصمیمات رهبری.

انضباط حزبی چیزی است که همه اعضای حزب را از بالا تا پایین شامل میشود. اجرای دقیق و منظم تصمیمات حزب و وظایف تعیین شده، تبعیت اقلیت از اکثریت و ارگانهای یا شس از ارگانهای بالاتر، جوهر اساسی این انضباط حزبی است.

← **دموکراسی حزبی** - رعایت انضباط حزبی و پیروی از تصمیمات حزب و ارگانهای بالاتر، با این معنی نیست که افراد متراکتی در تصمیم گیریها ندارند. حزب طبقه کارگر همواره تصمیمات مهم خود را بر اساس جمع بندی از نظریات و مبارزات فکری (ایدئولوژیک) اعضای حزب و حتی توده های غیر حزبی اتخاذ می نماید. راه مبارزه فکری در درون حزب همواره سازاست. مبارزه بین نظرهای مختلف، انتقاد و انتقاد از خود آنچه ان ابزار دستان حزب طبقه کارگر است که کمک آنها فضای سالم و انقلابی حزبی تا مین و دوام میدهد.

دموکراسی حزبی با این معناست که تمامی مقامهای حزبی انتخابی بوده و حرکت حزب بر اساس شرکت فعال و دستجمعی اعضای حزب بر سر نظرها و ابترا رهبری حزب صورت میدهد. حق هر کسی است که قبل از اتخاذ تصمیمی به بحث و مشاوره در باره آن بپردازد و آزادانه اظهار نظر نماید. ولی آنگاه که تصمیمی گرفته شد، دیگر این تصمیم مبادا راجع به اعضای حزب

با اجرا گذاشته شود، بدون آنکه حق انتقاد به همین تصمیمات نیز از کسی گرفته شود.

رابطه اصولی و صحیح بین انضباط حزبی و دموکراسی حزبی اهمیت زیادی دارد. هرگونه برخورد یکجانبه به یکی از این دو جزء (انضباط و دموکراسی) نتایج وخیمی برای حزب طبقه کارگر بار می آورد. تا یکدیگر را نبه بر روی انضباط حزبی و نادیده گرفتن دموکراسی، حزب را به یک دستگاه اداری (بورژوازیستیک) تبدیل میکنند و از طرف دیگر هرگونه تاکیسد یکجانبه بر روی دموکراسی حزبی هرج و مرج و بی نظمی را در صفوف حزب دامن میزند. روشن است که در هر دو صورت، حزب طبقه کارگر ملایت و سرنگی خود را از کف داده و قافله در خواهد بود به رهبر مورد اعتماد طبقه و توده ها تبدیل شود.

← **حزب با تصفیه مداوم عناصر مترز - لزل و رفیقان نیمه راه** - مستحکمتر می شود. حزب از آنچه که در جامعه میگذرد، تا نسیر می پذیرد.

حرکت طبقات مختلف وضع نیروها در جامعه بی شک تأثیر خود را بر جریانهای درون حزبی باقی میگذارد. همانطور که همه ساله لایه های از اقشار متوسط جامعه به صفوف طبقه کارگر رانده میشوند، همانطور نیز افراد عناصری از این اقشار به حزب طبقه کارگر می پیوندند که ممکن است به این زودبها نتوان لرزل و ناپیکیری آنها را از میان برد. اما فعلاً این همه ساله از صفوف کارگران نیز عناصری لایه های که نسبت به توده کارگران از وضعیت بهتری برخوردارند (اشرافیت کارگری) ممکن است وارد حزب طبقه کارگر شوند.

این افراد میتوانند هم با طرهای بط زندگیان (دستمزده و زندگی نسبتاً راحت) و هم با طرهای نشدن از زیر بار ایدئولوژی بورژوازی، گمانهای نفوذ ایدئولوژی و سیاست های بورژوازی در درون حزب باشند. این افراد نمیتوانند با نفوذ دادن ایدئولوژی بورژوازی و حرکت در جهت سیاست های بورژوازی، تا ثیرات مخربی بر کارگران انقلابی بگذارند. آنها میتوانند به شکلهای مختلف مانع از حرکت انقلابی طبقه کارگر و حزب بشوند و از جهت منافع بورژوازی منحرف کنند.

سار این حزب طبقه کارگر برای اینکه بتواند ملایت و برنگی خود را حفظ نماید، چاره ای ندارد جز اینکه همواره خود را از شر اینگونه افراد خلاص کند. این وظیفه دائمی حزب طبقه کارگر است که همواره رفیقان نیمه راه، عناصر فرمت طلب و منحرفین از خط مشی یکسره طبقه کارگر (بورژوازیستها) را از صفوف خود بیرون کند. بدون تصفیه این افراد، حزب طبقه کارگر نخواهد توانست بورژوازی را شکست دهد. لنس میگوید، حزب با تصفیه خود را عناصر ایورنویست اسحکا می با بدوروس است که اسحکا م حزب برای طبقه کارگر اهمیت حیاتی دارد.

اینها هستند مشخصات عمده حزب طبقه کارگر. اینها هستند آن مشخصاتی که حزب طبقه کارگر بدون داشتن آنها هیچگاه نخواهد توانست طبقه و توده ها را از زنجیرا سارت بر دگی سرمایه داری نجات دهد.

خلاصه کنیم:

حزب طبقه کارگر پیشا هک و دسته متکسل و منضبط طبقه کارگر است که مجهز و مسلح علمي - تریس نشوری انقلابی بوده و با وحدت اراده و عمل خود قادر است نیروی متکسل و منحصر ما به - داران را درهم بکوبد. حزب طبقه کارگر انضباط محکم و جدانشدنی با سازمانهای توده ای دارد و از طریق هدایت آنهاست که کل طبقه کارگر را برای رهائی از قید سرمایه داری بحرکت درمی آورد.

حزب کمونیست که بنسوی ساسی طبقه کارگر و توده ها است با تصفیه خود از عناصر فرصت طلب و مترزل، استحکام و قدرت بیشتری می یابد و همچون بدن انسان، وقتی که موم را از خود دفع میکند، طراوت و تادادای خود را بازی میابد.

آنگاه که در مورد احزاب اهمیت دارد خصیلت طبقاتی و سیاست آنهاست، نه ادعای آنها.

آنها این که فلان حزب ادعا کند که حزب طبقه کارگر است میتواند برای پذیرفتن ما کافی باشد؟ مسلماً خیر. باید دید که در جهت چه طبقه ای حرکت میکنند. همانطور که یک فرد را بر اساس ادعاهای که در مورد خودش دارد مورد قضاوت قرار نمی دهیم، احزاب سیاسی را نیز نمی توانیم بر اساس ادعاهایشان مورد ارزیابی قرار دهیم. آنچه که در تشخیص ما هیت طبقه ای احزاب اهمیت دارد، خصیلت طبقه ای آنهاست که بر پایه عملکرد سیاسی و اجتماعی شان و سراسر نقشی که از مبارزات اجتماعی دارند سنجیده میشود. بعنوان مثال حزب توده در ایران و سایر احزاب برادرش در کشورهای دیگر ادعا میکنند که حزب طبقه کارگرند. و حتی حاضرینند سوزنی هم از مقامهای سادگی طبقه کارگر که خودشان به خودشان سنجیده اند عقب بنشینند.

هر کارگر آگاهی اگر بخواد ما هست واقعی این حزب را تشخیص دهد. نتایجی به تبلیغات و ادعاهای این حزب در باره خودش قضاوت کند، بلکه باید عملکردهای او در حینه مبارزات طبقه ای رجوع نماید. آتوقت فقط آنوقت است که در خوا هدیا فت، که حزب توده در حقیقت حزبی است که نوکر بورژوازی و مخصوص خدمت گزار بورژوازی حاکم سروروی میاید. و فسنکه این حزب (و همچنین دست آموزان سوسنده اش فدائیان اکثریت) چهره رشت و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را سوا مردمی جلوه میدهد و کارگران و توده زحمکش را به تسلیم و رضا در برابر او فرامی خواند در حقیقت به سوزوزوی

حاکم خدمت میکند.

وقتیکه این حزب کارگران رنج دیده و محروم ما را به افزایش تولید و کار بیشتر یعنی به استثمار بیشتر دعوت میکند، وقتیکه حقوق اعتراض و اعتصاب کارگران را بر علیه دولت نفی میکند، درحقیقت به بورژوازی حاکم خدمت میکند.

وقتیکه این حزب در جنبش عادلانه خلق کرد اغلال میکند و از راهی گوناگون وظایف در لباس دوست، خلق کرد را به تسلیم و اطاعت از بورژوازی دعوت میکند، درحقیقت به بورژوازی حاکم خدمت میکند.

وقتیکه این حزب رژیم ایران را به نزدیکی و هماهنگی با اردوگاه سوسیال امپریالیسم دعوت میکند و در واقع مردم ایران را به اسارت و بندگی سوسیال امپریالیسم میکشاند، با زهم درحقیقت به بورژوازی خدمت میکند.

اگر بخواهیم تمام جنبش کارگری را این حزب مدعی نماییم طبقه کارگر را یک بیک ذکر کنیم، بقول معروف "مثنوی هفتاد من کاغذ شود". ما در اینجا فقط نمونه‌ها را از جنبش‌های آشکارا این حزب آنهم فقط از کارنامه دوساله اخیرش را ذکر کردیم که همین اندازه کمفایست میکند. در حرکت این حزب، جنبش به طبقه کارگر و زحمتکشان و نوکری و خدمت به بورژوازی از همه چیز برجسته تر و آشکارتر است.

بنا بر این بر اساس ایدئولوژی، سیاست - ها، برنامه‌ها و چگونگی عملکرد این حزب است که ما هیت بورژوازی آنرا تشخیص میدهیم. آری حزب نموده مثل تمامی احزاب روبریونیت دیگر، حزبی بورژوازی است و درست به همین دلیل هم هست که کارگران آگاه و انقلابیون ایران نرفتشان با این حزب هر روز بیشتر و بیشتر میشود. بنا بر این نمی توان به تا بلوئی که اینگونه احزاب بورژوازی بر سر در خود و بجهت اند، کفایت کرد، بلکه باید آنچه را که در عمل پیش میبرند مورد توجه قرار داد.

آنها با جمع شدن کارگران در یک حزب، نمیتوان آنرا حزب طبقه کارگر نامید؟ بمبارت دیگر آیا ما هیت واقعی حزب را این امر که چه کسانی در آن متشکل شده اند، تعیین میکند؟

در کشورهای مختلف سرما به داری ما شاهد آنیم که احزابی هستند که حتی بیشترین تعداد کارگران را در خود جمع کرده اند، حزب کارگر انگلستان یکی از نمونه‌های برجسته این گونه احزاب است. این حزب تاکنون با رها توانسته است حکومت را بدست بگیرد ولی با استحال جز بفتح بورژوازی انحصاری انگلیس کساری نکرده است. حزب کارگر انگلیس در واقع مدافع ثابت قدم منافع بخشی از بورژوازی انحصاری انگلیس بوده و کاملاً ما هیت ارتجاعی دارد. این حزب نه میخواهد و نه میتواند حتی بقدر سوزنی از منافع طبقه کارگر دفاع کند. بنا بر این وجود حتی هزاران کارگر در یک

حزب دلیل بر کارگری بودن ماهیت آن حزب نیست. بلکه آنچه که اهمیت دارد ایدئولوژی و سیاست حزب است که ما هیت طبقاتی آن را روشن میکند حتی یک جنبش کارگری هم اگر تحت رهبری و هدایت ایدئولوژی سوسیالیستی نباشد که ما هیت بورژوازی خواهد داشت. بنا بر این حزب کارگری میتواند نزدیک حزب بورژوازی باشد اگر چنانچه به ایدئولوژی طبقه کارگری میسر شود.

ما رکیسم - لنینسیم مجهز و مسلح نباشد. حتی اگر یک حزب کمونیست نتواند بطور مداوم بر مبنای ما رکیسم - لنینسیم حرکت نماید، اگر نتواند همواره با نفوذ ایدئولوژی بورژوازی، که بشکلهای مختلف در درون حزب عمل می نماید، مبارزه کند همیشه در خطر است که تغییر ماهیت داده و بسوی بورژوازی تغییر جهت بدهد و سرانجام به ایزاری در دست بورژوازی تبدیل شود. البته آنوقت دیگر چنین حزبی، حزب کمونیست نیست. کم نیستند حزابهی که در یک دوران انقلابات عظیمی را بر علیه سرما به - داری رهبری کرده و به پیروزی رسانده اند ولی سپس به علل گوناگون تحت نفوذ ایدئولوژی بورژوازی درآمده و برآه سرما به داری بازگشت نموده اند ما اکنون شاهدیم که حزب بلشویک لنین و استالین که ما به عظیمی در تاریخ انقلابهای جهان آفریده بود. بدلیل نفوذ و غلبه ایدئولوژی بورژوازی تغییر ماهیت داده و سرانجام به یک حزب بورژوازی تبدیل شد و نخستین کشور سوسیالیستی جهان را به - اردوگاه امپریالیسم کشانید.

۷- ایجاد حزب راستین طبقه کارگر و وظیفه عاجل کمونیستهای ایران و هر کارگر پیشرو است.

قبلا بهمن و سرنگونی سلطنت پهلوی و به دنبال آن بقدرت رسیدن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی یک بار دیگر نشان داد که آزادی توده های زحمتکش از زیر دست سرما به داری و امپریالیسم ممکن نیست مگر اینکه طبقه کارگر رهبری انقلاب را خود بدست داشته باشد. مردم زحمتکش ما اکنون بعد از پشت سر گذاشتن یک جنبش عظیم توده ای و یک قیام مسلحانه برای آزادی و استقلال کشور، در همانجائی ایستاده اند که در راههای قبل از بهمن ماه ۵۷ بودند. اکنون مردمی هستند که نه استقلال و نه آزادی هیچکدام بدست نیامده و با ردیگر سرما به داران، حاکم بر سر نوثت مردم گشته اند. مردمی هستند که آن بحران عظیم سال ۵۷ به سامان نرسیده و هم اکنون بحران عظیم سراپای جامعه را فرا گرفته است.

اکنون همه در مقابل این سؤال فرار گرفته اند که سرانجام این بحران به کجا خواهد کشید؟ طبقات مختلف جامعه ایران هر یک مطابق با اهدافی که دنبال می کنند و بر حسب ماهیت طبقاتی آنان برای این سؤال پاسخهای مختلفی دارند. جناحهای مختلف بورژوازی چه

لیبرالها و چه حزبی هائریک راه حل بحران را در این می جویند که خودشان به تنهایی قدرت را به دست بگیرند و بهتر برگرده کارگران و زحمتکشان سوار شوند. آنها هرکدام قدرت بدون شریک میخواهند تا بهتر بتوانند با روشهای خاص خود توده های زحمتکش را به بند بکشند. از طرف دیگر بخشی از خرده بورژوازی نیز که حرکت سیاسی چشمگیری در سطح جامعه دارد، برای تحقق آمال و آرزو - های خویش به قدرت سیاسی چشم دوخته و کسب آن را هدف قرار داده است. ولی چنین می بیند که با نزدیکی به جناحی از احکامیت (لیبرالها) و حتی دنیا له روی از آنها قاطعاً در است به هدفهای خود برسد.

روشن است که هیچکدام از اینها قادر نیستند به بحران کنونی جامعه پاسخی انقلابی عرضه نمایند.

فقط یک راه حل انقلابی میتواند بحران جامعه را به نفع کارگران و زحمتکشان خاتمه دهد. اما اجرای این راه حل بدون شرکت طبقه کارگر با صف مستقل در مبارزه طبقاتی و بدون رهبری جنبش توسط طبقه کارگر امکان ندارد. اما طبقه کارگر هنوز نتوانسته است که بطور مستقل و با برنامه ای روشن در کتاکش مبارزه طبقاتی حاضر شود. مستقل به این معنی که طبقه کارگر نتوانسته است خواسته های طبقاتی اش را از خواسته ها و شعارهای دیگر طبقات جدا و متمایز بپردازد و حزب طبقاتی خودش را داشته باشد و با تدوین برنامه، به این معنایکه نتوانسته تصویر روشن و همه جانبه از شرایط اجتماعی موجود ارائه نموده و راه و چاره رسیدن به پیروزی را دقیقاً نشان دهد.

در چنین شرایطی ضرورت ایجاد یک حزب انقلابی کارگری (حزب کمونیست) که با تکیه بر استقلال طبقاتی پرولتاریاست دوچندان میشود. منافع طبقه کارگر از منافع تمامی طبقات دیگر متمایز است و به همین دلیل نیریه حزب سیاسی متمایز دیگری احزاب نیازمند است. درست است که در مرحله کنونی یک سری از خواسته ها و هدفهای طبقه کارگر با اقتار میانی و پاشین خرده بورژوازی و دهقانان مشترک است اما هیچوقت نباید از یاد برد که این اشتراک خواسته ها و هدفها نمیتواند دائمی باشد. طبقه کارگر برای سوسیالیسمی جنگد، در حالیکه خرده بورژوازی خواهان نفی مالکیت خصوصی و سوسیالیسم نیست.

همین اختلاف منافع طبقاتی کارگران با دیگر اقتار میانی است که باعث میکند طبقه کارگر حزبی از آن خود، حزبی جدا و مستقل از احزاب دیگر، حزبی با تکیه بر منافع و آرمانهای طبقه کارگر داشته باشد. دیدگاهی که طبقه کارگر با بدانتست، مبارزه طبقاتی انقلابی علیه سرما به داری و برقراری سوسیالیسم است. حزب طبقه کارگر آنگاه سازمان طبقاتی پرولتاریاست که بدون آن کسب پیروزی نهائی

حد قلم از دردی های سردمداران رژیم جنیدوری اسلامی در استان گیلان

کارگران و زحمتکشان ما رزمنگان!
در شرایطی که مملوینها بفرار کارگران و
زحمتکشان از بند فئودرکراسی وی بولی سختی
مسوا سدن کمزن و بچه های خود را سرکنند .
در شرایطی که مملوینها بفرار مردم ما از
اسدانی برین و سائل رندکی و جوارک و سوجاک
محرورم هسند .
در شرایطی که همه ما حقوق کارگران زحمتک
می می کوبه بیا نه اسدانی بول سوسله جمهوری
اسلامی و سرمایه داران بالا کسده ستود .
در شرایطی که
آری در حین سراطی:
اساری اسناد امر جمع دستور مدهده که مبلغ
هکمی اردسترخ کارگران و زحمتکشان راه
سردمداران جمهوری اسلامی جدا حد کند .
خلیل داسانی، رئیس امور شهری و محرابی
و عضو کمیته حزب جمهوری اسلامی گیلان از اسنادای
مبلغ ۴۰۰۰۰۰ تومان بول صدها مبرر مسمن
روبروی اسناداری (حت با واک سانی) را برای
ساختن خانه شخصی و یک واحد مسکن که سس از
۱۵۰ هزار تومان ارزش دارد بعنوان سسکتس
در یافت میکند .
احوان، رئیس کل مالی اسناداری و رئیس
احسن اسلامی و عضو فعال حزب جمهوری اسلامی
۴۰۰۰۰۰ تومان بول، یک خانه مجلل در گلزار،
دوماسن (بولر و سگان) از جمهوری اسلامی
بعنوان یاداش دریافت کرده است .
حسنی مسئول سادسج سوخت رسانی
برای خرید یک خانه ۱/۵ مملون بول، مبلغ
به سیک ما دارا در گلزار مبلغ ۴۰۰۰۰۰ تومان
از اسناداری دریافت میکند .
برزگر آخوندکی از مسئولین سادسج
سوخت رسانی که از زندگان اسناری سمرساند
س از وروده رشت خانه ای به مبلغ ۸۰۰۰۰۰ —
تومان در گلزار را صاحب میکند، در ضمن مبلغ
۴۰۰۰۰۰ تومان از طرف اسناداری و ۴۰۰۰۰۰ تومان
دیگر از طرف بانک اسنای بعنوان دسجول به
این معنور و مرمج سردا حد است .
این است گونه های از دردی ها و حواولهای
سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که خود را
عوا مفریانه حامی "مسئعسن" حاسرند .
سنگ و بفرت بر رژیم عوا مفرت سرمایه و سس!
سرمسار اسناد جمهوری دمکراتیک خلق!
رئیسده سادکمونسیم!
سارمان بیکا ردر راه آزادی طیفه کارگر
تشکلات گیلان ۶۰/۳/۱۲



میشود، به طور آگاهانه به مبارزه طبقه‌ای رو
می آورد و ابزار زمانی آنرا سیر که حزب طبقه
کارگر یا حزب کمونسیت است، بوجود می آورد .
■ حزب طبقه کارگر یا حزب کمونسیت، عالینترین
تشکلات کارگری و پیشوای سیاسی این طبقه
است . حزب کمونسیت بیا نگر مافج و سما بنده
واقعی کارگران و زحمتکشان بوده و ابزار کسب
قدرت سیاسی و همچنین حفظ و تحکیم است .
■ حزب طبقه کارگر سنا دجکی و دسده متشکل
برولتا ریاست که سنا انصبا ط آهین خود سما بستر
قدرت و ولایت برولتا ریاست بوده و فاداست بیا
سبج بوده های هر چه وسیعتر، مفر متشکل
بورژوازی را در هم شکسته و نظام نوین یعنی
سوسالیم را برقرار سما بد .
■ حزب طبقه کارگر در این راه، سار زمانهای
نوده ای کارگری (سندیکا ها، اتحادیه ها و ...)
را بر بر ریزی خود گرفته و آنها بعنوان اهرمی
برای به حرکت در آوردن توده کارگران برای
سرنگونی سرمایه داری اسفاده مینماید .
■ آنچه که در مورد حزب طبقه کارگر اهمیت تعیین
کننده دارد، سما مونا بلوی آن بلکه مصلحت
طبقه‌ای است .
■ در شرایط کنونی جامعه ایران ایحاد سساد
رزمنده طبقه کارگر اهمیت فوری دانسه و
وظیفه عاجل کمونسیت است که برای ایحاد این
حزب آستینها را بالا بزند .

به این سئوالات پاسخ دهید:

- ۱- موقعیت کارگران منفرد یا کارگرانی که
بطور دستجمعی کار می کنند چه تفاوتی دارد .
- ۲- مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر را
تعریف کنید و ارتباط آنها را با یکدیگر مورد
بحث قرار دهید .
- ۳- سازمانهای توده‌ای کارگری چگونه بوجود
می آیند و چه وظایفی را عهده میگیرند ؟
- ۴- چرا طبقه کارگر تنها با نیروی خود قادر
نیست به سوسالیم دست بیا بد ؟
- ۵- متخعات اصلی حزب طبقه کارگر کدامند ؟
- ۶- رابطه حزب با سازمانهای توده‌ای چگونه باید باشد ؟
- ۷- ضرورت ایحاد حزب کمونسیت در شرایط
کنونی ایران از کجاست میثود ؟

این منابع را بخوانید:

- ۱- لنین - چه باید کرد (بخصوص فصل دوم سدهای الف و ب)
- ۲- اسنلین - مسس سسینیم (جلد اول - فصل
هشتم - حزب)
- ۳- اسناد کمینترن - اتحادیه های کارگری
بیا ددا شنها :
- ۱- اسناد کمینترن - اتحادیه های کارگری
- ۲- لنین : اتحادیه های کارگری
- ۳- لنین : چه باید کرد
- ۴- لنین : گرایش فبهرائی در سوسال دمکراسی روسیه
- ۵- لنین : چه باید کرد
- ۶- اسنلین : در باره اصول سسینیم
- ۷- لنین : چه باید کرد .

ممکن نخواهد شد. بهمین دلیل است که میگوئیم
ایحاد حزب طبقه کارگر در شرایط کنونی جامعه
و طبقه فوری کمونسیتها و کارگران پیشرو ایرانست.
نا گفته پیدا است که لزوم وفوریت ایحاد
حزب بیا بیدا را به سوی سرمبندی کسردن
تشکلاتی بنا م حزب سوق دهد. ما خواهان تابلوی
حزب سسینیم. ما حزبی میخواهیم که مجهز به
تئوری انقلابی باشد، ما حزبی میخواهیم که
پیشروترین کارگران و انقلابی ترین روشنگران
را در خود جمع نموده و سده در حرف بلکه در عمل
بیا هتگ توده ها باشد. ما حزبی میخواهیم بیا
وحدت اراده و عمل که در جنگ با بورژوازی چون
تنی واحد عمل کند. حزب راستین طبقه کارگر
چیزی نیست که سنا تصمیم گیری این با آن گروه و
سازمان کمونسیتی سنا اند بوجود آید. جنسین
حزبی در صورت تشکیل آن، راه نیافتاده سقط
خواهد شد. جنسین حزبی سنا ناشی مقابله با مفر
متشکل بورژوازی را نخواهد داشت .
بیا کسنگی و اختلاف نظرای گروهها و
سازمانهای کمونسیتی چنان نیست که بیا سنا
آنها را نا دیده گرفت و بدون حساب و کتاب و
عقولانه دور هم جمع شود و سنا مطلق حزب کمونسیترا
برپا داشت در طی همین دوسال گذشته تجربه
اینگونه دور هم جمع شدن با خوبی نشان داده
است که آن وحدتی که برپا به اصول روشن و دقیق
نساند، دبیری نخواهد بیا شد و به همان آسانی که
بندست می آید، از دست خواهد رفت. حزب طبقه
کارگری بیا بیا سنا بیا بوند بیا جنسین کارگری و در
درجه اول جلب آگاهترین و پیشروترین کارگران
به صفوف خود از یکطرف، و تدوین خط مشی و برنامه
عملی بر اساس تئوری انقلابی مارکسیسم -
لنینیسم و تصعیه صفوف خویش از طرف دیگر بوجود
آید. سنها جنسین حزبی است که مینو اسداز کوران
مبارزات حادی که بیا سنا روی ماست سربلند
بیا رون آمده و بیا گردآوری توده های وسیع
زحمتکشان بگر دیر جم خویش، در سیردی قطعی با
استثما رگران داخلی و خارجی قدرت سیاسی
را بدست گیرد. این است سنها راه نجات طبقه
کارگر و توده های زحمتکش ایران! این است
بیکانه پاسخ انقلابی به مهران کنونی کشور!

۸- نتیجه گیری از آنچه گفته شد:

- موقعیت کاروندگی کارگران چنان است که
خود بیا نجات آنها را بدست می آورد .
- سندیکا ها و اتحادیه های کارگری آنچنان
سازمانهای توده‌ای هستند که برای بیا کسنگی
به نیازهای اقتصادی طبقه کارگر بیا وجود می آیند .
- این سازمانها اگر چه در سنا می مراحل مبارزه
طبقه کارگری از ابزارهای مهم است، لکن
قادر نیستند بیا را محدود و سنا م سرمایه داری
بیا رون بگذارند .
- طبقه کارگر بیا آگاهی و تجربه ای که در جریان
مبارزات خود بدست می آورد و بیکم آگاهی
سوسیالیستی که از سیا و در جنسین کارگری

لایحه قصاص: (قسمت آخر) نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم

قانون بریدن دست دزد نمی شود و با در ایران اسلامی اختلاس های میلیونی بنا دستمستغفان و تجاری که طی یکسال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده اند و با تاجری که در یک معامله آهن، ۱۵۷ میلیون تومان سود برده و دولتی که بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار از بیت المال را به آمریکاها بخشیده است از قانون بریدن دست دزد معاف میگردد. این عداوت که از طبقه ای بودن این قوانین که بیخفاً سرمایه داران و استثمارگران و به ضرر زحمتکشان وضع شده و وضوح بیشتر بر ما آشکار میشود.

در حالیکه از سخنان "برادر مکتبی" حسابی دل آشوب گرفته ایم به سراغ صحنه های دیگر میرویم:

عربستان سعودی هم با طراوتی که برخی از قوانین اسلام منجمله همین بریدن دست دزد اجرا میشود، هیچکس جرأت دزدی پیدا نمیکند و تاجر، هنگام نماز، مغازه ها را، باز، رها میکنند و بر میگردند و به اموالشان هیچکس "تعدی و تجاوز" نمیکند. "برادر مکتبی" با لبخندی رضایت آمیز، "بشارتی" هم با میوه که الهام الله ما هم در ریم قدم در راه اجرای قوانین "ابدی و الهی" میگذارد و روسا غرور و افتخار از روی روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۶۰/۳/۱۲ برایمان میخواند:

"دادگاه انقلاب اسلامی به شهر فردی بنام صیدا نلورا که میادرت به سرقت یک کیسه سیبزرگ برنج، ۹۹ قوطی روغن و یک کیسه تا بدو در رختشویی نموده بوده قطع چهار انگشت دست راست محکوم

ما تا کنون بارها نمونه های از مواد لایحه قانونی قصاص، عمق ماهیت ارتجاعی رژیم و قوانین مصوبه آن و گنبدگی منشأ تاریخی این قوانین را نشان داده ایم. در ادامه این سلسله مقالات، ضمن محکوم کردن تلاشهای مذبحانسه بهشتی و شرکا، برای توجیه این لایحه و حقنه کردن آن به توده های زحمتکش، صحنه های ارتجاعی را ترسیم می کنیم که در صورت اجرای قوانین قصاص پدید می آید. با تصویر چنین صحنه های، کارگران و زحمتکشان ما بیش از پیش درک خواهند کرد که رژیم جمهوری اسلامی تا چه اندازه ریشه در توحش و بربریت دارد و تا چه حد وابسته به عقب مانده ترین اندیشه های جوامع ابتدائی بشری است. کارگران و زحمتکشان بیش از پیش خواهند فهمید که مبارزه با این رژیم بعنوان سمبل و نمونسه اندیشه های ارتجاعی قرون وسطائی، تا چه حد حیاتی است. آنها عمیقاً پی خواهند برد که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نه تنها دست آورده های قیام شکوهمند بهمن بلکه حقوق اولیه ای را که مدها سال است زحمتکشان با مبارزه ای خونین کسب کرده اند نیز بر پا گذاشته است و به همین دلیل نباید حتی یکدم از افشا و محکوم کردن آن خودداری ورزید.

اکنون همراه ما این صحنه های چندش آور و فاجعه آفرین را تماشا کنید. ما از تکرار صحنه های حاصله از مواد که قبلاً مورد بحث قرار داده ایم خودداری نخواهیم کرد.

پیدا ری از "مدینه فاضله" آقایان خمینی و بهشتی!

فرض کنیم "جامعه اسلامی" مورد نظر آقای خمینی زیر پرچم ولایت فقیه برپا شده است و قوانین اصیل اسلامی "مثلاً همین لایحه قصاص" در آن به مورد اجرا گذارده میشود. آنچه خواهد دیدیم "بهشت موعودی" است که در این دنیا وعده اش را میدهند. با سفر را می بینیم و به سوی آن نهضت حرکت میکنیم البته آقایان خمینی و بهشتی به ما وعده میدهند که آن شهرچندان دور نیست بلکه قرار است همین شهر و همین کشور خودمان باشد.

۱- به دروازه شهر میرویم. با تعجب چشمان به دستی بریده می افتد که در کنار جاده ورودی شهر آویزان کرده اند. دستی است لاغر و پینه بسته و چین و چروکهای ناشی از رنج و کار روزندگی بر آن آشکار است. معلوم است که اینها برای عیبت دیگران به تماشا گذاشته اند. ما از حیرت دست بردنمان گرفته ایم که ناگهان "برادر مکتبی" معنای این صحنه را حل میکند و توضیح میدهد که بر طبق قوانین "عادلانه و انسانی و سراسر رحم و شفقت" جامعه اسلامی، دست دزد باید بریده شود. "برادر مکتبی" به قرآن (سوره ۵ آیه ۳۸) اشاره میکند که گفته است (۱): "السارق والسارقه فاقطعوا ايديهما" (یعنی دزد را چه مرد باشد و چه زن، دستش را قطع کنید). "برادر مکتبی" برای آراش هر چه بیشتر خرافات مثال آورد که در



کرد...!

در گوشه یک میدان عده ای جمع شده اند و یک روحانی با قیافه خالقی که گویا حاکم شرع شهر باشد هم حضور دارد. شخصی که نگاه ای از گوش او کنده شده با قیافه ای ظلمکارانه ایستاده و آماده است تا گوش شخصی دیگری را ببرد. حاکم شرع به ارشاد خود ادامه میدهد: "طبق ماده ۶۹ چاقورا تیز کن!" و ناگهان شخصی با یک سوهان سر میرسد که شغل او جاقورتیز کردن برای همین کارهاست. جاقوکه تیز شد حاکم شرع با زیر آس همان ماده ۶۹ توصیه میکند که "درست با اندازه ای که گوش ترا بریده با بدببری نه بیشتر، نه کمتر! از عدالت نبا بدخار ج بشوی" (!) و گوش طرف بریده میشود! حالا از شرکت این قانون بجای یکی، دو آدم گوش بریده دیده ایم!

برادر مکتبی اضافه میکند که الحمد لله قوانین اسلامی در چند شهر دیگر منجمله کرمان تا کنون چند بار اجرا گردیده است. اما در حالیکه اویسک خطبه های نماز جمعه و گویندگان رادیو تلویزیون برای ماداد سخن میدهد، ما بیاد این مسائل می افتیم که چگونه در عربستان سعودی، زکی بمانی ها و بانکاران و تاجران، شمشول

(۱) - حدسرت هنوز در بخش های از لایحه کسه تقدیم مجلس شده وجود ندارد و دولتی بدون شک آنرا که از اهمیت خاصی برخوردار است پس از مساعرت شدن حوساسی موجود (?) تقدیم مجلس خواهند کرد. این قانون عملاً در کرمان و چند شهر دیگر اجرا شده است.

حیرت‌زده از این جا دور میشویم. جماعتی دیگر در گوشه یک پیاپه رودیده میشود. به تماشا میرویم پیرمردی آبله رو که یک چشم بیشتر ندارد افسرده در میان جمعیت ایستاده است و به حکم حاکم شرع، میخوابد چشم دیگرش را نیز کور کنند. "سرادری مکتبی" را پیدا میکنیم و با نا احوالی از او می پرسیم چه خبر است و او با شور و خوارت و در حالیکه با دست محاسن خویش را لمس میکند برای ما توضیح میدهد:

طبق ماده ۷۰ لایحه قصابی "هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند قصاب میشود گرچه چاهانی بیش از یک چشم نداشته باشد و قصابی نباشد" و

دورانی که در برابر "جرم" بطور فردی انتقام گرفته میشده و مناسبات تولیدی و اجتماعی مراحل تکامل و پیچیدگی خود را طی نکرده بوده تا وقوع جرم در چهارچوب مناسبات اجتماعی (ونه فردی) مورد بررسی قرار گیرد. اگرخواهیم قضیه را با منالنی ساده کنیم، میتوان گفت که پدیده انتقام گیری بین دو فرد، حکم تاج پشاج شدن دو حیوان را داشته است. میش قمرقوانین متروکه قرون وسطائی و تلاش رژیم برای پیاده کردن آن در جامعه انقلابی ما، تنها حکایت از عقب ماندگی مفرط و ارتجاعی بودن رژیم می دارد که امروز با تکیه بر تاکتیک‌های توده‌ها قصد سرکوب مبارزان کارگران و رحمتکشان و

بیشتر به عمق ارتجاعی این قوانین و طبقاتی که آنرا ساخته و اجرا میکنند پی میبریم: در گوشه‌ای از یک خیابان عده‌ای فالانز و حزب الهی جمع شده اند و فریاد میزنند "توهین کرده، دشنام داده...، جلومرویم، معلوم میشود یک کارگر چمتکس با یک سرمایه دار اختلاف حساب پیدا کرده بوده و سرمایه دار و فسی همه حیلله‌هایش برای چابیدن آن کارگر خاکی نرسیده به "حدش پیغمبر" قسم خورده است و کارگر از فرط ناراحتی به خدا دشنام داده است و حالا می خواهد بر اساس ماده ۲۳ لایحه قصابی، او را بخاطر همین دشنام دادن به پیغمبر بکشند! اینها را "سرادرمکتبی" بر اساس توضیح مناد و منافرو که این فرد شرعاً قبل از واجبات و کسی او را بکشند اعلام گناهی ندارد. آنوقت برای آنکه ما را از "تعجب و حیرت" بیرون بیاورد ماده مزبور را بر ایمان می خواند:

"ماده ۲۳- قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقنول شرعاً مستحق کشتن باشد، پس اگر مسحق قتل باشد، مانند کسی که به بیابا میراکرم (ص) یا ائمه اطهار (ع) یا حضرت زهرا (ع) دشنام دهد... قصابی قاتل حائز نیست." (یعنی سعی -

توان قاتل را کشتن قصابی کرد.) "سرادرمکتبی" در حالیکه در "اشکات مترقی بودن" و "تشریحی و تفسیری بودن" اس فاسون برای ما داد سخن میداد و ما را "رشاد" میکرد به بکتدگیری از همین ماده ۲۳ برنا زانه نمود و آنرا بیکه اگر کسی، مردی را در حال زنا با زن خود ببیند میتواند هر فردی آنها را بکشد و از محاربات هم معاف باشد. سرادرمکتبی برای آنکه ما زیاد تعجب نکنیم و ما را بتدریج با "حقایق" آشنا سازد اضافه کرد که "البته شخص قاتل باید بعداً در دادگاه ثابت کند که آنها واقعاً در حال زنا بوده اند" ولی ما که به حرفهای او گوش میکردیم بر ایمان این سوال باقی ماند که "آنها اگر نتوانستند زنا کاری آند و نفرات ثابت کند، آنها قصابی میشوند آند و نفرات دوباره زنده کنند؟! " ولی نهمه ماده ۲۳ که به ما نشان داده شد دفاع ندیم که اینها همه "قانونی است و شرعی!"

در حالیکه ما از اینهمه "عدالت" و "ترقی" نهفته در این قوانین مات و مبهوت شده بودیم عده‌ای را دیدیم که به سوی یک میدان رهسار بودند، بلندگو بر اساس ماده ۱۳ لایحه قصابی مردم را به تماشا برای اجرای حد فرامیخواند و شما زهای "دادگاه اسلامی" برپا میگردید! "اراس عده شنیده میشد. بدنیال آنها راه افتادیم به میدان رسیدیم. فردی به جند "جرم" محکوم شده بود. او یک جوان کشا و رزید که پس از مدتی بگویم او اعای انجمن اسلامی روستای خودشان منتهی بر اینکه با بدست ارباب سابق را از روستا ثلثان کوتاه کرد، کارشان به دعوا کشیده، او وسیله محکمی به گوش رئیس انجمن زده و با برتاب سنگ دندان میا شریا سابق ارباب را که الان جاسی "مکتبی و انقلابی" شده نگهش بود. چند نفر از

● ما باید این میافتیم که چگونه در عربستان سعودی، زکی یعنی ها و پانکداران و تجار مشمول قانون بریدن دست دزد نمی شوند و یاد در ایران اسلامی اختلاس های ملیونسی بنیاد مستضعفان و تجاری که طی یکسال گذشته ۱۲۰ ملیارد تومان سو دبرده اند و پسا تاجری که در یک معامله آهن، ۱۵۷ ملیون تومان سو دبرده و دولتی که بیش از ۲۰ ملیارد دلار از بیت المال را به آمریکا بپاشید، است از قانون بریدن دست دزد معاف میگردد. اینجاست که راز طبقاتی بودن این قوانین که بنفع سرمایه داران و استثمارگران و به ضرر رحمتکشان وضع شده با وضوح بیشتر بر ما آشکار می شود.

● نیش قمرقوانین متروکه قرون وسطائی و تلاش رژیم برای پیاده کردن آن در جامعه انقلابی ما، تنها حکایت از عقب ماندگی مفرط و ارتجاعی بودن رژیم دارد که امروز با تکیه بر تاکتیک آگاهیه‌های توده‌ها قصد سرکوب مبارزان کارگران و رحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی و مترقی دارد. نقش این قوانین، همانند گذشته، خدمت به طبقات استثمارگر و توتنگ تر کردن حلقه زنجیر برد ستیهای رحمتکشان و نصب شمشیرد مولکس بر بالای سر آنان است.

سروهای کمونیستی و انقلابی و مترقی دارد. نقش این قوانین، همانند گذشته، خدمت به طبقات استثمارگر و توتنگ تر کردن حلقه زنجیر برد ستیهای رحمتکشان و نصب شمشیرد مولکس بر بالای سر آنان است.

ما در این فکرها بودیم ولی "سرادرمکتبی" به حرفهای خود ادامه میداد که "در آینده نزدیک ما بعد از قاتل بوجهی افراد بدینی برسند، دندان شکسته و غیره خواهد داشت که همگی به دستور حاکم شرع حکم قصابی در باره شان اجرا شده است تا عبرت سایرین گردند!" ما از زشتی و شناخت این قوانین و از صحنه‌های قضایی و جلادی که در نتیجه اجرای آنها پدید میاید، کینه‌ای عمیق و انقلابی علیه ارتجاع و طبقات ضد خلقی در خود احساس میکنیم این طبقات با این گونه قوانین دست آفتاب به "دزد" ها و "مجرمین" عادی را که خود از قربانیان جامعه طبقاتی هستند قطع میکنند با اصطلاح محازات مینمایند و در مقابل، خوددنه تنها از "برکت" این قوانین، در این دنیا از "نعمات الهی" برخوردار میگردند بلکه با اصطلاح "حیرت و میرات" و "واقف" و "تأقیات الصلحات" و "سماز و روزه و وحی که پس از مرگشان برای آنها خرید میشود" از "برکت" تشریحی گرانقیمت خود در "ماکن مقدسه"، بهشت، آن دنیا "را هم نصیب خویش میکنند! از این صحنه میگذریم و حالست اینکه هر صحنه‌ای را که پشت سر میگذرانیم،

می افزاید که این شخص اگر چه بیش از یک چشم ندارد ولی چون طی یک دعوا بر سر آب مزرعه موجب کور شدن چشم همسایه اش شده باید چشمش را کور کرد و در همین حیص و بیصی ماصدای فریاد میسر مرد را میشویم. جلومرویم دارند تنها چشمش را با جاقواز حدقه بیرون میآورند. صحنه‌ای دلخراش است، ولی جماعت ایستاده تکبیر می - گویند. پیرمرد ارشد در در حال میروند. او را از روی محبت (و البته بیمارتان میرساند تا از خوریزی بیشتر جلوگیری شود) به این ترتیب پیرمردا گرزنده میماند تا آخر عمر کور خواهد بود! "سرادرمکتبی"، برای ما و مردمی که با شعروا سر جاشا هدم صحنه بوده اند توضیح میدهد که اجرای "عدالت" چنین حکمی نمابود و افسانه میکند که این در واقع حکم قرآن است و با اادی که به عیب انداخته برای ما آیه ۴۵ از سوره مائده را می خواند:

"وکنسنا علیهم فیها ان النفس بالنفس واللعین باللعین والانیف بالانیف والاذن بالاذن والس بالسن والحروج قصابی" (یعنی واجب کردیم بر آنان که جان را در برابر جان، چشم را در برابر چشم، بینی را در برابر بینی و گوش را در برابر گوش و دندان را در برابر دندان قصابی کنند، همینطور زخم در برابر زخم) منتا پیدایش اینگونه قوانین، بخوبی سر ما آشکار بود، آنها متعلق به دوران استبدادی تاریخی بشر و سوزنده شیوه زندگی قبیلله‌ای است.

مقیه در عهده ۲۲



جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۹ حزب خائن...
ارسی دیگر دولت را "اقدام مکان افزایش دستمزدها بصورت بولی" جلوه میدهند. بعبارت دیگر گفته "توده ایها" اگر چه زندگی کارگران با این میزان دستمزد غیر قابل تحمل است، و سرتاسرها میبایست آنرا تحمل نمایند!

اما بسیم در این لفاظی ها چه هدفی فرار دارد؟ واقعیت این است که روبرویونیست های کهنه کار بوده ای به "لطف" سالها خیانت به منافع طبقه کارگر، در بافته اند که چگونه در پیش حملات دوپهلوی، منافع بورژوازی را با ساداری نمایند. آنها در شرایطی که بر اثر افزایش رور-افرون قیمتها، غیر قابل تحمل شدن زندگی کارگران و زحمتکشان با پوست و گوشت خود لمس میکنند، به تکرار ساده این واقعیت میپردازند تا تحت پوشش آن بلافاصله هدف اصلی آن را که جبری جز رعایت کارگران نیست، پس دادن به شرایط موجود و در مقابل سهم و استعمار بورژوازی نیست، تبلیغ نمایند. آنچه را هم که بعنوان "دلیل" ذکر میکنند عینا همان "دلایل" رژیم است. سعی و صنعت افتخار دحسرا ن رده جامعه که در اثر شکست دیدگشها است. در صورتیکه مصادیم بحران اقتصادی جامعه در اسر خود مربوط میشود کندی یکی سیم سرما به داری و استنه، یعنی همان سیمی که رژیم جمهوری اسلامی در صدد تثبیت و تحکیم آن است. بنابراین بحران موجود در راه حل دارد که اولی راه حل انقلابی است و منجر به نابودی سیستم و حاکمیت کارگران و زحمتکشان میشود و دومی راه حل مداخلاتی که موجب مرکوب انقلاب برای مدتی و تحمل فقر و فلاکت بیشتر میگردد کارگران و زحمتکشان میگردند و این همان راه حلی است که رژیم جمهوری اسلامی، روبرویونیستهای خائن و تمامی نیروهای مداخلاتی در پی آنند تا هر یک بسود خود بیهوش شود آنرا در پیش گیرند.

روبرویونیستهای توده ای همدا با رژیم در شرایطی دم آزی بولی دولت میزنند که طبق گفته مهندس بحاسی، در سال گذشته بحران ایران بیش از ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده اند! و منافع هنگفتی صرف خرید اسلحه، کمک به روحانیون "برای تبلیغ و عوام فریبی... گردیده است. روبرویونیستهای توده ای از سالیان بردن قدرت خرید کارگران از طریق "فروش کالا" های اساسی به کارگران و زحمتکشان چه از طریق سواسی های مصرف کارگری، چه فروشنده های

■ نامه مردم ۱۰ خرداد ۱۳۶۰ - تاکیدهای دوخطی از "بیکار" و یک خطی از "مردم" است.

دولتی، تعاونی و حتی خرده فروشها" صحبت مینمایند، در صورتیکه با توجه به هدف رژیم ارتشیت دستمزدها، یعنی انتقال هر چه بیشتر فشار بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان، روشن است که دولت به نحو هدونه میتواند که سطح زندگی و معیشت کارگران را از طریق فروش ارزان کالاهای مورد نیازشان، تامین نماید. بعبارت دیگر با توجه آنکه کارگران دستمزدشان را صرف خرید مایحتاج زندگیشان مینمایند چه دستمزدشان افزایش یابد چه کالاهای مورد نیازشان به قیمت نازل در اختیارشان قرار گیرد، نتیجه یکی است و آنهم عدم پیشش از پیش سطح زندگیشان. بنا بر این اگر رژیم جلوی افزایش دستمزدها (که با توجه به عدت نورم لروماً بمعنی افزایش سطح زندگی کارگران نیست) را منگیرد، اقدام به فروش کالای ارزان به کارگران نبرخواهد کرد. (در صورتیکه اگر هم به منظور فریب کارگران به جنس اقداماتی دست بزنند، بنا بر محدود و نامانی خواهد بود که نمیتواند - کسوف نفا ونیهای کارگری عملا چنین کرده اند) این نکته را روبرویونیستهای توده ای نیز به حوسب میدانند. منتها برای مخدوش کردن علت واقعی عدم افزایش دستمزدها ارسوی رژیم از یکسو و خود را حامی کارگران و زحمتکشان سان دادن ارسوی دیگر، دست به لفاظی و عوام فریبی میزنند.

خائنین بوده ای در همین سوسه خود سوسه روسی سان میدهند که با هدف سرما به داران، یعنی استعمار هر چه بیشتر کارگران، با رژیم حاکم موافق دارند. آنها می نویسند:

"اصل پرداخت دستمزد نامتنبی بر کار ناسند و خوش آبنداس با آن ارکان. برای تشویق کارگران به رعایت انضاط کار، وسائل تنوعی دیگری وجود دارد که مایند از آنها کمک گرفت."

بدین ترتیب روبرویونیستهای توده ای، دولت را "راه نمائی" میکنند که برای استثمار هر چه بیشتر کارگران و وادار کردن آنها (تسویق) به "رعایت انضاط کار" (در واقع سن دادن به نظم سرما به داران)، دستمزد را "متنبی بر کار" کارگران پرداخت نماید. یعنی هر چه کارگر بیشتر کار کرد و سود کلانتری به حسب سرما به داران ریخت، برای دلخوش کردنش ذره ای بیشتر بوی دهد! بدین ترتیب اینس نوکران بشیرم سرما به، رسما و عملا دولت سرما به - داری را به برپا داشتن شیوه وحشیانه استثمار کارمزدی (حال تحت هر آب و رنگی که باشد)، ترغیب مینمایند، شیوه ای که منجر به دادن زدن رقابت مابین کارگران و در نتیجه ارسین رفتن اتحادشان میگردد، شیوه ای که در اثر مسازات طبقه کارگر ایران در سبب اری از مناطق صنعتی ریشه کن گشته است. آری، این است جلوه ای دیگر

از سازمانها و ارتجاعی روبرویونیستهای خائن! امروز روبرویونیستهای خائن در شرایطی بسیار ر رژیم جمهوری اسلامی بر میخیزند، که تشدید بحران اقتصادی و سیاسی جامعه، توده ها را روبرویونیستهای روبرویونیستهای خائن بسیار بیشتر رویا روشی رژیم حاکم و مداخلاتی میکشاند. از همین روست که ما شا هدمگترین شغرف کارگران و زحمتکشان از این نوکران سرما به هستیم، شغرفی که هنگامیکه به طمان انقلابی تبدیل شده، بساط این خائنین را به همراه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی درهم خواهد کوبید.

اخبار کوتاه

■ در خرداد ماه کارگران رور مزد فملسی دور آه ن پس اریک الی دوسال کار (هسوزیه استخدام رسمی در سبامده) حکم اخراج میگیرند. (ضمیمه بیکار و فولادگر شماره ۹)

■ بعد از یک ماه معافیت و مبارزه کارگران مبارز کارخانه می می کو (در گیلان) جهت دریافت چهار ماه حقوق عقب افتاده، مدیریت عامل مزدور کارخانه در تاریخ ۹/۳/۶۰ تن از کارگران مبارز را اخراج مینماید.

■ هم اکنون در کارخانه پوشش بخشا سهای از طرف مدیریت عامل مردور صا در شده است که اگر کارگری یک روز غیبت کند، سه روز حقوقش را سوا هم داد و با ۲ روز غیبت کند، هفت روز حقوق او را سوا هم بپردازد و با اگر سه روز غیبت کند آنها را کارخانه اخراج خواهد کرد. (بیکار ساج شماره ۲)

■ جمعه کاری و اضافه کاری کارگران شهرداری اهواز قطع شده و درآمد آنها علاوه نصف کاهش یافته است. (اعلامیه تشکلات خورستان سازمان)

■ طبق بخشنامه ای در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ارسوی "فیضی" شهردار حزبی مشهد، تا گذشته است که فوق العاده، اما فکاری، شنکاری تعطیلات رسمی، جمعه کاری، هزینه ها رونا مو... کارگران شهرداری، از تاریخ صدور بخشنامه قطع میگردد. (هواداران سازمان بیکار - خراسان)

■ یکماه از دستگیری کارگران مبارزیندر خمینی میگذرد. کارگران پس از ۲۰ روز اجازه ملاقات با اقوام درجه یک خود را پیدا میکنند.

■ بعد از ریختن اعلامیه "بسام کمیته ما زندران سازمان" در بین کارگران معدنچی زسرت آب و حمایت کارگران از آن، رژیم هراسان از نفوذ سازمان در بین کارگران، تمام مسیجی های زیر آب را با خطر اینکه نتوانسته اند بیخ کنندگان اعلامیه را دستگیر نمایند، تنبیل وسی عرضه خوانده و آنها را به پیل سفید منتقل کرده و سببهای بل سفید را به سرت آب می آورد. هم اکنون زسرت آب

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

اهداف سرکوبگرانه رژیم از ایجاد "بنیاد امور جنگزدگان"

ایدئولوژیک - سیاسی را بنا بر دیدگاه خود همجنین قرار است از طریق ارتباط با سازمان سرسپیدی و اداره کل ارشاد ملی، تعدادی استخوان‌سالن ورزشی در اختیار این نهاد قرار گیرد. جنگزدگان مبارز!

رژیم مدخلی جمهوری اسلامی سیاست تان شیرینی و جاق را جهت سرکوب جنبش آوارگان در پیش گرفته است و از آنجا که نمیتواند تنها با رویا روشی مستقیم آوارگان، کاری از پیش ببرد، لذا از طریق ایجاد مراکز فکری نظیر "بنیاد جنگزدگان" و "سناد فرهنگی..." در صدد مقابله با فرهنگ انقلابی برآمده و در این راه حتی در آنجا که فضا دوفضا نیز با حمایت غیر-مستقیم عاملین این برنامه‌ها، دست دارد. تحريم برنامه‌های "سناد فرهنگی..." و افشای سبدهای اهداف رژیم و همچنین اخراج کارگزاران رژیم و نوکران آنها - توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها - از خوابگاهها، باندیکی از خواسته‌های مادر این مرحله‌هاست.

نقل با اختصار از خبرنامه محلی بیکار (۶)
تشکیلات شیراز - سازمان

اخیراً رژیم جمهوری اسلامی که از مبارزات جنگزدگان مبارز و جوخه افشاده است، اقدام به تشکیل ارگان سرکوب دیگری بنام "سناد جنگزدگان" نموده است. این بنیاد دارای شاخه‌های فرهنگی - سیاسی - مالی و روابط عمومی و... میباشد که هر یک بنام "سناد" مشمول کارند. "سناد فرهنگی بنیاد جنگزدگان" وظیفه کنترل و جلوگیری از رشد مبارزات جنگزدگان و ایجاد کانونهای حاسوی و نفیشتن عقاید بددین جنگزدگان از طریق تشکیل کلاسهای حیطی، گلدوزی آموزشی و کتب خاصه را بر عهده دارد. سخنی دیگر از فعالیت‌های این "سناد"، نمایندیت فیلمهای ارتجاعی است. "سناد فرهنگی" ارتباطات تنگاتی با "بنیاد فرهنگی امام" دارد و مبلغ فرهنگ ارتجاعی و خرافی بوده و سرودهای ارتجاعی "مکتبی" را تهیه میکند. گردانندگان این "سناد" به اعتراف خود کربمی سرپرست این سناد که در روزنامه "حمیر" شماره ۳۵۷، تاریخ ۶۰/۳/۱۰ درج شده است یا ساداران جهل و سرمانه و مورخین آموزش و پرورش میباشد که اردوهای تانستانسی ۱۵ روزه را قبیل اردوهای علمی، ورزشی و کلاسی

بنیاد از صفحه فوطه‌های...

در هم تکتست هوا دهند. انقلابیون و کمونیست‌های ایران در کجای کاهای ساواک و "کمیته رژیم شاه" جلایا با یاداریهای حماسه آمیزین، نتوان دادند که در راه رهاشی زحمتگان و بیسوزوی انقلاب هرگز آریای بخوانند دست دلاوریهای قهرمانانه انقلابیون راستین میهن در طول حاکمیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و در برابر فوطه‌های گوناگون رژیم و مزدورانش سرکوبی عهدی میانی است که کمونیستها و روهروان راه رهاشی زحمتگان در داد مسراه از صبح جاعسانی در صبح بخوانند کرد.

کمیته مرکزی		امانریجان	
زینت	۶۰۰۰	سیریز	۲۰۰۰
زاهدان	۱۶۰۰۰	آرش - ف	۲۰۰۰
زندانسان سیاسی هوادار	۱۶۰۰۰	اکندر	۲۰۰۰
گنهران	۲۳۹۰۰	اکبر	۳۰۰۰
الف	۲۱۲۰	اکسیر ۱۹۱۷	۲۰۰۰
ب	۵۰۰	ب - کارگر	۲۰۰۰
ب - آرام - ع	۵۰۰	بک	۲۰۰
ب - دون گد	۱۰۰۰	جواد	۲۰۰
ب - و	۱۱۰۰	حسن	۵۰۰
تسلیمات	۵۰۰۰	حیدر	۵۰۰
بورج	۲۹۰۰۰	دو - دگوشواره	۱۰۰
ج	۷۰۰۰	رضا	۲۰۰
جمع با بکها	۲۲۵۰۰	غلامرضا	۱۰۰
جمع تشکیل دهندگان	۲۲۵۰۰	فرهاد	۱۰۰
کانون خانواده‌های زندانیان	۹۱۰۰	ک	۱۱۲۰
سیاسی نهاد	۱۶۰۰۰	ک - قارا	۲۰۰۰
ج - ب	۳۰۰۰	منانه	۲۰۰۰
خانواده ش - الف هکتی	۳۰۰۰	م	۹۱۰۰
خبروروزه	۱۰۰۰۰	م	۱۱۰۱۰
د - د - ع	۲۵۰۰	معلم	۱۶۰۰
رحیمی	۱۰۰۰۰	میان و آب	۱۶۰۰
ر - م	۵۰۰	الف	۱۰۰۰۰
ر - م	۱۰۰۰	ب	۱۱۰۰۰
س	۸۱۰۰	ب	۱۲۶۰۰
سار - ر	۵۰۰۰	ج	۱۰۰۰۰
سید - استاد	۱۰۰۰	د	۸۷۰۰
س - ک	۵۰۰	ر	۱۱۲۰۰
س	۲۰۰۰	ز	۱۰۰۰۰
س - ک	۱۰۰۰۰	س	۱۰۵۰۰
س - ک	۱۰۰۰	س	۱۰۸۰۰
س	۲۰۰۰	س	۹۸۰۰
س - ک	۱۰۰۰۰	س	۱۰۶۰۰
س - ک	۱۲۷۱۰	س	۸۹۰۰
س - ک	۵۰۰۰	س	۱۲۲۰۰
س - ک	۱۰۰۰	ع	۵۰۰
س - ک	۱۰۰۰۰	ع - کارگر	۴۳۰۰
س - ک	۲۲۰۰	ع	۱۲۲۰۰
سیرسزی اولدوز	۲۲۰۰	ع	۱۲۲۰۰
کارگران گوره بزخانه	۲۰۰۰	ع	۱۲۲۰۰
کانون آباد	۲۰۰۰	ع	۱۲۲۰۰
کارگزاران مبارزان	۱۳۰۰۰	ع	۱۲۲۰۰
تلفونپوزن	۵۰۰۰	ع	۱۲۲۰۰
کاف راننده	۵۰۰۰	ع	۱۲۲۰۰
کا کا	۱۱۰۰۰	ع	۱۲۲۰۰
کوج	۸۱۲۰	ع	۱۲۲۰۰
ک	۳۵۰۰	ع	۱۲۲۰۰
ک	۱۱۰۰۰	ع	۱۲۲۰۰
کسین	۲۲۰۰۰	ع	۱۲۲۰۰
گودرز ۲ جراج گازی	۲۸۴۰	ع	۱۲۲۰۰
م	۳۰۰۰	ع	۱۲۲۰۰
م	۳۰۰۰	ع	۱۲۲۰۰
م	۷۵۰۰	ع	۱۲۲۰۰

درآمدهای "موقوفات" بکجا میرود؟

با مراجعه "کزارش موقوفات آستان قدس رضوی" (۱۱ مهر ۵۸) روشن میشود که فقط در آن سال ارجل درآمدهای این موقوفات ۵۲۹۹۱۰۰۰ ریال بعنوان "کمک نقدی" در اختیار کمیته‌ها و حزب جمهوری اسلامی (۱) و با ساداران "قرار گرفته است (رجوع شود به افشاگریهای بیکار و علیسه حزب جمهوری اسلامی در جریان انتخابات ریاست جمهوری).

اما در سده سال ۶۰، با تکمی زیادتهای دولت درآمدی از طریق موقوفات ندارد بلکه به این سازمان بردار مدو عربین و طویل "کمک" هم میکند. در "اعتنارات دسکاها" متوسط به سوده ۶۰ آمده است: (جدول زیر) در جدول سوده، میزان درآمد "اوقاف" ذکر شده ولی روشن است که از صدوی دولت حداقل ده میلیون تومان بعنوان "حیران کسر درآمد موقوفات" به سازمان اوقاف کمک خواهد شد.

مستحقان	سال ۵۸	سال ۵۹	سال ۱۳۶۰
سازمان حج و زیارت	۲۲۰۰۵۶۰۰۰	۴۳۵۰۰۰۰۰۰	۵۷۰۰۰۰۰۰
سازمان اوقاف	۱۱۵۰۰۰۰۰۰	۱۱۵۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰۰
سازمان اوقاف - حیران کسر درآمد موقوفات عام (کمک)	۱۱۵۰۰۰۰۰۰	۱۱۵۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰۰
سرای اینکه روش شود که درآمدهای کلان موقوفات به کجا میرود. کافست که اشاره شود از محل این درآمدها ۹۰۰ میلیون ریال برای پرداخت به "مروجین مذهبی" در اختیار منتظری گذاشته شد. (بیکار ۸۷) و سیرا طرف سازمان اوقاف در آن ماه ۵۹ نیز یک قلم ۲۵ میلیون تومان برای مروجین ششم ۲۲ میلیون تومان برای روحانیت اهل سنت در اختیار منتظری قرار گرفته است (بیکار ۸۶) و اینها تا زه فلام بسا رکوحکی است که به بیرون در رنموده است!			

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

رویزیونیستهای اکثریت، مزد نوکریشان را چگونه میگیرند؟!

● با وجود دربروگی و نوکری خائنین اکثریت در آستان بورژوازی، رژیم جمهوری اسلامی با اعدام چند تن از هواداران "اکثریت"، نشان داده است که همیشه در مقابل نوکراتش نمش نشان نمیدهد و ندامت آنان را پذیرا نیست. اما گوش‌خیزانیت پیشگان به این حرفها بدکار نیست!

و حاکم طایفه‌های ارتجاعی شان و نیز در پی خدمت به سوسال امپریالیستهای روس و گسترش نفوذشان در ایران ما، مهمت رژیم را برای سوده‌ها و اربوبه جلوه داده و جیس انعامها را به شاه‌ها منت ارتجاعی رژیم، بلکه عمل "دور از موارین فاسوی جمهوری اسلامی" و "تفاسق - افکانه" از سیاسی میکنند و با توجهها با گوناگون بچشم‌نوده‌ها خاک با سیده و همجان حاضرند که در جهت کسب امتیازات کوچکی از ارتجاع خاکم بخاطر هموار برکردن راه خیاننت خویش به فریب کاری ادا میدهند. این جنایت‌ها و حیاسنها با بدهنداری برای طرفداران نا آگاه و رویزیونیست‌های خائن اکثریت استند که حتمان خود را بر روی حقایق ساز کرده و نا امکان بدتر است سوی انقلاب بار کردند.

★ ★ ★

در اوائل خرداد ماه جاری یکی دیگر از هواداران رویزیونیست‌های "اکثریت" بنام عبدالعظیم احمدی (اهل با نه) توسط رژیم جمهوری اسلامی سیربان گردید. حاکم اکثریت که در دربروگی سر آستان بورژوازی با خائنین حزب نوده مسابقه گذاشته اند با انتشار خبر اعدام وی در کار رویزیونیستی ۱۱۲ از ارتجاع خاکم کله کرده اند که چرا مزد نوکری آنها را بدین گونه و همرا با ما مهربانی، بر دانه است اعدام این هوادار اکثریت از جانب رژیم جمهوری اسلامی، یکبار دیگر عمق ردالت و پستی دشمنان قسم خورده طیفه کارگر، رویزیونیستهای خائن را بسما بر میگذازد که حتی در برابر وحشیگریهای رژیم نیست به نوکران سرمایه داران سرجا بلوسی را فراموش نکرده و همچنان به فریب توده‌ها ادامه میدهند. آنان آگاهانه

بقیه از صفحه ۱۸ لایحه...
تا لایحه‌ها هم شهادت داده بودند که او به "مقدسات" هم توهین کرده است. و حال ارتش انجمن اسلامی روستا یک سلی میخواست به او بزند، پس از رباب هم یک سنگ در دست داشت تا دندان او را بشکند و خاکم شروع هم خود را آماده میکرد که بخاطر توهین به "مقدسات"، او را اعدام کند، طبق ماده ۱۱۰ از لایحه قصاب کبیر تمام این باصطلاح جرمها باید یکی پس از دیگری در مورد او اجرا شود.
و افعا حیرت انگیز بود که آ خر حجتی قوانین جزائی که در رژیم و وابسته به امپریالیسم شاه خائن عملی می شد، تنها به اجرای کبیر حد اکثر اکتفا می کرده اند و دیگر کسی را قبل از اعدام به ضرب و شکنجه و یا متلاصیب محکوم نمی نموده اند. نمونه این جنایات را تنها در سدادگاه‌های قرون وسطی و حاکم تفتیش عقاید می توان سراغ کرد، ولی در ماده ۱۱۰ می خواسیم:
" هرگاه شخصی محکوم به چند حد شد با بد آن حدود را بر تریبی اجرا کرد که هیچکدام در آنجا زمین‌دستی را از زمین نبرد مثلا گریه تا زبا به زدن و به سنگسار شدن محکوم شد با بد اول حد تا زبا به جاری شود بعدا حد سنگسار ".....
با ری، در "مدینه فاضله" آقا با ن خمینی و بهشتی دیدنیهای بسیار بود، ولی ما چون به جوانی دیگر را عمل کرده‌ای لایحه قصاب قبلا اشاره کرده بودیم از شرح آن دیدنیهای حدش - آرو و وحشتناک ارتجاعی در میگذریم .

■ ■ ■

بقیه از صفحه ۷ دیدگاههای...

نظارات اول ماه مه دست می زند. کمیونتهای با کو با نیکه بر شرایط رشدش بلزوم حرکات تعرضی در جهت رشدش، نظارات اول ماه مه را علیرغم تعداد محدود شرکت کنندگان سازمان دادند. توجه به این مسئله که بلنویکها در هنگامی که حشش کاری در روسیه در حال شکل گیری بود اقدام به سازماندهی کاری کرده‌اند، توده‌ای برای شرکت در نظارات می کردند در سرخورد به شرایط راست روانه‌ای که در شرایط کمیونی‌ها ما اصول حرکت تعرضی و برپا نشی نظارات را می‌کنند حائز اهمیت فراوانی است. اما در متن این حرکت با سرخورد چپ روانه رفقای کارگری که تعرض مسلحانه را خواستار بودند مرز بندی نمودند، بر اساس این مرز بندی با نظارات راست روانه و چپ روانه، نظارات موقعی صورت گرفت که "در رنده بنت در آن منطقه بسیار موثر افتاد".

کتاب "دیدگاههای احراقی درباره وحدت سر تا راز آموزشهای کمیونیستی است. مطالعه این کتاب برای کمیونتهای انقلابی و کارگران آگاه کشور ما که در راه سازماندهی و شکل جنبش بیولنا را در راه پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک و با لایحه در جهت نابودی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم می رزمند - بسیار درس آموز است.

بقیه از صفحه ۸ رفقای معلول...

را تضعیف نمایند. اما من و رفقای دیگر، بعضه فرار را می کشیدیم، که آخر هم موفق شدیم. در مورد رئیس بیمارستان هم با بدنگویم که وی نفس یک مزدور را برای رژیم بازی میکرد همان روز اول که رفقای مجروح را به بیمارستان آوردند، وی شخما در او رزاس حاضر شده بود و بخاطر اینکه کنترل اوضاع را در دست داشته باشد، دستور داد که تمام مجروحین را بستری نمایند که این خلاف روال معمول بود چون فقط مریضی را که احتیاج به جراحی داشته باشد بستری می نمایند. این فرود در دستگیری حدش از همرا هان مجروحین و تحویل آنان به پاسبان - ان نقش فعالی داشته است.

در آرخا بدنگویم که روحیه من و دیگر رفقای زخمی که در بیمارستان بستری بودند، بسا رغالی بود. بعد از این حادثه عظیم به کارگران و زحمتگنان بیشتر و با تمام آماران سرخ آنها محکمتر شده و ما سوگند خورده‌ایم که انتقام خون رفقای شهیدمان را بگیریم. ما مرتب سرود می خواندیم سرود شهیدان، یاد با ران و... سرود انترناسیونال را با منت - های گره کرده با دبا ران شهیدمان، کمیونست های در دست، در دل میخواندیم.

● ● ●

لایحه قصاب بدستی نمودار ما هیتار تاجایی رژیم جمهوری اسلامی است. ما طی این بحث که دره قسمت آمد و نیز در بحثی دیگر پیش از آن، جوانی از ما هیت طبقاتی و ارتجاعی این لایحه را نشان داده ایم. افشاگری علیه رژیم حول این لایحه فرصت مناسبی است تا نیروهای کمیونیستی و انقلابی در جهت زدودن توهمات و نا آگاهی‌های توده‌ها کما می‌های موفقیت آمیز بیشتری بردارند.

لایحه قصاب و آثار رسو، احتما عی آریا به اشکال مختلف و با زبان هر چه ساده تر و مناسبت با بدبازی توده‌ها توضیح داد، ما هیت گریه این قانون و رژیمی که آنرا وضع کرده‌ایم خواهد آرزایه مرحله اجرا بگذارد با بدبازی روشنی هر چه تمام تر و با متانت انقلابی و کمیونیستی لازم برای کارگران و زحمتگنان و بخصوص زنان ستم دیده شرح و بسط داده شود. لایحه قصاب به مثابه شکافی است آشکار در پیکر کذب و جمهوری اسلامی که با افشاگری مستمر و مناسبت با بدبازی بیشتر در تعمیق آن کوشید. ما روزه همه جا نبه علیه این لایحه را با بدبازی تکبیره یک جنبش اعترافی توده‌ای کرد و در افضای این قانون و کارگزاران همراه با همه نیروهای کمیونیستی و انقلابی و مترقی چه در ایران و چه در سایر کشورها فعالانه کوشید.

با بیان

خاطره کمونیست جوان، رفیق پیکارگر مرگان رضوانیان را گرامی می‌داریم!

اولین سالگرد شهادت پیشمرگه کمونیست، رفیق عطا طاطائی



در ۲۵ خرداد سال گذشته، کمونیست قهرمان
پیشمرگه، پیکارگر رفیق عطا طاطائی در جریان
حمله پیشمرگان قهرمان پیکارگر به یک خودرو
ارتش در جاده سقز - سانه شهادت رسید.

کاک عطا در سال ۱۳۴۰ در سقز دنیا آمد. او از
حوانان انقلابی خلق گردید که در مبارزات
شکوهمند خلقهای ایران بر علیه رژیم ارتجاعی
شاه و امپریالیسم فعالانه شرکت کرد.

رفیق عطا با آگاهی انقلابی و با عشق به
رهاش زحمتکشان مبارزات قهرمانانه خود را
دو تا دوش توده‌های زحمتکش کرد. پس از قیام بر
شکوه بهمن ۵۷ همچنان ادامه داد. کاک عطا در
جریان یورش با ساداران و ارتش ارتجاعی به
کردستان با افتخارهای آگاهی بخش و فعالیست
جستجوی نابذیر در میان توده‌های تحت تسلط خلق
کرد، در جنبش مقاومت خلقی شرکت کرد. او و

همزمان با همسایرش یورش و حشاشه، مزدوران
ارتجاع به صفوف هواداران سازمان پیکار در
راه آزادی طبقه کارگری پیوست. رفیق شهیدما،

کاک عطا کمونیست دهرمانی بود که با عشق به
آزادی طبقه کارگر و برای دفاع از مسافع
زحمتکشان کرد در حالیکه محصل سال آخر دبیر -
ستان بود، مدرسه را رها کرده و در صفوف پیشمر
پسوسه، پیشمرگه‌های قهرمان خلق کرد. تمام
توان خود را در خدمت جنبش مقاومت قرار داد. در
جریان یورش با ساداران و مزدوران ارتش به
کردستان همیشه سرفراز، در سال ۵۹ کاک عطا
لگدم از خدمت مادان و انقلابی به جنبش

مقاومت خلقی کرد غفلت نکرد. او در جریان یک
حمله انقلابی پیشمرگان سازمان ماهه یک
خودرو ارتش ارتجاعی در اطراف روستای "میرده"
در جاده سقز - سانه که با نیروی پیشمرگان همراه
بود، با مرکزی قهرمانانه شهید را رهاش زحمت -
تفه در صفحه ۲۷

۴۰ روز از شهادت سرخ کمونیست جوان، رفیق مرگان رضوانیان میگذرد. رفیق مرگان
در اثر انفجار نارنجکی که پاسداران سرمایه در روز ۳۱ فروردین، میان تظاهرات
سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار بر تپ کردند، زخمی شد و در شب شنبه ۱۹
اردیبهشت ۶۰ در بیمارستان به شهادت رسید.
چهلین روز شهادت رفیق مرگان را گرامی می‌داریم!

رفیق شهید مرگان، با وجود سن کم، با دردها و
رنجهای زندگی در جامعه طبقاتی آشنا بود. پدر
او یک سرهنگ بود که از ما در رفیق جدا شده بود و
رفیق از زمان کودکی در زیر فشارها و شکنجه‌های
زن پدرش قرار گرفته بود. در خانه پدرش آنقدر
رفیق را وادار به شنسوی کف سیمانی کرده
بود که دستان او زخم و عفونت پیدا کرده بودند.
مرگان به تهران آمده و پیش مادرش زندگی می
کند و در اثر رشد آگاهی‌های سیاسی و ارتباط با
رفقای هوادار سازمان ما، با عشق برهائی
زحمتکشان و با خاطر مبارزه در راه آزادی طبقه
کارگر به صفوف هواداران می‌پیوندد. دانشور و
شوق انقلابی‌اش را در خدمت انقلاب و سوسیالیسم
بگذارد.



رفیق کمونیست مرگان رضوانیان، ستاره
سرخ دیگری در آسمان جنبش دانش‌آموزان
کمونیست است. او با انگیزه‌های انقلابی، شور
کمونیستی، استقامت و با بیداری نسل جوان
انقلابی میهن ما می‌باشد. او آگاهی‌ها به قدم در راه
سرخ گذاشت که با بیان آن بیروزی زحمتکشان
و سرافراشته شدن پرچم سوسیالیسم می‌باشد. راه
سرخ که تا پایان بیروزمندش کمونیست‌های
قهرمان بشمار می‌آید چون مرگان‌ها با خون سرخ
خود، ادامه آن را میسر خواهند ساخت.
با دجا و بدرفیق مرگان رضوانیان، کمونیست
حوان و پیکارگر را گرامی می‌داریم!

کمونیست جوان، رفیق مرگان رضوانیان
(کاک را) موز سال اول بهاری سرزوبه) از هواداران
سازمان ما، در حالیکه پیش از ۱۶ سال نداشت
در راه دفاع از زحمتکشان و در اثر جنبش
پاسداران جهل و سرمایه به شهادت رسید. رفیق
مرگان نمونه‌ای از نسل جوان انقلابی جامعه
ماست که با درک مسائل اجتماعی - سیاسی
جامعه و با آگاهی به منافع و نقش تاریخ ساز
طبقه کارگر و با پذیرش ما رکیسم لنینیسم تنها
راه رهاش خلق را در مبارزه برای نابودی
سرمایه و وسیله سوسیالیسم یافته و آگاهی‌ها در
صفوف سازمانهای کمونیستی قرار می‌گیرد.

از سرکوب میا ۱۹۵۵، این کشتی درسوا حل شمالی
در پای سانه خاک نشست.

روز خلع ید: ۱۳۳۰/۳/۲۹

در این روز بدستال ما هم مبارزه شده‌های
زحمتکش برای کوتاه کردن دست امپریالیستهای
انگلیسی از منابع نفتی میهن ما، کارگران
وزحمتکشان صنعت نفت جنوب، با با شین کشیدن
تا بلوهای شرکت نفت انگلیسی به بکه نازی ۵۰
ساله امپریالیسم انگلیس در غارت ثروتهای ملی
زحمتکشان و خلقهای ایران خاتمه دادند.

شهادت مجاهد شهید رضاشانی:

۱۳۵۲/۳/۲۵

۸ سال پیش در جنبش روزی، مجاهد شهید را
رضاشانی که با یک عمل قهرمانانه از زندان رژیم
شاه فرار کرده بود، در دامدزخمان و استه‌شاه
افتاده و در یک درگیری نابرابر شهادت رسید.
شادش گرامی باد

روزهای بیادماندنی خرداد ماه

اعلام جمهوری کیلان: ۱۳۹۹/۳/۲۲

۶۱ سال پیش در جنبش روزی در اثر دلوریها
ورشادهای مجاهدین جنگل و با پشتیبانی انقلابیون
کمونیست چون حیدر عمواغلی و باره‌ری میسرزا
کوچک خان جنگلی، جمهوری کیلان تشکیل شد.
جمهوری کیلان با وجود قدمهای موثری که
در تفسیر زندگی زحمتکشان شمال برداشت داشت
سورشیای ارتجاع و سیز نفوذ عماسر زنگار در
رهبری جنبش کیلان و خلال در همکاری انقلابیون
جنگل و کمونیستها با شکست مواجه گشت.

شورش پوتمکین: ژوئن ۱۹۰۵

در این روزها و بیان انقلابی رزمنا و پوتمکین
در آبهای دریای سیاه بر علیه رژیم تزاری روسیه
و فرماندهان مزدوران دست به مبارزه زدند پس

لقبه از صفحه ۴ بیانیه

یکی حزب را در هیئت سرکوب انقلاب، مبارزه با آن را با هدف گسترش انقلاب می بیند. و دیگری حزب را در هیئت یک نیروی "انحصار" کننده قدرت، و مبارزه با آن را برای تأمین سهم خویش از قدرت، و با هدف سرکوب انقلاب، در پیش گرفته است با توجه به چنین مختما نسی از اوضاع سیاسی مرحله کنونی، تاکتیک پرولتاریا دموکراتیک بیگم، مفهوم خویش را چنین می یابد:

۱ - با توجه به کیفیت آرایش سیاسی نیروها و نقش و جایگاه حزب جمهوری اسلامی در این آرایش، در مرحله حاضر، با توجه به مضمون اصلی این تاکتیک نوین حزب، که انقلابی است، نشان داده است، اردوگاه انقلاب می یابد برای دفاع از انقلاب که در این شرایط معنای خود را در دفاع از آزادیهای دموکراتیک مورد تعرض حزب می یابد، نیروی خویش را گردآوری و متشکل کرده و متناسب با سطح مبارزه درجه ۱ تا ۲ مادگی کارگران و زمینکنان، به مقابله و مبارزه سیاسی با این تعرض بپردازد.

در این مبارزه، به لحاظ آرایش عینی قوای سیاسی، و نقش حزب جمهوری در این میان، پرولتاریا و دمکرات های انقلابی می یابند مرکز ثقل مبارزه خویش را حول دفاع از آزادیهای دموکراتیک بر روی حزب جمهوری، یعنی نیروی اصلی و تعیین کننده روند سیاست رژیم، متمرکز نمایند. این تاکتیک در شرایط کنونی، بگانه ناکتیک صحن انقلابی برای گسترش انقلاب و مبارزه طبقاتی و نزدیک ساختن پرولتاریا و اردوگاه انقلاب به اهداف استراتژیک مرحله خویش در انقلاب دموکراتیک یعنی سرنگونی سلطه مبرها لیسیم و بورژوازی حاکم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق است.

بی توجهی به این تاکتیک مبارزه و شعارهای معین حول آن از یک سو و سمت اصلی مبارزه و مرکز ثقل مبارزه اردوگاه انقلاب بر علیه حزب، یعنی نیروی تعیین کننده سیاست رژیم حاکم و طراح اصلی سیاست و تاکتیک نوین سرکوب و تعرض به انقلاب، بیم آن می رود که کمونیست ها از دست راستین مبارزه انقلابی در شرایط حاضر بدور افتاده و در انزوای سیاسی از توده ها قرار گیرند و برچم مبارزه را خود بخود تسلیم بورژوازی لیبرال ضد انقلابی و با نیروهای ناپیکیر انقلابی بنمایند.

در راستای شعار اصلی تاکتیک دفاع از آزادیهای دموکراتیک در برابر تعرض ضد انقلابی حزب جمهوری اسلامی، با دشمنان و مطالبات مشخص ارائه گردند که از یک سو، توده ها را حول مبارزه در این سوییچ نماید و مبارزه آنها را تکامل و ارتقاء دهد و از سوی دیگر عوا مغربیه لیبرالها را در این مبارزه افشا و نفوذ آنها در میان توده ها خنثی و طرد نماید. برخی از این شعارها و مطالبات مشخص از قرار زیرند:

- ایجا دشواری های واقعی.
- انحلال انجمن های اسلامی و شوراهای زرد در کارخانه ها و موسسات.
- آزادی زندانیان سیاسی.
- آزادی مطبوعات و لغو سانسور.
- لغو شکنجه در زندانها و دستگیری و محاکمه شکنجه گران
- آزادی اجتماعات، اعتصابات و تجمعات و ...
- در میراث مبارزه، می یابند وسیعاً بر علیه متحدین این جناح از بورژوازی در شرایط کنونی در جنبش کارگری، یعنی رویزیونیست های ضد انقلابی، به افشای برداشت لیبرال نیروها، هم اکنون به مثابه دستیاران واقعی با ندهای ترور و شکنجه، متحدین بورژوازی ضد انقلابی باند سیاسی، یعنی حزب جمهوری اسلامی و مدافعین عربان ترین امکان سرکوب و ترور، که توسط حزب اعمال میشود، عمل میکنند و با این حرکت ضد انقلابی را در پوشش مبارزه ضد امپریالیستی و دفاع از انقلاب و منافع ضامن مبرها لیسیتی مردم انجام می دهند. این مبارزه اکنون بیشتر مناسبتی است که می توان با تکیه بر تجربه سیاسی خود توده ها، به افشای چهره خبیثانه کارانه رویزیونیست ها پرداخت و آنان را در نزد توده وسیع مردم، به مثابه دستیاران حزب ترور و سرکوب عربان، افشا و طرد نمود.

۲ - برای تحقق این شعار و پیش برد این مبارزه ضروری است که همه نیروهای انقلاب بویژه کمونیست ها، با مضمون اصلی دفاع از آزادیهای دموکراتیک، دفاع از دموکراسی انقلابی به اتحاد عمل هائی دست زده و مبارزه مشترک خود را در این راستا سازمان دهند. در این اتحاد عملها، پرولتاریا و نیروهای کمونیست است که دموکرات های ناپیکیرا که به اتحاد با بورژوازی لیبرال دست باز نداده اند، از آنها جدا کرده و با مبارزه بر علیه ناپیکیری و توهانات لیبرالی آنها و نشان دادن چشم انداز صحیح مبارزه انقلابی، آنان را به سمت پلانفرم انقلابی و دموکراتیک خویش جلب نمائند.

۳ - آرایش سیاسی نیروها در شرایط حاضر و خصلت و مضمون مبارزه ای که در برابر انقلاب قرار گرفته است، مناسبت پرولتاریا و اردوگاه انقلاب را با بورژوازی لیبرال مشخص می سازد. موقعیت، نقش و کارکرد و جناح حربه و لیبرالها، بیشترین حد را کندگی و تشتت را تا کنون در صفوف ضد انقلاب حاکم بوجود آورده است. مناسب ترین روش تاکتیک استفاده از تافتهای دو جناح در این شرایط، برای برآکنده کردن هر چه بیشتر صفوف دشمن، و گسترش انقلاب، تمرکز ثقل مبارزه روی حزب و افشا و طرد بورژوازی لیبرال، در بیشتر مبارزه حول آزادیهای دموکراتیک می یابند. تمرکز مبارزه انقلابی بر روی حزب و افشای عوا مغربیه لیبرالها در این بستر، ممانعت از این شرایط را برای ایجا دهنده اکثر تفرقه و تشتت در صفوف بورژوازی و تمرکز و

بیکار جکی را در صفوف انقلاب فراهم می سازد، و مبارزه طبقاتی و در جهت اهداف استراتژیک انقلاب، در مسیر تکامل قوام می دهد. افشا و طرد لیبرالها در دست راستین مبارزه باعث تقویت صفوف انقلابی، و افشای لیبرالها در بین توده مردم گشته و قوام و استحکام جبهه انقلاب بیش از پیش تقویت می گردد. برای افشای لیبرالها نه تنها با بدخمت عوا مغربیه به شعارهای "آزادیخواهان" آنها را رسوا و بر ملا کرد و مضمون واقعی این فریادهای "آزادیخواهان" را عربان ساخت، بلکه همچنین با بدهدستی این آزادیخواهان دروغین را با متحدین طبقاتی - شان یعنی حزب، در طول ۲ سال پس از قیام، در سرکوب انقلاب و مبارزه توده ها نشان داد و دست های خونین آنها را از زیر دستکش های مخملی آزادیخواهان به نمایش گذاشتیم و ما بسا حزب و لیبرالها، در وجه عمده خود با دو مضمون صورت می گیرد، یکی هدف اصلی ضربه مبارزه توده ها از زاویه نقش اصلی سرکوبگران آن است و دیگری هدف افشاگرانه، عمدتاً از زاویه عوا مغربیه های آزادیخواهان ناش و نشان دادن ماهیت واقعی هوشیاش با ضد انقلاب می باشد. بدین ترتیب ممانعت و جناح را همزمان و با مفاصل عمده متفاد در دست راستین مبارزه مورد هدف قرار می دهیم.

این تاکتیک انقلابی، به انقلاب امکان میدهد، که در جنبش طرد و افشای لیبرالها و منفرد کردن لیبرالها و همفدا انقلابی وی در میان توده ها، ارتجاع حزبی را مورد ضربه قرار داده و بدین ترتیب عقب راندن تعرض آن و گسترش مبارزه طبقاتی بکل بورژوازی را در چسار پراگندگی و تشتت بنماید.

هر سیاستی که در شرایط کنونی، نخواهد، مضمون آرایش سیاسی نیروها را بطور عینی درک نموده و تلاش ضامن علیه مبرها لیسیتی توده ها با لیبرالها به همان نحو بر خورد کند که با حزب، مرکز ثقل مبارزه توده ها را، که با بد پروری حزب متمرکز شود، مشخص دهد، و نشانها نقش و کارکرد واقعی لیبرالها را بدرستی تشخیص ندهد و مضمون متفاوت بر هر دو افشای بر علیه آن را از نظر دورانه از، به درگی چپ روانه از تاکتیک در غلطیده است.

این تاکتیک چه روانه بدون شک و از آنجا که از توضیح نقش و جایگاه سیاسی لیبرالها و نقش و جایگاه سیاسی حزب در این شرایط عاجز است، از دست عینی مبارزه توده ها جدا افتاده و نخواهد توانست به مبارزه با عوا مغربیه لیبرالها در این بستر هر چه جز و دلچرا بدست لیبرالها را در فریفتن بیشتر توده ها و مسوار شدن آنها بر هوج جنبش توده ای بر علیه منصفه سیاست خلفان و سرکوب کنونی حزب با زحمر خواهد کرد. (ما در آنچه سیاست تاکتیک خود در این زمینه و بویژه شعار علیه حزب، علیه لیبرالها، زندانبانها و دیگر توده ها در دوره مورد

بحث را مورد برخورد قرار خواهم داد. . .
متغیلا هرسیا سنی که بخواهد با تقلیل مبارزه نوده ها به یک مبارزه رفرمیستی ، لیبرالها را به متحدین انقلاب بدل کرده و در اتحاد با بورژوازی لیبرال ، این مبارزه را جابزومیسر شمرد ، بدون شک نوده ها را به زیر تیغ رفرمیسم ضد انقلابی لیبرالها خواهد کشتاید مبارزه آنها را وجه الما له مبارزه دو جریان ضد انقلابی برای کسب قدرت و نحوه سرکوب انقلاب تبدیل خواهد شد .

همچنین هرسیا سنی که مبارزه با حزب و لیبرال ها را مشمول "تئوری اپورتونیستی مراحل" نماید و مبارزه با لیبرالها را به مرحله بعد! واگذارد و بنا بدویا اینکه برای جلوگیری از "رمدن" بورژوازی لیبرال ، مبارزه افشاگرانه خود را با عوام فریبی های آن تخفیف دهد و از سیاست افشا و طرد آنها در میان نوده ها دست بردارد تا کنیک انقلابی را از استراتژی انقلابی جدا کرده و با تبدیل این تا کنیک به یک تا کنیک اپورتونیستی و رفرمیستی ، استراتژی را نیز که همانا سرنگونی کل بورژوازی است قربانی خواهد نمود .

سوی دادن مرکز ثقل مبارزه نوده ها در شرایط فعلی به حول شعار دفاع از انقلاب و آزادی های دموکراتیک ، بر روی حزب جمهوری ، افشا و طرد بورژوازی لیبرال در دسترین مبارزه و جذب نیروهای دموکرات به زیر پرچم انقلابی دموکراتیک ، بیگانه تا کنیک صحیح مقابله با اوضاع کنونی است . مبارزه با لیبرالها و حزب ، مبارزه ای است همزمان و هم عرض ، اما با مضامین عمدتاً متفاوت (بنا بر موقعیت دوگانه و در حال گذار لیبرالها در هیئت حاکمه طبیعی است که در صورت حذف کامل لیبرالها ، آنها تماماً در چنین موضعی قرار خواهند گرفت و متغیلا بنا بر تمرکز کامل قدرت در دست جناح دیگر که خمینی نیز در جبهه آن قرار دارد ، این جناح به مثابه کل دولت و رژیم مورد ضرب قرار خواهد گرفت) . بنا بدیک لحظه از تبلیغ وحدت طبقاتی و استراتژیک این دو در دسترین مبارزه غافل شد .

۳ - با بدکوش نمود که این شعارها را وسیعاً به میان نوده ها برده و آنها را وسیعاً به حول این شعارها گردآوری کرده و به عرصه مبارزه برای خنثی کردن شدید تعرضات حزب به انقلاب و تکامل مبارزه طبقاتی ، بر دسترین مبارزه بمنظور هموار کردن راه تحقق اهداف استراتژیک انقلاب ، یعنی سرنگونی بورژوازی کشتاید . بسیج و تشکل نوده ها حول این شعار در شرایط فعلی ، بیگانه راه صحیح مقابله با این تعرض ضد انقلابی و دفاع از انقلاب و دستاورد های دموکراتیک نوده ها است . طبیعی است که در این مبارزه با بدتجان اشکالی از مبارزه را در

پیش گرفت که نوده ها را از کشتایدن به عرصه نبرد قطعی و وارد شدن به درگیریهای احتمالی زودرس و قهراً میز ، بر حذر دارد . بویژه آنکه بحران سیاسی کنونی وحدت اوضاع ، که تحت تاثیر حملات حزب به لیبرالها ، درجا مع پیچید آمده است ، بسترناسبی است برای رشد این تمايلات آنارشیستی در میان نوده ها . چه بسا که نیروهای از موضع لیبرالی ، و سا درکسی لیبرالی از شرایط سیاسی کنونی و ماخلوط و مخلوط کردن توهمات لیبرالی نوده ها در برابر انگیختن آنها به مبارزه با حزب با سطح واقعی آگاهسی انقلابی آنها ، نوده را به مبارزه ای دعوت کنند که بهیچوجه مبتناسب با سطح واقعی مبارزه آنها در جهت سرنگونی بورژوازی نیست . در این صورت این نیروها به یک درک "لیبرال-چپ" از این اوضاع درخواهند غلطید . کشتایدن نوده ها به یک حرکت کور و درگیری زودرس و قهراً میز با ارتجاع ، با توجه به سطح مبارزه و آگاهسی انقلابی آنها و با در نظر داشت تناسب قوای طبقاتی در این شرایط ، مسلماً دست ارتجاع را در سرکوب انقلاب و درهم شکستن نیروهای انقلابی باز نخواهد کرد . در این شرایط ، بویژه با بدیه افشای ماهیت باندهای ارتجاعی سلطنت طلب و ، را میرا لیسیم نیز که می کوشند بر پایه تماد ارتجاعی شان با رژیم حاکم و بویژه حزب جمهوری ، از طریق روشهای تروریستی اوضاع را به نفع خویش برهم زده و آن را در جهت اهداف ارتجاعی خویش کانا لیره نمایند ، افشا نمود . یکی از اهداف آنها تحمیل همین درگیری - های زودرس و قهراً میز به نوده ها و ارتجاع حاکم است .

درک سطح واقعی مبارزه و آگاهی نوده ها و اشکال این مبارزه در عرصه های مختلف نقش مهمی در ارتقاء و تکامل این مبارزه از جانب کمونیست ها دارد .
۴ - واقعیت کنونی نشان می دهد که نوده های وسیع مردم نسبت به لیبرالها و شعارهای عوام فریبانه آنها ، دچار توهم می باشند . آنها با توجه به سطح نازل آگاهی خود ، عملکرد سیاست لیبرالی نیروهای دموکرات و فقدان آلترنا تیو نیرو و کمونیستی ، و بر دسترین شورش مبارزه خود بر علیه سیاست اختناق و سرکوب حزب ، در زیر پرچم لیبرالها گرد آمده اند . حال آنکه لیبرالها به دلیل ماهیت ضد انقلابی تماد خود با حزب ، و وحدت طبقاتی با آن ، نوده ها را در مصلحت بورژوازی قربانی خواهد کرد . این توهم نوده ها به لیبرالها ، باعث شده است که در ذهن خود نتوانند تماد میان دموکراسی انقلابی و لیبرالیسم ضد انقلابی را بدرستی درک نمایند و این امر باعث مخدوش شدن مرزها در ذهن آنها گشته است . نقش نیروهای آگاه انقلابی جدا

کردن مرزهای واقعی این تمادها و نشان دادن عوام فریبی لیبرالها در دسترین مبارزه است . تنها بدین طریق می توان نوده ها را از زیر پرچم لیبرالها خارج ساخت و به زیر پرچم دموکراتیسم انقلابی گرد آورد .

نیروهای آگاه و پرولتاریا موظفند در مقابله با سیاست تعرض حزب ، نوده ها را به حول شعار - های مستقل و دموکراتیک بسیج کنند و مشترکاً و در اتحاد عمل یا یکدیگر به ما زماندهی مشترک حرکات مستقل نوده ای بپردازند . لیکن از آنجا که عملاً نوده وسیعی در دفاع از لیبرالها به صحنه مبارزه آمده و به تحریک در آمده اند ، کمونیست ها موظفند که با شرکت خود در این حرکات و بنا به نشات نوده ای نیز ، شعارهای مستقل خویش را به میان آنها برده و در دستر مبارزه نوده ها و تجربه آنها ، عوام فریبی های لیبرالها را در هموشی با مبارزه و تمايلات دموکراتیک نوده ها آشکارا زنده ، بدون درک این موضوع ، بی گمان بیم آن می رود که نیروهای انقلابی از دستر مبارزه نوده ها بدور افتند . در دفاع از انقلاب و آزادی های دموکراتیک بر علیه تعرض حزب به مبارزه بر خیزیم و عوام فریبی لیبرالها را افشا نماییم .

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۶۰/۳/۲۲

در برابر تعرض وسیع حزب جمهوری اسلامی به آزادی های دموکراتیک به مقابله بر خیزیم!

حزب جمهوری اسلامی ، در روزهای اخیر هجوم لحام گسیخته و بیسیاقه ای را بر علیه حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم و نیروهای انقلابی آغاز کرده است . بطوریکه حتی مخالفت همدستان حکومتی گذشته خود ، یعنی لیبرالها را نیز نمی تواند تحمل کند . و در این رابطه روزنامه های آنان را نیز توقیف کرده است . شکی نیست که این اقدامات ضد انقلابی برای جلوگیری از رشد مبارزه نوده ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ، و برای برآه انداختن جرح های زنگ زده نظام سرما به داری و فراهم کردن شرایط مساعد برای برندن جیب سرما به داران غارتگر در هرپوش و لباس است . بنا بر این برای دفاع از آزادی های سیاسی و دموکراتیک ، به مبارزه با تعرض ضد انقلابی حزب جمهوری اسلامی بر خیزیم .

تا بیودیا دنوطه حزب جمهوری اسلامی بر علیه دموکراسی انقلابی
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۶۰/۳/۲۲

کارگران جهان متحد شوید!

آزادی سیاسی بنبغ زحمتکشان بدست زحمتکشان تامین باید گردد!

کارگران، زحمتکشان!
آزادیهای دموکراتیک که یکی از دستاوردهای مبارزه سرخ شما بود، مدتهاست که مورد هجوم رژیم جمهوری اسلامی و بویژه حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته است. لیسرالها که خود همدست حزب جمهوری در سرکوب خلق کردند، سرکوب خلق ترکمن سرکوب شوراها و واقعی کارگری و بالاخره سرکوب و تعطیلی دانشگاه دست داده اند، امروزه که سیاست اختناق و سرکوب صدامتاریکی حزب جمهوری اسلامی، شامل حال خود آنها نیز شده است، چهره عوض کرده اند و ما را آزادبخواهی برچهره خود زده اند.
اما کارگران و زحمتکشان ایران میدانند که لیسرالها و بنی مدرنیز خواهان آزادی برای

زحمتکشان نبوده و صرفا خواهان آزادی عمل برای خود هستند. این است که سفار میدهند انقلاب اسلامی آزاد را بدگرود اما آزادی کلمه مطبوعات را مطرح میکنند؟ خیر! آیا خواهان آزادی تشکیل شوراها و اتحادیه های کارگری هستند؟ خیر! آیا خواهان آزادی تشکیل اجتماعات، نظرها و اعتصابات هستند؟ خیر! پس آن زحمتکشان آزادی می فهمند و برای بدست آوردن آن مبارزه میکنند. آزادی که مورد نظر لیسرالهاست، از زمین تا آسمان فری دارد.
آزادی سیاسی که بنبغ زحمتکشان باشد تنها بدست خود زحمتکشان میتواند تامین گردد. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سری ج.ت. ش. ۳۴۰
۶۰/۳/۲۲

دفاع از آزادی های دموکراتیک، دفاع از انقلاب است!

رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدای بدعرب رسیدن خود، هر جا که خواست از اتحاد تشکلات و سازمانهای واقعی کارگران (شوراها) واقعی، سندیکاها و اتحادیه های انقلابی کارگران (خلوکبری) عمل آورد و هر اقدامی را در این جهت بدست سرکوب کرد. در شرایط کنونی، حزب جمهوری اسلامی با تسلط بر ابزارهای قدرت دولتی، دوران جدیدی از تعرض و سرکوب هر اقدام کارگران در جهت اتحاد سازمانهای کارگری واقعی خود، در کنار سرکوب در عرصه های دیگر، آغاز کرده است.
سرای دفاع از آزادیهای دموکراتیک و سیاسی در برابر تعرض حزب جمهوری اسلامی به دفاع از آزادی اتحاد سازمانهای واقعی صنفی - سیاسی طبقه کارگر، یعنی شوراها، سندیکاها و اتحادیه های واقعی آنها برخیزیم!
دفاع از آزادی سازمانهای واقعی کارگران دفاع از انقلاب است!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سری ج.ت. ش. ۳۵۰
۶۰/۳/۲۲

دفاع از آزادی مطبوعات، دفاع از انقلاب است!

کارگران و زحمتکشان، هموطنان مبارز!
از مدتهاست رژیم، مطبوعات و نشریات نیروهای انقلابی را غیر قانونی و ممنوع اعلام کرد، و هر حرکت از سوی آنها را در جهت انتشار و فریب از سرکوب به اشکال گوناگون مورد حمله و بوسه صدامتاریکی خود قرار داد.
در روزهای اخیر، این هجوم لحام گیسخته، به آنجا رسیده است که حزب جمهوری حتی روزنامه های لیسرالها را نیز تحمل نکرده و به توفیق آن برداخته است.
شکای حکومتی حزب، یعنی لیسرالها، از زمانیکه با خطر بیرون رانده شدن خود از قدرت روبرو شده اند، به مخالفت با حزب جمهوری و تعرض آن برداخته اند.
بدون شک این هجوم و تعرض حزب لیسرالها، در روزهای اخیر، مقدمه یک هجوم

تجدید بره حقوق و دستاوردهای دموکراتیک مردم و نیروهای انقلابی و سرکوب بیشتر آن است.
در حال حاضر حزب جمهوری اسلامی، تنها سربازان و ایستد و با معامیل به خود را آزاد گذارده است. این امر نشان می دهد که این جریان صدامتاریکی تا چه حد از آگاهی مردم و حتی از همان انتقاد و مخالفت های محدود لیسرالها وحش دارد.
برای دفاع از دستاوردهای دموکراتیک نبوده ها، باید با موج اختناق و سانسور مطبوعات به مبارزه برخاست و تعرض حزب را با تکیه بر این مبارزه، به عقب راند.
دفاع از آزادی مطبوعات، دفاع از انقلاب است!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سری ج.ت. ش. ۳۲۰
۶۰/۳/۲۲

به دفاع از آزادی سازمان های واقعی کارگران برخیزیم!

- سازمان در راه اتحاد شوراهای واقعی،
- سازمان برای تامین آزادیهای دموکراتیک،
- سازمان علیه اختناق و سرکوب،
- سازمان برای تامین آزادی مطبوعات،
- سازمان روزنامه های حکومتی،
در دفاع از امر انقلاب و با تمام مواضع
مقابل به تعرض حزب جمهوری اسلامی
برخیزیم!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۶۰/۳/۲۲
سری ج.ت. ش. ۳۱۰

کارگران، زحمتکشان!

با تحریم روزنامه های حکومتی (جمهوری اسلامی، آزادگان، کیهان، اطلاعات) به مقابل با سرکوب و اختناق حزب جمهوری برخیزیم.
با نقل احزاب و سازمانهای واقعی و کارگران به هر وسیله ممکن به مردم، توطئه سکوت و اختناق را در هم شکنیم.
برای نابودی سانسور و اختناق و تامین آزادی مطبوعات، به مبارزه برخیزیم!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سری ج.ت. ش. ۳۶۰
۶۰/۳/۲۲

بقیه از صفحه ۲۳ اولین ...
کشان گردید. مردم زحمتکشان بویگان در زیر باران، با نگوهای سی اورا در کویستان شهر بخاک سپردند، با گذشت یکسال از مرگ سرخ رفیق شهید عطا طاطائی، خلق فهیمان کردیا وجود تمام توطئه ها و دسیسه ها فهیمان به در مقابل رژیم ارتجاعی حاکم و مزدوران ملطحن مقاومت می کنند و راه سرخ رفیق عطا را بیروز مندانه ادامه میدهند.
امضا: سرخا طوطه، سرخ رفیق بشمرکه، کساک عطا طاطائی، درود سرخا طوطه، همه، شهیدان حسی مقاومت خلق کردند!

بقیه از صفحه ۲۱ درآمد های ...
در آمدستان کمکیهای سی باشد هواداران واعضا - شان میباشد، سوال میکنید که رجحان محارجه خود را نهی میسند، و ما حد این حزب ارتجاعی را حدی نیست.
با افشای جنایتها، عارتها و جنایات، ارتجاع حاکم، چهره فیسکا را به مرخص زانسی اریست برای نبوده ها افشا سازیم!

به استقبال جنبش اوجگیرنده توده ها بشتابیم

در جمهوری اسلامی استثمار مجازات ندارد، امادست "دزد آفتابه" راقطع میکنند!

حاکم شرع بهشهر:

■ این (استثمار) رادزدی نمی گویند، دزدی ای که مشمول این حد و این حکم باشد نه، فقط، جهت و راهی که دارد اینست که... بعنوان اینکه کار خلافی کرده می توانند آخر سر او را تادیب کنند... اگر قدرتش را داشته باشند.

■ ... قدرت ما که نیست نسبت به آمریکا جنگیم و او را بازخواست کنیم، و او را تادیب کنیم.

■ ... قانون اساسی هم از این نالرد دست ما را باز کرده که بیس از اینکه لایحه (قصاص) به مجلس برود اگر حاکم شرع استنادی نسبت به فتاوی مثل اصول اسلامی مسائل شرعی داشته باشد... میتوانیم احکام را روی همین اجرا میکنیم.

■ کار آمریکا دزدی نیست که بتوان دست او را قطع کرد! کیهان ۱۹ خرداد ۶۰ کارگران و زحمتکشان ایران! در شرایطی که:

■ سکاری، گران، فحطی، مفروفلکت طاقت - فرسا و روز افزون، استثمار سرما به داران و... کمربند را در زیر فشار کار روزندگی حم کرده است.

■ ۹ ماه جنگ ارتجاعی دور زیم ایران و عراق نزدیک به دو میلیون نفر از هم میهنان زحمتکش ما را در بدترین شرایط زندگی، بدون غذا و بهداشت آواره و بیابانها و شهرها کرده، دهها هزار کارگر را از کار ریشکا ز کرده و هزاران نفر را کشته و زخمی نموده است.

■ اما سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که خود ۴۰۰ میلیون تومان (۵۶ میلیون دلار) از دستخرج شما را در خرید اسلحه بالا میکنند.

■ میلیاردها دلار دارایی های شما را برای ادامه حاکمیت ارتجاعی خود به امپریالیستهای آمریکا می بخشد.

■ با شرکتهای ورشکسته امپریالیستی جنون نالیوت (انگلیسی)، گروپ (آلمانی) و... و برای نجات آنها قرضه های طولانی مدت می بندد و...

به "جرم" دزدی سرخ و روغن انگشت های دست جوان ۲۱ ساله ای را که در شرف فرار و فلاکت ناشی از بحران اقتصادی رژیم سرما به داری وابسته حاکم دست به دزدی زده است، قطع میکنند، و حاکم شرع مرتجعی که در دفاع از منافع طبقاتی ارتجاعی اش چنین حکمی را صادر کرده است عقیده دارد که استثمار زحمتکشان مجازات

انقلاب اسلامی
سه شنبه ۲۳ خرداد ماه ۱۳۶۰
هیئت مبادرت برفق یک کسه برنج و ۹ قوطی روغن:
چهار انگشت دست یک جوان رادر بهشهر قطع کردند

سازی - حکم دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر عزیز محمدانلو فرزند عزت ۲۱ ساله بجرم سرقت اموال بیت المال کسبه امداد امام خمینی کله گاه به قطع چهار انگشت دست راست محکوم و حکم صادره جمعبند به مرحله اجرا درآمد. نماینده اعلام دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر طی مراسمی با خبرگزاری پارس عزیز صداظر، بنده بجهت مبادرت به سرقت یک کسه بزرگ برنج ۹ قوطی روغن ۱۲ کلوپی و یک کسه ساند بودر و حبس و اموال بیت المال کسبه امداد امام خمینی کله گاه به قطع چهار انگشت دست راست محکوم و حکم صادره جمعبند به مرحله اجرا درآمد. نماینده اعلام دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر طی مراسمی با خبرگزاری پارس عزیز

با لسم و ارتجاع به هج مکتب و در دفاع از منافع طبقاتی ارتجاعی خود به هر وسیله دست میزنند، آنان با ادا ما استثمار زحمتکشان زنده اند و در اس راه بیرون وطنه ای دست میزنند، اما دستک جوان را که بخاطر کسبی و سکاری دست به دزدی زده است قطع میکنند و ادعا میکنند که با این کارهای وحشانه منواید "ریشه دزدی را خشکانند".

کارگران و زحمتکشان قهرمان! سردمداران رژیم حسی قتل از اسکه "لااحنه قصابان" در "مجلس" کذابی به تصویب رسانده اند. احرا در میا و برنده در حالیکه خود ریشه تمام بدخستی ها، مفروفلکت، گران، فحطی و... سرجاف نظامی هستند که بوجود آورنده دزدی، فساد، فحشا و... مساند، برای قطع دزدی و فساد، برای ریشه کن ساختن سکاری، گران، فحطی و فلاکت، برای ناسودی سم و استثمار با بد رسته این نظام استثمار را از راس سرانداخت.

برای رسیدن به حسن هدی، که تنها با سرکاری جمهوری دمکراتیک خلق بدستمان توانای زحمتکشان و برهبری تاریخنا رضفیه کارگر و کذا ربه حاکم کوفای سوسا لیبسی مسراست با تلاتی حستکی با بد بره مسارزه انقلابی ادا به دم!

تسلیت به زحمتکشان ایران!

در زلزله کلسافت (اکرمان) بیش از چند هزار نفر از زحمتکشان میهن ما کشته شده و هزاران نفر بیخانمان شدند. اکثریت کسانیکه در این زلزله و حشتناک جان و هستی خود را از دست دادند، زحمتکشان قالی باف بودند که در زیر زمینها و پستوهای نمناک، تنگ و تاریک، از سنین کم با آنها در بشت دار قالی نشسته و از دسترنج و استثمار آنان، سرما به داران مفتخور بر سرما به - تان می افزایند. و هنگام بیرو حروادت مصیبت با رطیبی سزای زحمتکشان هستند که کلبه های محقر و گلی تان از هم می باشد و جانتان را از دست میدهد. ما ناساده و فراوان بخاطر اردست دادن هزاران تن از هم میهنان زحمتکش این فاجعه را به کارگران و دیگر زحمتکشان ایران تسلیت گفته و از هم میهنان ما را زود آگاه دعوت میکنیم که با تمام توانایی خود بیاری زحمتکشان آسیب دیده بشتانند.

ندارد و فقط تا بیل "ادب کردن"، او تنم اگسر قدرتش را داشته باشد! "هست، این مرتجع منگوید که در قدرت تان نیست که ما آمریکا بکنند (بوجی ادعای دوساله رژیم را جقدر و روس سر ملا میکنند) او میگوید "کار آمریکا دزدی نیست که بتوان دست او را قطع کرد" و... بهشتی مرتجع در مدعا حبه تلسوزی سنی اش (چهارشنبه ۲۰ خرداد ۶۰) با وقاحت تمام از قطع دست در بهشهر دفاع کرده و آشکارا بیان میکنند که او به خاطر طریهای جنس دزدیده شده بلکه بخاطر آرمش خیال بولداران و سرما به - داران است که قطع دست را تا شاید میکند او و دیگر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی رأی به قطع جمیع دستیک در ده خود قربانی حاکمیت طبقاتی است میبهد تا سرما به داران و دزدان بزرگ بتوانند تند و خنه حامل از استثمار و غارت زحمتکشان را با آسودگی خاطر حفظ نمایند و الا انگیزه آنها ایداً از بسین بردن دزدی و ریشه های اجتماعی آن نیست و بخاطر منافع طبقاتی ارتجاعی تان صحبتی هم را بسین حواست نمیتوانند بکنند. و حای هیچ تعجبی نیست که او و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی چنین عفا بسدی داشته باشند، آنها حایمان و حافظین سرما به - داران و رژیم سرما به داری هستند، آنها سدرت لایزال نموده های زحمتکشان را در نما زده با امیر -

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدانیست